



مرکز تحقیقات اسلامی

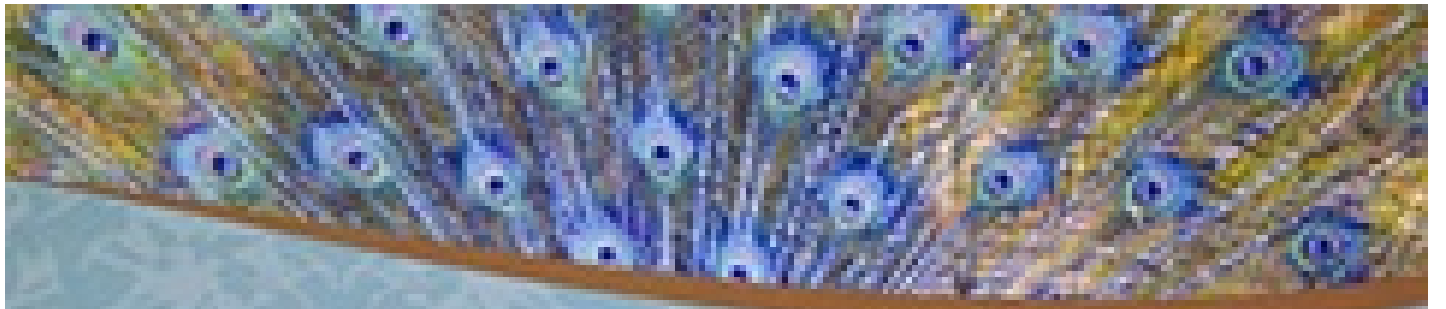
اصفهان

گامی

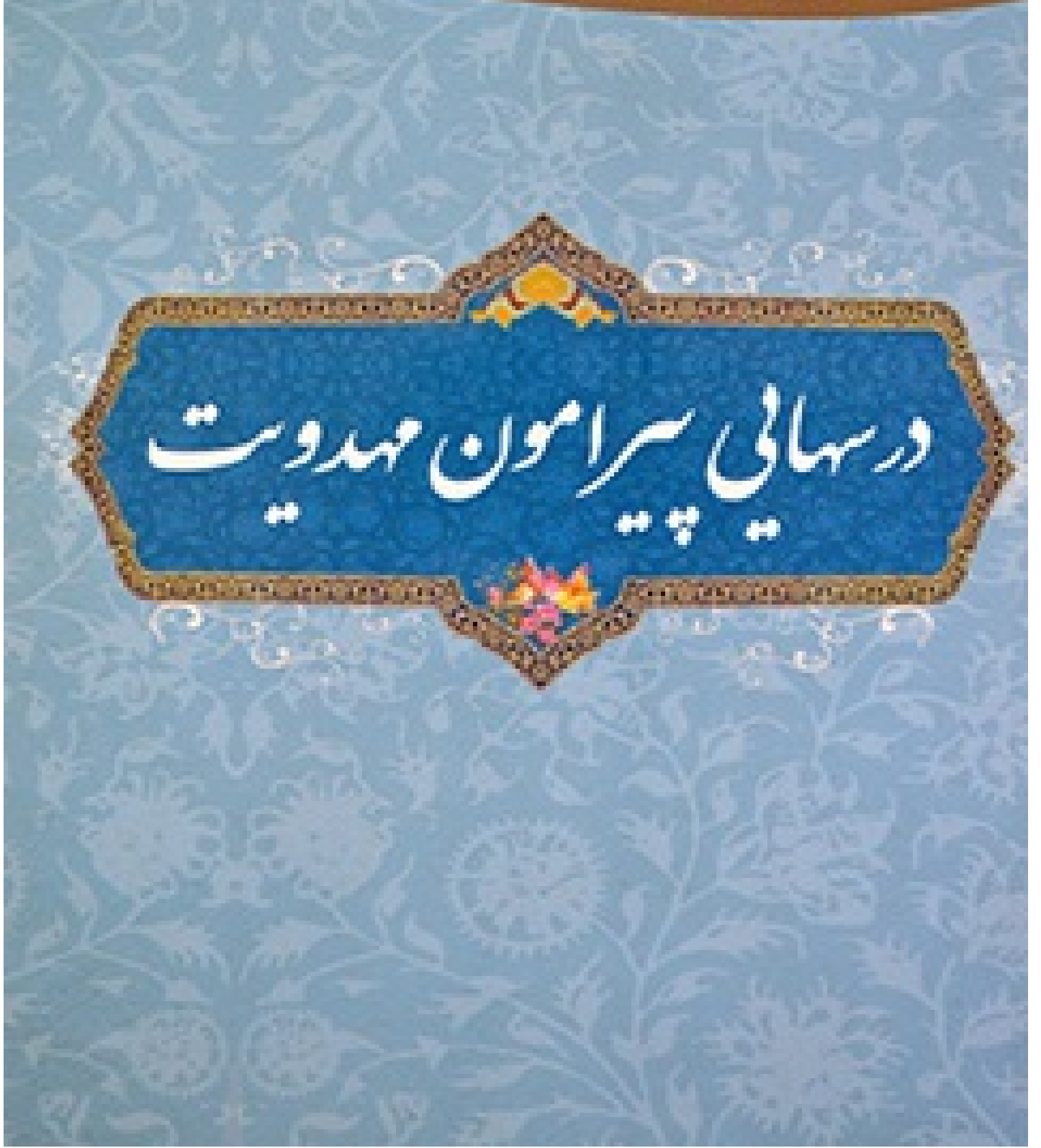


عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



دستی سرامون مہدی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسهایی پیرامون مهدویت

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	درسهایی پیرامون مهدویت
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	مدخل
۱۸	درس اول: سیمای موعود در آیینه ی احادیث اهل سنت
۲۶	درس دوم: سیمای موعود در آیینه احادیث اهل بیت علیهم السلام
۳۶	درس سوم: احادیث صحیحه مهدوی از دیدگاه عاقله
۴۷	درس چهارم: تواتر احادیث مهدویت
۵۹	درس پنجم: مناقب ویژه ی حضرت مهدی علیه السلام در منابع حدیثی اهل سنت
۵۹	اشاره
۵۹	۱. نام نامی و یاد گرامی
۶۰	۲. نسب گرامی
۶۲	۳. جمال بی مثال
۶۳	۴. مقام عصمت
۶۴	۵. جایگاه بلند حضرت مهدی علیه السلام
۶۵	۶. مقتدای مسیح
۶۵	۷. مقام شفاعت
۶۶	۸. هنگامه ی ظهور
۶۸	درس ششم: دیگر مناقب ویژه حضرت مهدی علیه السلام در منابع حدیثی اهل سنت
۶۸	اشاره
۶۸	۹. راز بقای جهان هستی
۷۲	۱۰. مشعل فروزان الهی
۷۳	۱۱. پناه امت

۷۴	۱۲. بیعت با خدا
۷۴	۱۳. بیعت با ولی خدا
۷۵	۱۴. محبوب دل ها
۷۷	درس هفتم: حضرت مهدی علیه السلام و یاران خاص در احادیث اهل سنت
۷۷	۱۵. تعداد اصحاب خاص
۷۸	۱۶. دیگر یاران
۷۹	۱۶. فتوحات
۸۱	۱۷. امدادهای غیبی
۸۴	۱۸. خشنودی همگانی
۸۷	درس هشتم: سیره ی حکومتی حضرت مهدی علیه السلام از منظر احادیث اهل سنت
۸۷	اشاره
۸۷	۱۹. سیره ی حمیده ی حضرت مهدی علیه السلام
۸۹	۲۰. مظهر جود خدا
۹۱	۲۱. منبع برکات
۹۳	۲۲. خوشبخت ترین
۹۵	۲۳. معیار شناخت
۹۵	۲۴. از تبار سالار شهیدان
۹۶	۲۵. وظیفه ی ما
۹۸	درس نهم: سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام در احادیث اهل بیت علیهم السلام
۹۸	اشاره
۹۸	۱. شمیم رحمت
۱۰۰	۲. بخشنامه ی جنگی
۱۰۲	۳. سیره حمیده حضرت مهدی علیه السلام
۱۰۴	۴. قلّه ی شرافت
۱۰۶	۵. خشنودی همگان
۱۰۹	درس دهم: حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی

- ۱۰۹ اشاره
- ۱۰۹ ۶. عدل فراگیر
- ۱۱۱ ۷. آشتی فراملی
- ۱۱۱ ۸. آگاهی گسترده
- ۱۱۲ ۹. اندوخته الهی
- ۱۱۴ ۱۰. رمز بقای جهان هستی
- ۱۱۵ ۱۱. خورشید پنهان
- ۱۱۶ ۱۲. تنها عامل دفع بلا
- ۱۱۷ ۱۲. پناه عالمیان
- ۱۱۸ ۱۳. بیان نافذ
- ۱۱۸ ۱۴. احیاگر قرآن و سنت
- ۱۱۹ ۱۵. جایگاه بس رفیع
- ۱۲۲ درس یازدهم: کتابنامه غیبت، پیش از وقوع غیبت
- ۱۳۰ درس دوازدهم: نص صریح بر غیبت صغری و کبری
- ۱۵۸ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : درسهایی پیرامون مهدویت / علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : قم: رسالت، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۴۴ص.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت

موضوع : مهدویت -- مطالعات تطبیقی

موضوع : مهدویت-- مطالعات تطبیقی

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/م۸۸ الف ۸ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

ص: ۱

اشاره

هیچ نقاش چیره دستی نمی تواند جمال عالم آرای یوسف زهرا را به تصویر بکشد.

هیچ تابلونگار توانمندی توان آن را ندارد که چهره پرفروغ آن نگار گریز پا را روی تابلو منعکس نماید.

هیچ نگارنده ای توان آن را ندارد که سیمای تابناک آن خورشید جهانتاب را بر صفحات زرین کتاب ترسیم نماید.

هیچ ثناخوان پرتوانی، توان مدیحه سرایی آن دُرْدانه ی هستی را ندارد.

هیچ شاعر زبردستی نمی تواند اوصاف زیبای آن مهر فروزان را در قالب شعر درآورد.

از این رهگذر این نگارنده ی بی بضاعت، راهی جز اعتراف به عجز و ناتوانی خود در وصف آن رشکِ ملک، که حتی با دهانی به پهنای فلک، نتوان آن را ستود، ندارد.

حکمت بالغه ی حضرت احدیت ایجاب کرده که همه ی ویژگی های

جسمی و اخلاقی، خاتم اوصیا، یوسف زهرا، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را توسط خاتم پیامبران، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، به روشنی و شفافیت اطلاع رسانی کند.

همان گونه که ویژگی های جسمی، روحی و اخلاقی حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله را توسط پیامبران پیشین اطلاع رسانی نموده است.

قرآن کریم از این اطلاع رسانی الهی در کتب آسمانی، به صراحت گزارش داده می فرماید:

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ»؛^(۱)

آنان که به آنها کتاب داده ایم، او را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند.

در تورات، انجیل و دیگر کتاب های آسمانی، از اوصاف جسمی، ویژگی های سلوکی، بعثت، هجرت و اوصاف یاران آن حضرت، به روشنی و شفافیت سخن گفته که راه شک و تردید را بر همه ی اهل کتاب بسته است.^(۲)

یهود و نصاری عهد رسالت، نه تنها به این آیه ی شریفه، که از اطلاع رسانی بسیار گسترده ی حضرت احدیت پیرامون خاتم رسالت سخن گفته، اعتراض نکردند، بلکه در مواردی به صراحت به آن اعتراف کردند، که به شماری از آن ها اشاره می کنیم:

۱- پس از هجرت پیامبر اکرم به مدینه ی منوره، از عبدالله بن سلام

ص: ۶

۱- [۱]. سوره ی بقره، آیه ی ۱۴۶؛ سوره ی انعام، آیه ی ۲۰.

۲- [۲]. سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۱۹؛ فیض کاشانی، الصّافی، ج ۱، ص ۳۰۰.

پرسیدند: خداوند مَنان در قرآن کریم می فرماید:

«آنان که به آن ها کتاب داده ایم، او را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند»

تو هنگامی که او را دیدی، این سخن را چگونه یافتی؟

عبدالله بن سلام در پاسخ گفت:

هنگامی که من او را دیدم، او را با آن نشانی ها که در کتاب خود خوانده بودم، در میان یارانش شناختم، همان گونه که اگر فرزندم در جمع کودکان مشغول بازی باشد، او را در میان آن ها خواهم شناخت.

به راستی من او را بیشتر از فرزندم می شناسم. (۱)

۲- یک قیافه شناس از قبیله «هوازن» آن حضرت را در دو سالگی در نزد دایه اش «حلیمه ی سعدیه» دید، فریاد برآورد: این کودک را بکشید، اگر او زنده بماند، همه ی بت ها را خواهد شکست. (۲)

۳- کاهنی آن حضرت را در سنین کودکی دید، فریاد کشید: او را بکشید، اگر او به سنین بالا برسد، ریشه ی بت و بت پرستی را بر می کند. (۳)

۴- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنوز به هشت سالگی نرسیده بود که یک اسقف نصرانی در کنار خانه ی خدا او را دید، از سر تا قدم به او نگریست، آنگاه به عبدالمطلب گفت: ما اوصاف پیامبری را از نسل اسماعیل در کتاب های خود می خوانیم، من

ص: ۷

۱- [۱]. ثعلبی، الکشف والبیان، ج ۲، ص ۱۳.

۲- [۲]. ابونعیم، دلائل النبوه، ص ۱۶۰؛ حلبی، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۹۶.

۳- [۳]. حلبی، همان، ص ۱۰۰.

تردیدی ندارم که این کودک همان پیامبر موعود است. (۱)

۵- پیامبر رحمت ۱۰ ساله بود که به اتفاق عمویش حضرت ابوطالب به سرزمین شام سفر کرد، در «بُصری» در کنار صومعه‌ی «بُحیرا» منزل کردند، هنگامی که چشم بحیرا به جمال مقدس آن حضرت افتاد، گفت: او سرور عالمیان است. (۲) پرسیدند: از کجا او را شناختی؟ گفت: از «مُهر نبوت» (۳) که پایین تر از نرمة استخوان شانه اش می باشد. (۴)

۶- در همین سفر بود که سه تن از یهود به نام های: زرید، تمام و دییس آن حضرت را شناسایی کردند و در صدد ترور آن حضرت برآمدند، بحیرا آن ها را به شدت نکوهش کرد و از حضرت ابوطالب خواست که آن حضرت را به سرعت از آن منطقه دور کند. (۵)

۷- بحیرا که اعلم نصارای آن زمان بود (۶) به حضرت ابوطالب گفت: دقیقاً مراقب برادرزاده ات باش، که اگر یهودیان او را ببینند، او را خواهند شناخت و در صدد برخواهند آمد که به او صدمه بزنند. (۷) وی همچنین توصیه کرد که آن حضرت را به روم نبرد، زیرا اگر رومیان او را ببینند، خواهند شناخت و در صدد

ص: ۸

-
- ۱- [۱]. ابونعیم، همان، ص ۱۶۵، طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۰۳.
 - ۲- [۲]. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۵۵.
 - ۳- [۳]. در مورد «مُهر نبوت» ر.ک: ترمذی، شمائل النَّبی، ص ۳۲؛ سیوطی، الخصائص الکبری، ج ۱، ص ۱۰۱؛ حلبی، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۹۸.
 - ۴- [۴]. ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۵؛ ابونعیم، دلائل النَّبوه، ج ۱، ص ۱۷۱.
 - ۵- [۵]. ابونعیم، همان، ص ۱۷۰.
 - ۶- [۶]. ابن اسحاق، السیر والمغازی، ص ۷۳؛ ابن هشام، السیره النَّبویه، ج ۱، ص ۳۲۰.
 - ۷- [۷]. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۹.

۸- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۵ ساله بود که در رأس کاروان بازرگانی حضرت خدیجه یک بار دیگر به سرزمین شام مسافرت نمود. هنگامی که به «بُصری» رسید، «نَسْطُور» راهب بزرگ دیر، به پایین آمد، سر تا سر وجود آن حضرت را مورد دقت و بررسی قرار داد، به «میسره» غلام خدیجه گفت: او همان پیامبر آخرالزمان و خاتم پیامبران است، ای کاش من ایام بعثت او را درک می کردم. (۲)

۹- میسره به هنگام بازگشت، سخنان «نسطور» را به پیوست مشاهدات خود به خدیجه گفت، حضرت خدیجه آن ها را با پسرعموی خود «ورقه بن نوفل» در میان گذاشت، ورقه گفت:

اگر اظهارات میسره درست باشد، محمد پیامبر این امت است. برای این امت پیامبری وعده داده شده، که اینک زمان بعثت او فرا رسیده است، او همان پیامبر موعود می باشد. (۳)

۱۰- در عصر رسالت ده ها تن از دانشمندان یهود و نصارا، به شخص پیامبر و یا اصحاب آن حضرت اظهار کردند که ما اوصاف او را در کتاب های خود دیده بودیم و بعثت او را انتظار می کشیدیم، اینک هیچ تردیدی نداریم که او همان پیامبر موعود تورات و انجیل می باشد. (۴) حضرت سلمان نیز از همین

ص: ۹

۱- [۱]. ابن عساکر، همان؛ ابونعیم، همان.

۲- [۲]. ابن عساکر، همان، ص ۱۰؛ ابونعیم، همان، ص ۱۷۳؛ دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۲

۳- [۳]. ابن هشام، السیره النبویه ج ۲، ص ۱۰.

۴- [۴]. برای مطالعه اعترافات شمار دیگری از فرزنانگان یهود و نصارا، ر.ک: سیوطی، الخصائص الکبری، ج ۱، ص ۱۸-۶۱.

طریق به سوی آن حضرت رهنمون شده، به شرف اسلام مشرف شد^(۱). به طوری که خداوند در مورد خاتم انبیا در کتب آسمانی اطلاع رسانی کرده، در مورد خاتم اوصیا نیز در کتب آسمانی اطلاع رسانی کرده، در قرآن کریم از آن سخن گفته^(۲) توصیف دقیق اوصاف جسمی، روحی و سلوکی آن حضرت به طور صریح و شفاف، از پیامبر اکرم و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است، که به شماری از آن ها در این کتاب اشاره خواهیم کرد.

ص: ۱۰

۱- [۱]. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۴۱-۴۹؛ شیخ صدوق، کتاب النبوه، ص ۳۳۸-۳۴۳؛ سیوطی، همان، ص ۳۳-۳۹.

۲- [۲]. سوره ی انبیاء، آیه ی ۱۰۵.

درس اول: سیمای موعود در آئینه ی احادیث اهل سنت

در احادیث فراوان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سیمای پرفروغ یوسف زهرا، خاتم اوصیا، حضرت مهدی علیه السلام را برای اصحاب ترسیم فرموده، که شماری از آن ها را منحصراً از کتب پایه و مرجع اهل سنت در اینجا می آوریم:

۱. الْمَهْدِيُّ مَنِّي أَجَلِي الْجَبَّهَةِ، أَقْنِي الْأَنْفِ؛

مهدی از من است، پیشانی اش باز و درخشان و بینی اش باریک و کشیده. (۱)

۲. الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، أَشْمُ الْأَنْفِ، أَقْنِي، وَأَجَلِي؛

مهدی از ما اهل بیت است، دماغش کمانی، باریک، کشیده و نورانی است. (۲)

۳. الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي، أَشْمُ الْأَنْفِ؛

ص: ۱۱

۱- [۱]. ابوداود، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۸۸ ح ۴۲۸۵؛ الخطابی، معالم السنن، ج ۲، ص ۳۴۴؛ گنجی شافعی، البيان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۳؛ همو، كفايه الطالب، ص ۵۰۰؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۳۳؛ ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۴۹، ح ۷۸۱۳؛ ابن طلحه، مطالب السؤل، ص ۳۱۲؛ قرطبی، التذکره، ص ۶۱۵؛ حموینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۰؛ ابن قیم، المنار المنيف، ص ۱۴۴؛ عظیم آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۳۷۵؛ خطیب تبریزی، مشکات المصابیح، ج ۳، ح ۵۴۵۴؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵؛ ابن حجر، الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ مناوی، فیض القدير، ج ۶، ص ۳۶۲؛ مقدسی، فرائد فوائد الفكر، ص ۲۴۹.

۲- [۲]. حاکم، مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۳۳.

مهدی از ما اهل بیت است، مردی از امت من است که بینی اش کمانی است. (۱)

۴. الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ أَجَلَى الْجَبْهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ؛

مهدی مردی با پیشانی باز و گشاده، دماغی باریک و کشیده. (۲)

۵. لِيَبْعَثَنَّ اللَّهُ مِنْ عِزَّتِي رَجُلًا، أَفْرَقَ الثَّنَائَا، أَجَلَى الْجَبْهَةِ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، يُفِيضُ الْمَالَ فَيْضًا؛

بی گمان خداوند مردی را از عزت من برخواهد انگيخت، که دندان هایش از هم جدا و پیشانی اش باز و نورانی خواهد بود.

زمین را پر از عدل و داد نماید و ثروت را سیل آسا فرو ریزد. (۳)

۶. أَجَلَى الْجَبْهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، أَفْرَقَ الثَّنَائَا؛

پیشانی باز، دماغ باریک و کشیده و دندان ها از هم جدا می باشند. (۴)

۷. أَسْمَرُ الْعَيْنَيْنِ، بَرَّاقُ الثَّنَائَا، فِي خَدِّهِ خَالٌ؛

دیدگانش میشی و شب زنده دار، دندان ها براق و در گونه اش خال است. (۵)

۸. الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ أَرْبَعِينَ سِنَةً، كَانَ وَجْهَهُ كَوَكْبِ دُرِّيٍّ، فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ أَسْوَدٌ، عَلَيْهِ عَبَاءَتَانِ قَطَوَائِيَّتَانِ، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ،

ص: ۱۲

۱- [۱]. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۰؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵.

۲- [۲]. متقی هندی، البرهان فی علامات المهدي المنتظر، ص ۹۹؛ عظیم آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۳۷۵.

۳- [۳]. گنجی شافعی، البیان، ص ۸۳؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۱۶ و ۳۴؛ ابن قیم، المنار المنيف، ص ۱۴۷؛ ابن حجر، الصواعق

المحرقة، ص ۱۶۴؛ متقی هندی، البرهان، ص ۸۴؛ مقدسی، فرائد فوائد الفكر، ص ۲۴۴، قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۶۳.

۴- [۴]. ابن حجر، القول المختصر، ص ۲۷.

۵- [۵]. مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۲، ص ۱۸۲.

مهدی از تبار من است، چهل ساله _ به نظر می رسد _ چهره اش چون ستاره ای فروزان، در گونه راستش خال سیاهی هست، بر دوش او دو عباى سفید نازک است، گویی از مردان بنی اسرائیل (میان بالا) است. گنج ها را بیرون می آورد و بلاد شرک را فتح می کند. (۱)

۹. الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ، أَلْوَنُ لَوْنِ عَرَبِيٍّ، وَالْجِسْمُ جِسْمٌ إِسْرَائِيلِيٍّ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلَ الْأَرْضِ وَأَهْلَ السَّمَاءِ، وَالطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ؛

مهدی مردی از تبار من است، چهره اش چون ستاره ای فروزان می درخشد، رنگش رنگ عربی _ گندمگون _ و اندامش اسرائیلی _ میان بالا _ می باشد. زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده باشد. در خلافت او اهل زمین و اهل آسمان، حتی پرندگان هوا خشنود می شوند. (۲)

۱۰. كَانَ مَرْبُوعَ الْقَامَةِ، حَسَنَ الْوَجْهِ وَالشَّعْرِ، أَقْنَى الْأَنْفِ وَأَجَلَى الْجَبْهَةِ؛

او راست قامت و متوسط قامه، زیباروی، زیاموی، با دماغی باریک و کشیده، با پیشانی بلند و گشاده است. (۳)

ص: ۱۳

۱- [۱]. حموینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۴؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۹۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۸؛ مقدسی، فرائد فوائد الفكر، ص ۲۴۶؛ قنوجی، الإذاعه، ص ۱۲۰.

۲- [۲]. شیرویه، الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۴، ص ۲۲۱؛ گنجی شافعی، البيان، ص ۸۰؛ همو، کفایه الطالب، ص ۵۰۱؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۳۴؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۳۶؛ همو، الصواعق المحرقة، ص ۱۶۴؛ متقی هندی، البرهان، ص ۹۳؛ مقدسی، فرائد فوائد الفكر، ص ۲۴۱، ابن صباغ، الفصول المهمه، ص ۲۹۴؛ حمزاوی، مشارق الأنوار، ص ۱۱۲؛ حلوانی، القطر الشهدی، ص ۴۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۳؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۶۳.

۳- [۳]. قرمانی، أخبار الدول و آثار الأول، ص ۱۱۷.

۱۱. يَقُومُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي، شَابٌّ حَسَنُ الْوَجْهِ، أَقْنَى الْأَنْفِ؛

در آخر الزمان مردی از تبار من خروج می کند که جوانی زیباروی با دماغی باریک و کشیده است. (۱)

۱۲. الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛

مهدی طاووس بهشتیان است. (۲)

این بود دوازده نمونه از ده ها حدیث رسیده از حضرت ختمی مرتبت، پیرامون نشانه های ظاهری حضرت خاتم الأوصیاء، و اینک برای تکمیل بحث، چند نمونه از احادیث امیریان، پیشوای پروا پیشگان، حضرت امیرمؤمنان علیه السلام، از منابع حدیثی اهل سنت تقدیم می شود:

۱۳- هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ، حَسَنُ الْوَجْهِ، يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ، يَغْلُو نُورُ وَجْهِهِ سَوَادَ شَعْرِهِ وَلِحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ؛

او جوانی متوسط القامه و زیباروی است، که موهایش بر شانه هایش می ریزد، فروغ چهره اش بر موهای مشکی سر و صورتش نور افشانی می کند. (۳)

۱۴- رَجُلٌ أَجَلَى الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبُطْنِ، أَزِيلُ الْفَخْدَيْنِ، أَبْلَجُ الثَّنَائِيَا، بِفَخْدِهِ الْيَمْنَى شَامَةٌ؛

او مردی پیشانی گشاد، بینی کشیده، سینه ستبر، ران ها کم گوشت و از هم جدا،

ص: ۱۴

۱- [۱]. سلمی، عقد الدرر، ص ۳۹.

۲- [۲]. شیرویه، همان، ص ۲۲۲؛ گنجی، همان؛ ابن صباغ، همان؛ شبلنجی، نور الأبصار، ص ۲۶۰.

۳- [۳]. مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۴۸؛ آلوسی، غالیه المواعظ، ج ۱، ص ۷۷.

دندان‌ها بزاق، با خالی در ران راست می‌باشد. (۱)

۱۵- كَثُ اللَّحْيَةِ، أَكْحَلُ الْعَيْنَيْنِ، بَرَأَقُ الثَّنَائِيَا، فِي وَجْهِهِ خَالٌ، أَقْنَى، أَجَلَى، فِي كِتْفَيْهِ عَلَامَةُ النَّبِيِّ، رَأَيْتُهُ مِّنْ مُرَطِّ مَعْلَمِيهِ - مَخْمَلِهِ -، سَوْدَاءَ مَرْبَعَةٍ، فِيهَا جَمَمٌ، لَمْ تُنْشَرْ مُنْذُ تُوَفِّي النَّبِيِّ، وَلَا تُنْشَرُ حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ، يَمُدُّهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، يَضْرِبُونَ وَجْوهَ مَنْ خَالَفَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ، يُبْعَثُ وَهُوَ مَا بَيْنَ الثَّلَاثِينَ إِلَى الْأَرْبَعِينَ؛

محاسن شریفش پر پشت، دیدگانش سرمه کشیده (پلک‌ها مشکلی)، دندان‌ها بزاق، بینی اش ظریف و کشیده، پیشانی اش گشاد، بر شانه اش نشان پیامبر اکرم (شبه مهر نبوت)، پرچمش از پارچه ای لطیف و بدون درز، نشاندار، تیره رنگ و چهار گوش، به حالت پیچیده و انباشته شده، از روزی که پیامبر اکرم وفات نموده، باز نشده و باز نمی‌شود تا روزی که مهدی ظهور کند.

خداوند او را با سه هزار فرشته یاری می‌کند.

آنها بر صورت و پشت مخالفان می‌زنند.

هنگامی که خداوند او را برانگیخته می‌کند، بین ۳۰ الی ۴۰ ساله به نظر می‌رسد. (۲)

در این بخش ۱۲ حدیث از اشرف کاینات و ۳ حدیث از پیشوای پروا پیشگان امیرمؤمنان علیه السلام، از منابع پایه و مرجع اهل سنت آوردیم، که در آنها سیمای دلربای جان‌جانان، حجت یزدان، قطب دایره عالم امکان، رمز بقای

ص: ۱۵

۱- [۱]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲- [۲]. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۸۸؛ گنجی شافعی، البیان، ص ۸۴؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۳۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۹؛ متقی هندی، البرهان، ص ۱۰۰؛ همو، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۰.

زمین و آسمان، حضرت صاحب العصر والزمان عجل الله فرجه، به صورت صریح و شفاف ترسیم شده است. ویژگی های ظاهری آن حضرت، بر اساس احادیث یاد شده، در یک جمع بندی ساده و شفاف به این شرح است:

۱. جوانی زیباروی و دلربا

۲. چهره ای درخشان، نورافشان، همچون ستاره ای فروزان

۳. با خال مشکین فام بر گونه ی راست

۴. با موهایی زیبا و فروهشته بر شانه ها

۵. لاغر اندام و میان بالا

۶. با قامتی متوسط و استوار

۷. سپید و گندمگون

۸. با محاسن انبوه و پرپشت

۹. پلک ها مشکی

۱۰. دیده ها میخی، سرمه کشیده و شب زنده دار

۱۱. دندان ها براق و از هم جدا

۱۲. پیشانی بلند و گشاده

۱۳. دماغ باریک، کشیده و کمانی

۱۴. ران ها کم گوشت و از هم جدا

۱۵. در سنینی به ظاهر ۳۰ الی ۴۰ ساله

۱۶. با عبایی سفید و نازک

۱۷. با مهر نبوت بر شانه

۱۸. با پرچمی به رنگ تیره، نشاندار، چهار گوش، از پارچه ای لطیف و بدون درز

کمال الدین، محمد بن طلحه شافعی، متوفای ۶۵۲ ق. پس از نقل شماری از احادیث یاد شده و تصریح بر صحت سند آن ها می نویسد:

همه این اوصاف را که به عنوان نشانه های ظاهری حضرت مهدی علیه السلام بیان شده، در وجود مقدس ابوالقاسم محمد، خلف صالح علیه السلام یافتیم و هرگز در شخص دیگری یافت نشده، پس لازم است که به وجود این اوصاف در وجود او اعتراف کنیم و صاحب این اوصاف را همان مهدی موعود بدانیم. (۱)

چکیده

خداوند مَنان در کتب انبیای پیشین، ویژگی های ظاهری رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به طوری ترسیم کرده که سیمای دلربای پیامبر اکرم را هر شخص آشنا با متون عهد قدیم و عهد جدید مشاهده می کرد، او را به آسانی تشخیص می داد، چنان که منطق وحی از آن پرده برداشته می فرماید:

آنان که به آنها کتاب دادیم، او را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند. (۲)

خداوند متعال در مورد حضرت مهدی علیه السلام نیز ویژگی های ظاهری، جمال بی مثال، طراوت جوانی، خال هاشمی، مهر امامت و خصوصیات پرچم هدایت را نیز طوری بیان فرموده که هر کس آن امام همام را در دوران ظهور مشاهده کند، او را خواهد شناخت.

در این درس ۱۵ حدیث در این رابطه، منحصرأ از منابع اهل سنت، از کتب

ص: ۱۷

۱- [۱]. محمد بن طلحه، مطالب السؤل، ص ۳۱۴.

۲- [۲]. سوره ی بقره، آیه ۱۴۶؛ سوره ی انعام، آیه ی ۲۰.

پایه و مرجع آنها نقل کردیم.

برای تحقیق بیشتر:

۱. البیان فی أخبار صاحب الزّمان، تألیف: گنجی شافعی، مستشهد ۶۵۸ ق.
۲. عقد الدُّرر فی أخبار المنتظر، تألیف: یوسف بن یحیی مقدسی شافعی سلمی، متوفای ۶۵۸ ق.
۳. العرفُ الوردی فی أخبار المهدی، تألیف: جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق.
۴. البرهان فی علامات مهدی آخر الزّمان، تألیف: متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ق.
۵. القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، تألیف: ابن حجر مکی، متوفای ۹۷۴ ق.
۶. فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر، تألیف: مرعی بن یوسف مقدسی حنبلی، متوفای ۱۰۳۳ ق.

ص: ۱۸

درس دّوم: سیمای موعود در آئینه احادیث اهل بیت علیهم السلام

تقریباً همه آنچه در درس اول از منابع اهل سنت نقل کردیم، در منابع شیعه به نقل از کتب عامّه آمده است، لذا روایاتی که به راویان اهل سنت برمی گشت، در این درس نیاوردیم، در اینجا تنها روایاتی آورده می شود که از طریق اهل بیت علیهم السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام، پیرامون اوصاف جسمی و نشانه های ظاهری حضرت مهدی علیه السلام به دست ما رسیده است.

۱- ابوسعید خدری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

لَيُقُومَنَّ عَلَيَّ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَقْنَى، أَجَلِي، يُوسِعُ الْأَرْضَ عَدْلًا، كَمَا أَوْسَعَتْ جُورًا؛

بی گمان مردی از اهل بیت من در میان امتم قیام می کند که بینی اش باریک و کشیده و پیشانی اش گشاده است.

با عدالتش پهنه ی گیتی را فرا می گیرد، همان گونه که ستم آن را فرا گرفته باشد. (۱)

۲- در حدیث دیگری فرمود:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَجَلِي، أَقْنَى، يَمَلَأُ الْأَرْضَ

ص: ۱۹

۱- [۱]. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۶۹، ح ۴۵۸.

عَدْلًا، كَمَا مُلِّتَ قَبْلَهُ جَوْرًا؛

رستاخیز برپا نمی شود تا هنگامی که مردی از اهل بیت من به قدرت برسد، که پیشانی اش گشاد و بینی اش باریک و کشیده است، زمین را پر از عدل نماید، آن گونه که پیش از او پر از ستم شده باشد. (۱)

۳- و در حدیث دیگر فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، اسْمُهُ اسْمِي، وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَخُلُقًا؛

مهدی از تبار من است، همنام و هم کنیه ی من می باشد، در سیرت و صورت از همه به من شبیه تر است. (۲)

۴- و در حدیث دیگری فرمود:

كَأَنَّهُ رَجُلٌ مِنْ شَنْوَاءَ، عَلَيْهِ عَبَاءَتَانِ قَطْوَانِيَتَانِ؛

گویا او مردی از «شَنوَاءَه» می باشد که بر دوش او دو عبای سفید و نازک است. (۳)

«شَنوَاءَه» منطقه ای در یمن است که قبیله «آزد» به آن ها منسوب اند (۴) مردان این منطقه به زیبایی ضرب المثل هستند (۵). و به کسی گفته می شود که به شدت از پلیدی اجتناب کند. (۶) به عبای نازک و سفید «قَطوانی» گویند و قَطوان نام

ص: ۲۰

۱- [۱]. همان، ص ۴۸۱، ح ۴۷۳.

۲- [۲]. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷؛ بحرانی، غایه المرام، ج ۷، ص ۱۳۲.

۳- [۳]. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

۴- [۴]. یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۶۸.

۵- [۵]. کامل سلیمان، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۲.

۶- [۶]. ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۲۰۷.

محلّی در کوفه و محلّ دیگری در سمرقند می باشد. (۱)

۵- و در حدیث دیگری فرمود:

الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ، وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ، عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ؛

مهدی طاووس اهل بهشت است، صورتش چون ماه تابان است و اشعه های نور از آن ساطع است. (۲)

۶- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج انوار درخشان امامان معصوم علیهم السلام را بر ساقه ی عرش مشاهده کرد، اسامی آن ها را یکایک بیان نمود و در مورد آخرین امام نور فرمود:

وَ الْحَجَّجِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ؛

حججه بن الحسن، آن امام قائم علیه السلام است که چون ستاره ای فروزان در میان آنها ایستاده بود. (۳)

۷- امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان، در وصف آن نادره ی خلقت می فرماید:

هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ، حَسَنُ الْوَجْهِ، حَسَنُ الشَّعْرِ، يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ، وَيَغْلُو نُورٌ وَجْهَهُ سَوَادَ شَعْرِ لِحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ، بِأَيْبَى ابْنِ خَيْرِهِ
الْإِمَاءِ؛

او جوانی متوسط القامه، زیباروی و زیباموی می باشد که موهایش بر شانه اش می ریزد و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش غلبه می کند، پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان باد. (۴)

ص: ۲۱

۱- [۱]. یاقوت، همان، ج ۴، ص ۳۷۵.

۲- [۲]. حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۵۲۷.

۳- [۳]. شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج ۱، ص ۴۷.

۴- [۴]. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۰؛ ابن فتال، روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۳؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۴؛ اربلی، کشف الغمیه، ج ۳، ص ۲۵۴؛ نیلی، منتخب الأنوار المضيئه، ص ۵۶؛ بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۳؛ شیخ حرّ، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۳۰؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

۸- و در حدیث دیگری فرمود:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ، أَيْبُضُ اللَّوْنِ، مُشْرَبٌ بِالْحُمْرِ، مُبْدَحُ الْبُطْنِ، عَرِيضُ الْفَحْدَيْنِ، عَظِيمُ مُشَاشِ الْمُنْكَبَيْنِ، بَظْهَرِهِ شَامَتَانِ، شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ، وَ شَامَةٌ عَلَى شِبْهِ شَامَةِ النَّبِيِّ؛

مردی از نسل من در آخرالزمان خروج می کند که رنگش سفید، آمیخته با سرخی است، سینه ستبر، ران ها پهن، استخوان شانه هایش درشت و در پشتش دو نشانی است:

(۱) نشانی به رنگ پوست

(۲) نشان دیگر همان نشان پیامبر (مهر نبوت). (۱)

۹- و در حدیث دیگری فرمود:

وَ هُوَ رَجُلٌ أَجَلَى الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبُطْنِ، أَرْيَلُ الْفَحْدَيْنِ، بِفَحْدِهِ الْيُمْنَى شَامَةٌ، أَفْلَجُ النَّيَا، وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛

او مردی با پیشانی بلند، بینی کشیده، سینه ستبر، ران ها از هم جدا، با نشانی در ران راست و دندان ها از هم جدا می باشد. زمین را پر از عدالت کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده است. (۲)

۱۰- امام باقر علیه السلام در وصف آن در دانه ی خلقت می فرماید:

ص: ۲۲

۱- [۱]. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۴؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵.

۲- [۲]. نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۰ و ۱۳۱.

مُشْرِفُ الْحَاجِبِينَ، غَائِرُ الْعَيْنِينَ، بَوَجْهِهِ أَثَرٌ؛

ابروهایش کمانی، دید گانش بر گودی نشسته، در چهره اش نشانی (خال) است. (۱)

۱۱- در حدیث دیگری فرمود:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ، وَهُوَ رَجُلٌ آدَمٌ؛

مهدی علیه السلام مردی از فرزندان فاطمه و مردی گندمگون می باشد. (۲)

۱۲- و در مورد امامت آن حضرت در سنین کودکی فرمود:

صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ أَصْغَرُنَا سِنًا وَ أَحْمَلُنَا شَخْصًا؛

صاحب این امر از نظر سنّی از همه ی ما کوچک تر و از جهت شخص از همه ی ما کم آوازه تر می باشد. (۳)

نعمانی در شرح این حدیث شریف می نویسد: حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در میان امامان از همه ی آنها در سنین کمتری به امامت رسیده است، زیرا هنوز بیش از پنج بهار از عمر شریفش سپری نشده بود که به امامت رسید. (۴)

۱۳- و در مورد امامتش در کنهسالی می فرماید:

وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ يُونُسَ بْنِ مَتَّى، فَرَجُوعُهُ مِنْ غَيْبَتِهِ وَهُوَ شَابٌّ بَعْدَ كِبَرِ السَّنِّ؛

اما شباهت آن حضرت به یونس به متّی، بازگشت او از غیبت بانشاط جوانی

ص: ۲۳

۱- [۱]. حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۵۲۶.

۲- [۲]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۸۷؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۰۴؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۳.

۳- [۳]. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۸۱؛ علامه مجلسی، همان، ص ۳۸ و ۴۲.

۴- [۴]. نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۴.

پس از کهنسالی می باشد. (۱)

۱۴- رییس مذهب، امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

وَإِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِيَّهِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًا وَهُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا؛

یکی از بزرگترین آزمون های الهی آن است که صاحب آن ها به سیمای جوانی ظهور کند، در حالی که آن ها او را پیرمردی کهنسال می پندارند. (۲)

۱۵- در حدیث دیگری فرمود:

لَوْ قَدَّ قَامَ الْقَائِمُ لَأَنْكَرَهُ النَّاسُ، لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا مُوَفَّقًا، لَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الذَّرِّ الْأَوَّلِ؛

هنگامی که قائم ماقیام کند، برخی از مردمان او را انکار می کنند، زیرا او به صورت جوانی بانشاط برمی گردد، بر اعتقاد به آن حضرت باقی نمی ماند، جز کسانی که خداوند در عالم ذر نخستین از آن ها پیمان گرفته باشد. (۳)

۱۶- امام رضا علیه السلام در وصف جمال آن حضرت فرمود:

عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ، تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ؛

بر چهره اش مشعلی از نور است که از انوار قدسی مشتعل است. (۴)

۱۷- رسول اکرم صلی الله علیه و آله در همین رابطه فرمود:

بِأَبِي وَ أُمِّي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ،

ص: ۲۴

۱- [۱]. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷؛ نیلی، منتخب الأنوار المضيئه، ص ۳۰۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۲- [۲]. نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۹؛ مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۲۸۷.

۳- [۳]. نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۸ و ۲۱۱؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۲۰؛ نیلی، همان، ص ۳۲۹.

۴- [۴]. حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۵۲۵.

پدر و مادرم فدای او باد، که همنام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که هاله ای از نور گرداگرد او را فرا گرفته است، که از اشعه ی انوار قدسی شعله ور می باشد. (۱)

۱۸- حضرت علی بن موسی علیه السلام فرمود:

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ، شَابَّ الْمُنْظَرِ، حَتَّى إِنَّ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسَبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا؛

نشانه آن حضرت این است که در کهنسالی به سیمای جوانی باشد، کسی که به او می نگرد، او را چهل ساله یا کمتر می پندارد. (۲)

۱۹- در حدیث دیگری در همین رابطه فرمود:

وَ إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبَّانِ، قَوِيًّا فِي يَدَيْهِ، حَتَّى لَوْ مَرَدَّ يَدُهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا، وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ؛

قائم علیه السلام کسی است که به هنگام خروج در سن کهنسالی و در سیمای جوانی خواهد بود.

او به قدری توان جسمی دارد که اگر دستش را به سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از ریشه و بن برمی کند و اگر در میان کوه ها بانگ

ص: ۲۵

۱- [۱]. خزاز، کفایه الاثر، ص ۱۵۹.

۲- [۲]. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ راوندی، الخرائج والجوارح، ج ۳، ص ۱۱۷۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۵، نیلی، منتخب الأنوار المضيئه، ص ۷۰؛ شیخ حرّ، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۳۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

بر آورد، صخره هایش فرو ریزد.

عصای موسی و انگشتری حضرت سلیمان با او خواهد بود. (۱)

۲۰- پیشوای ششم شیعیان در وصف جمالش فرمود:

مَقْرُونُ الْحَاجِّينِ، أَفْنَى الْأَنْفِ؛

ابروهایش به هم پیوسته و بینی اش باریک و کشیده است. (۲)

از مجموع احادیثی که در این درس از پیشوایان معصوم علیهم السلام پیرامون ویژگی های ظاهری یوسف زهرا علیه السلام نقل کردیم، به این نتیجه می رسیم که شاخصه های ظاهری آن حضرت چنین است:

۱- ابروها کمانی و به هم پیوسته

۲- استخوان شانه ها درشت

۳- امامت در سنین کودکی

۴- انگشتری حضرت سلیمان در دست

۵- به ظاهر ۳۰ الی ۴۰ ساله

۶- تأثیر نفس عجیب

۷- توان جسمی بی نظیر

۸- جوانی رعنا و رشید

۹- چهره ای بسیار نورانی چون ستاره ای درخشان

۱۰- پیشانی بلند و گشاده

ص: ۲۶

۱- [۱]. شیخ صدوق، همان، ص ۳۷۶؛ طبرسی، همان، ص ۲۴۰؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۹؛ نیلی، همان، ص ۳۴۵؛ شیخ حرّ، همان، ص ۴۷۸؛ مجلسی، همان، ص ۳۲۲.

۲- [۲]. حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۵۲۵.

۱۱- بینی باریک و کشیده

۱۲- دیدگان ژرف

۱۳- دندان ها زیبا و از هم جدا

۱۴- ران ها کم گوشت و از هم جدا

۱۵- زیباروی و زیباموی

۱۶- سرخ و سفید

۱۷- شبیه ترین انسان ها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱۸- عبای سفید بر دوش و عصای حضرت موسی در دست

۱۹- فرزند بهترین کنیزان

۲۰- گندمگون و متوسط القامه

۲۱- نشاط جوانی در عهد کهنسالی

۲۲- هاله ای از نور در گرداگرد سیما

چکیده

همه ی آنچه در درس نخستین از احادیث اهل سنت نقل کردیم، همه ی آنها را از ویژگی های ظاهری، توان جسمی، جمال بی مثال، امامت در سنین کودکی، نشاط جوانی در کهنسالی، نام پدر، مادر، مهر امامت، خال هاشمی، همراه داشتن ودایع نبوت و دیگر ویژگی هایی که هر کس در عصر ظهور به محضرش شرفیاب شود، او را با آن نشانه ها بشناسد، در ضمن ۲۰ حدیث، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام، از کتب حدیثی، از طریق اهل بیت علیهم السلام نقل کردیم.

با نگاهی گذرا به این احادیث، هیچ تردیدی نمی ماند در این که حضرت

ص: ۲۷

مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و دوازدهمین امام از امامان نور است و سخن از مهدی نوعی افسانه ای بیش نیست.

برای تحقیق بیشتر:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، تألیف: شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق.

۲. الغیبه، تألیف: نعمانی، به سال ۳۴۲ ق.

۳. الغیبه، تألیف: شیخ طوسی، متوفای ۴۵۰ ق.

۴. بحار الانوار، تألیف: علامه مجلسی، جلد ۵۱، متوفای ۱۱۱۰ ق.

۵. نجم ثاقب، تألیف: میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ ق.

ص: ۲۸

درس سوم: احادیث صحیحہ مہدوی از دیدگاه عامہ

بیش از ۲۰۰ جلد کتاب مستقل از سوی دانشمندان اهل سنت پیرامون حضرت ولی عصر ارواحنا فداہ تألیف شدہ، کہ در آنها احادیث واردہ از پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ از طریق عامہ با اسناد مختلف نقل شدہ، بررسی سندی شدہ، پس از نقض و ابرام برخی بہ عنوان حدیث صحیح و حسن و برخی دیگر بہ عنوان ضعیف و غیر معتبر معرّفی شدہ اند.

یکی از علمای بزرگ و ہابی ہا بہ نام: «دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی» موضوع مہدویت را موضوع رسالہ دکترای خود در دانشگاه ملک عبدالعزیز مکہ مکرمہ قرار داد، بہ سال ۱۳۹۸ ق. در دانشگاه امّ القری مکہ معظمہ دفاع کرد، سپس آن را در دو جلد منتشر نمود:

۱. المہدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحہ وأقوال العلماء وآراء الفرق المختلفہ

۲. الموسوعہ فی أحادیث المہدی الضعیفہ والموضوعہ

مؤلف جمعاً ۳۳۸ حدیث از احادیث مہدویت را در این اثر گرانہای خود آوردہ، آنها را بررسی سندی کردہ، احادیث صحیحہ را در جلد اول و احادیث

ضعیفه را در جلد دوم آورده است.

ما در اینجا تعدادی از احادیث صحیحه را از جلد اول آن نقل می کنیم:

۱. علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُضْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلِهِ؛

مهدی از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند. (۱)

بستوی این حدیث را از ۱۵ منبع معتبر نقل کرده (۲) سپس بررسی سندی کرده و در پایان نتیجه گرفته که سند آن نیکو می باشد. (۳)

۲. ابوسعید خدری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، يَسْقِيهِ اللَّهُ الْعَيْثَ، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَيُعْطِي الْمَالَ صَحَاحًا، وَتَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ، وَتَعْظُمُ الْأُمَّةُ؛

مهدی در پایان امت من خارج می شود، خداوند او را با بارش سیراب می کند، زمین گیاهش را بیرون می فرستد. او مال را به طور صحیح عطا می کند، دام فراوان شود و امت بزرگ گردد. (۴)

بستوی آن را از حاکم نیشابوری و متقی هندی روایت کرده (۵) اسنادش را بررسی کرده و نتیجه گرفته که سندش صحیح است. (۶)

ص: ۳۰

۱- [۱]. بستوی، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه، ص ۱۴۷.

۲- [۲]. ابن ماجه، السنین، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۵؛ احمد حنبل، المسند، ج ۱، ص ۸۴؛ ابن ابی شیبه، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۹۰؛ بخاری، التاريخ الكبير، ج ۱، ص ۳۱۷؛ ابویعلی، المسند، ج ۱، ص ۳۵۹؛ ابونعیم، حلیه الأولیاء، ج ۳، ص ۱۷۷؛ همو، أخبار اصبهان، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳- [۳]. بستوی، همان، ص ۱۵۷.

۴- [۴]. همان، ص ۱۶۳.

۵- [۵]. حاکم، المستدرک للصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۸.

۶- [۶]. بستوی، همان، ص ۱۶۵.

۳. ابوسعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَتُمْطِرُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا؛

مهدی در امت من خواهد بود... زمین را پر از عدل و داد می نماید، زمین گیاهش را بیرون می فرستد و آسمان باران خود را می بارد. (۱)

بستوی این حدیث را از طریق احمد حنبل، ابن ابی شیبه و نعیم بن حماد روایت کرده (۲) سپس سند آنها را بررسی کرده و در پایان نتیجه گرفته که سند آنها نیکوست. (۳)

۴. جابر بن عبدالله انصاری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

يَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ:

تَعَالَ صَلِّ بَنَّا.

فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَهُمْ أَمِيرٌ بَعْضٍ، تَكْرِمَةً لِلَّهِ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ؛

حضرت عیسی بن مریم فرود آید، امیر مردمان حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: بیا و نماز را اقامه کن.

حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: نه، برخی از این امت امام برخی دیگر است و این اکرام خدا به این امت است. (۴)

بستوی این حدیث را از ابن قتیبه جوزیه و ابونعیم اصفهانی روایت کرده،

ص: ۳۱

۱- [۱]. همان، ص ۱۷۶.

۲- [۲]. احمد حنبل، المسند، ج ۳، ص ۲۶؛ ابن ابی شیبه، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۸۴.

۳- [۳]. بستوی، همان، ص ۱۷۹.

۴- [۴]. همان، ص ۱۸۰.

بررسی سندی نموده، (۱) صحیح بودن سندش را اثبات کرده است. (۲)

۵. امّ سلمه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛

مهدی از عترت من، از تبار فاطمه است. (۳)

بستوی این حدیث را از ۱۳ طریق روایت کرده (۴) اسنادش را بررسی نموده، نیکو بودن سندش را اثبات نموده است. (۵)

۶. امیر بیان حضرت علی علیه السلام در فرازی از حدیث مفصّلی فرمود:

يَدْخُلُ فِيهِمْ، عَلِيٌّ عَدَّةُ أَصْحَابِ بَدْرٍ، لَمْ يَسْبِقْهُمْ الْأَوْلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ، وَعَلَى عَدَدِ أَصْحَابِ طَالُوتَ الَّذِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ؛

او در میان آنها وارد می شود با یارانی به تعداد اصحاب بدر، که هرگز نه پیشینیان به مقام آنها رسیده اند و نه پسینیان به مقام آنها می رسند. و به تعداد اصحاب طالوت که همراه او از نهر گذشتند. (۶)

بستوی آن را از مستدرک حاکم روایت کرده (۷) اسنادش را بررسی نموده، به

ص: ۳۲

۱- [۱]. ابن قیّم، المنار المنيف، ص ۱۴۷؛ ابونعیم، أخبار المهدی، به نقل سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲- [۲]. بستوی، همان، ص ۱۸۲.

۳- [۳]. همان، ص ۱۹۵.

۴- [۴]. ابوداود، السنن، ج ۴، ص ۱۰۷؛ ابن ماجه، السنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸؛ حاکم، المستدرک للصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛

بخاری، التاریخ الکبیر، ج ۳، ص ۳۴۶؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۶۷؛ ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۴۶۳.

۵- [۵]. بستوی، همان، ص ۲۰۳.

۶- [۶]. همان، ص ۲۰۶.

۷- [۷]. حاکم، المستدرک للصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۴.

نیکو بودن سند آن تصریح نموده است. (۱)

۷. یکی از اصحاب از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى يَقْتَلَ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ، فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ غَضِبَ عَلَيْهِم مَن فِي السَّمَاءِ وَ مَن فِي الْأَرْضِ، فَأَتَى النَّاسَ الْمَهْدِيَّ فَرَفُوهُ كَمَا تُرْفُ الْعُرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا، لَيْلَةَ عُرْسِهَا، وَهُوَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ مِنْ بَنَاتِهَا، وَ تَمْطِرُ السَّمَاءُ مَطَرَهَا، وَ تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تَنْعَمَهَا قَطُّ؛

مهدی علیه السلام خروج نمی کند، جز هنگامی که نفس زکیه کشته شود. وقتی که نفس زکیه کشته شود، ساکنان آسمان و ساکنان زمین خشمگین می شوند، پس مردم به سوی مهدی علیه السلامی آیند، او را همانند عروسی که در شب عروسی به حجله داماد برده می شود، با اکرام و اجلال می برند.

او زمین را پر از عدل و داد کند، زمین گیاهش را بیرون می فرستد، آسمان بارش خود را می بارد.

امت من در زمان ولایت او آن چنان در ناز و نعمت زندگی می کنند که هرگز چنین ناز و نعمتی را ندیده اند. (۲)

بستوی این حدیث را از طریق ابن ابی شیبہ روایت کرده (۳) بررسی سندی نموده، سندش را صحیح دانسته و همه ی رجالش را توثیق نموده است. (۴)

ص: ۳۳

۱- [۱]. بستوی، همان، ص ۲۰۸.

۲- [۲]. همان، ص ۲۱۳.

۳- [۳]. ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۹.

۴- [۴]. بستوی، همان، ص ۲۱۴.

۸. از طریق عبدالله بن عمر روایت کرده که گفت:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ أَنْتُمْ أَسْعَدُ النَّاسِ بِالْمَهْدِيِّ؛

ای اهل کوفه! شما در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام خوشبخت ترین انسان ها هستید. (۱)

بستوی این حدیث را از سه طریق روایت کرده (۲) بررسی سندی نموده، سندش را نیکو داشته است. (۳)

۹. از ابن سیرین روایت شده که گفت:

الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُوَ الَّذِي يَوْمُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ؛

مهدی از این امت است و او همان کسی است که بر عیسی بن مریم امامت می کند. (۴)

بستوی این حدیث را از دو طریق روایت کرده (۵) بررسی سندی کرده، همه رجالش را توثیق نموده، سندش را صحیح دانسته است. (۶)

۱۰. از ابن عباس روایت شده که گفت:

لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى تَطْلُعَ مَعَ الشَّمْسِ آيَةٌ؛

مهدی علیه السلام خروج نمی کند، جز هنگامی که همراه خورشید نشانه ای پدید آید. (۷)

ص: ۳۴

۱- [۱]. همان، ص ۲۱۵.

۲- [۲]. ابن ابی شیبیه، همان، ص ۶۷۸، ح ۱۸۹؛ ابوعمر و دانی، السین، ج ۵، ص ۱۰۵۸؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۸.

۳- [۳]. بستوی، همان، ص ۲۱۸.

۴- [۴]. همان، ص ۲۱۹.

۵- [۵]. ابن ابی شیبیه، همان، ص ۶۷۹، ح ۱۹۵؛ مروزی، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴.

۶- [۶]. بستوی، همان، ص ۲۲۰.

۷- [۷]. همان.

بستوی این حدیث را از سه طریق روایت کرده، (۱) بررسی سندی نموده، صحیح بودن سند و موثق بودن روایانش را اثبات نموده است. (۲)

۱۱. ابراهیم بن میسره گوید: به طاووس گفتم: آیا عمر بن عبدالعزیز هدایت یافته بود؟ گفت: آری، لکن آن مهدی موعود نبود، چون آن مهدی آید شخص نیکوکار بر نیکوکاری اش افزوده شود و شخص تبهکار از تباهکاری اش توبه کند. او مال را فراوان می بخشد، بر کار گزاران سخت می گیرد و بر بینوایان ترحم می کند. (۳) بستوی آن را از چهار طریق روایت کرده (۴) سندش را بررسی نموده، سندش را نیکو یافته است. (۵)

۱۲. قتاده گوید: به سعید بن مسیب گفتم: آیا مهدی حق است؟ گفت: آری حق است.

پرسیدم: از کیست؟ گفت: از قریش.

پرسیدم: از کدام تیره قریش؟ گفت: از بنی هاشم.

پرسیدم: از کدام تیره بنی هاشم؟ گفت: از آل عبدالمطلب.

پرسیدم: از کدام شاخه عبدالمطلب؟ گفت: از فرزندان فاطمه. (۶)

بستوی این حدیث را از چهار طریق روایت کرده (۷) بررسی سندی نموده،

ص: ۳۵

۱- [۱]. عبدالرزاق، المصنّف، ج ۱۱، ص ۳۷۳؛ مروزی، الفتن، ج ۱، ص ۳۳۲؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۲- [۲]. بستوی، همان، ص ۲۲۱.

۳- [۳]. همان، ص ۲۲۲.

۴- [۴]. ابن ابی شیبّه، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۸؛ مروزی، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۳؛ سیوطی، الحاوی للفتن، ج ۲، ص ۱۳۶.

۵- [۵]. بستوی، همان، ص ۲۲۴.

۶- [۶]. همان.

۷- [۷]. ابو عمرو دانی، السنن، ج ۵، ص ۱۰۵۶ و ۱۰۶۰؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۲۳؛ ابن المنادی، الملاحم، ص ۱۷۹، ح ۱۲۱.

سندش را نیکو یافته است. (۱).

۱۳. امیر مؤمنان علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

لَوْ لَمْ يَنْبَقِ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جُورًا؛

اگر از روزگار جز یک روز نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا برمی انگیزاند، تا جهان را پر از عدل کند، همان گونه که پر از ستم شده است. (۲).

بستوی این حدیث را از چهار طریق روایت کرده، (۳) اسنادش را بررسی نموده، صحت سندش را اثبات کرده است. (۴).

۱۴. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ؛

چگونه می شود حال شما هنگامی که پسر مریم در میان شما فرود آید و امام شما از خود شما باشد. (۵).

این حدیث را بستوی از ۱۱ طریق نقل کرده (۶) اسناد آنها را بررسی نموده،

ص: ۳۶

۱- [۱]. بستوی، همان، ص ۲۲۶.

۲- [۲]. همان، ص ۲۳۳.

۳- [۳]. ابوداود، السنن، ج ۴، ص ۱۰۷؛ احمد حنبل، المسند، ج ۱، ص ۹۹؛ ابن ابی شیبه، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۴؛ ابوعمرو دانی، السنن، ج ۵، ص ۱۰۴۵.

۴- [۴]. بستوی، همان، ص ۲۳۸.

۵- [۵]. همان، ص ۲۷۹.

۶- [۶]. البخاری، الصّحیح، ج ۴، ص ۲۰۵؛ مسلم، الصّحیح، ج ۱، ص ۱۳۶؛ احمد حنبل، المسند، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ابن منده، الایمان، ج ۲، ص ۵۱۶؛ ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۱.

پس از اطمینان از صحت سند، از حافظ ابوالحسن آبری نقل کرده که گفته است:

روایات متواتر است در این که مهدی از این امت است و عیسی علیه السلام در پشت سر او نماز خواهد خواند. (۱)

آنگاه از ابن حجر عسقلانی نقل کرده که گفته است:

نماز خواندن حضرت عیسی پشت سر مردی از این امت، در آخر الزمان و در نزدیکی رستاخیز، دلالت روشن دارد بر این که زمین هرگز خالی از حجت نخواهد بود و حتماً فردی که قیام به حجت نماید، از سوی پروردگار وجود خواهد داشت و این صحیح ترین اقوال می باشد. (۲)

چند نکته:

(۱) بستوی در این کتاب ارزشمند «المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصّحیحه» ۴۶ حدیث به عنوان حدیث صحیح نقل کرده، که ما فقط ۱۴ حدیث از آنها را نقل کردیم.

(۲) به طوری که در آغاز درس یادآور شدیم بستوی از بزرگان و هابیت می باشد و دو جلد از آثار چاپ شده ایشان به شرح زندگانی محمد بن عبدالوهاب اختصاص دارد. (۳)

(۳) چنان که در پاورقی آورده ایم، حدیث چهاردهم در کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم، با سند صحیح نقل شده است، پس آنچه مشهور شده که احادیث مهدویت در صحیحین نیامده، بی پایه است.

ص: ۳۷

۱- [۱]. بستوی، همان، ص ۲۸۶، به نقل از آبری در مناقب الشافعی.

۲- [۲]. ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۴.

۳- [۳]. بستوی، همان، ص ۴۳۲.

۴) آخرین فرازی که مؤلف از ابن حجر عسقلانی نقل کرده دلیل محکم و قاطعی بر حقانیت شیعه است که معتقدند باید همواره در روی زمین امام معصومی باشد و هرگز روی زمین باید خالی از حجت نباشد.

چکیده

برخی از معاندان تلاش کرده اند که احادیث مهدویت را ضعیف و غیر معتبر جلوه دهند و برخی از افراد نا آگاه نیز خیال می کنند که احادیث مهدویت فقط از نظر احادیث شیعه صحیح و قطعی می باشد، در حالی که بسیاری از بزرگان اهل سنت آنها را قطعی، مسلم، صحیح و معتبر دانسته اند.

ما در این درس کتاب ارزشمندی از یک شخصیت برجسته و دانشمند فرهیخته ی معاصر معرفی کردیم، که نه تنها از علمای اهل سنت، بلکه از علمای وهّابی، اهل سعودی، استاد دانشگاه مکه ی معظمه می باشد و کتابش رساله ی دکترای اوست، که در دانشگاه ملک عبد العزیز مکه آن را رایه داده و دفاع کرده است.

وی در این کتاب ۴۶ حدیث با سلسله اسنادش پیرامون حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده، بررسی سندی نموده، بر صحت سند، استواری متن و متواتر بودن محتوای آنها تأکید کرده است.

جالب تر این که این کتاب در مکه ی معظمه چاپ شده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الفتن، تألیف: نعیم بن حمّاد مروزی، متوفای ۲۲۹ ق.

٢. المصنّف، تأليف: ابن ابي شييه، متوفّى ٢٢٥ ق.

٣. فتح البارى، تأليف: ابن حجر عسقلانى، متوفّى ٨٥٢ ق.

٤. المهدى المنتظر، تأليف: عبدالعليم عبدالعظيم بستوى _ معاصر _

ص: ٣٩

بسیاری از علمای عامه به صراحت اعلام کرده اند که احادیث مهدویت به حدّ تواتر رسیده است، که از آن جمله است:

۱. حافظ ابوالحسن محمد بن حسین آبری سجزی، متوفای ۳۶۳ ق. که در کتاب «مناقب الشّافعی» می گوید:

اخبار متواتر و مستفیض است از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد «مهدی» و این که مهدی از اهل بیت پیامبر است، هفت سال حکومت می کند (۱) زمین را پر از عدل و داد می نماید و این که حضرت عیسی بیرون می آید و او را در کشتن دجال یاری می کند و آن حضرت بر امت اسلامی امامت می کند و عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می خواند.

بسیاری از علمای اهل سنت عین عبارت «آبری» را نقل کرده و تأیید نموده اند که از آن جمله است:

ص: ۴۰

۱- [۱]. بر اساس احادیث صحیح که با سند صحیح از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، مدّت حکومت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه پس از ظهور ۳۰۹ سال می باشد [شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۴؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۱؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۱۶؛ محدّث بحرانی، حلیه الأبرار، ج ۲، ص ۵۹۸؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱]

٢. محمد بن احمد بن ابى بكر قرطبي، متوفى ٦٧١ ق. (١).

٣. جمال الدين، ابوالحجاج يوسف بن عبدالرحمن مزى، متوفى ٧٤٢ ق. (٢).

٤. شمس الدين، محمد بن ابى بكر دمشقى، مشهور به: ابن قيم جوزيه، متوفى ٧٥١ ق. (٣).

٥. شهاب الدين، احمد بن على عسقلانى، مشهور به: ابن حجر، متوفى ٨٥٢ ق. (٤).

٦. شمس الدين، محمد بن عبدالرحمن سخاوى، متوفى ٩٠٢ ق. (٥).

٧. جلال الدين، عبدالرحمن بن ابى بكر سيوطى، متوفى ٩١١ ق. (٦).

٨. شهاب الدين، احمد بن محمد مكى، مشهور به: ابن حجر هيثمى، متوفى ٩٧٤ ق. (٧).

٩. نورالدين، على بن محمد سلطان، مشهور به: ملا على قارى، متوفى ١٠١٤ ق. (٨).

١٠. مرعى بن يوسف بن ابى بكر حنبلى، متوفى ١٠٣٣ ق. (٩).

ص: ٤١

١- [١]. قرطبي، التذكرة، ج ٢، ص ٧٢٣؛ مختصر التذكرة، ص ١٧٤؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ٨ ص ١٢٢.

٢- [٢]. مزى، تهذيب الكمال، ج ٦، ص ٥٩٦.

٣- [٣]. ابن قيم، المنار المنيف، ص ١٤٢.

٤- [٤]. ابن حجر، فتح البارى، ج ٦، ص ٤٩٤.

٥- [٥]. سخاوى، فتح المغيث، ج ٣، ص ٤١.

٦- [٦]. سيوطى، العرف الوردى، ص ١٧٦؛ همو، الحاوى، ج ٢، ص ١٦٥.

٧- [٧]. هيثمى، الصواعق المحرقة، ص ٩٩.

٨- [٨]. ملا على قارى، رساله المهدي من آل الرسول، ص ٢٥.

٩- [٩]. مقدسى كرمى، فرائد فوائد الفكر فى الامام المهدي المنتظر، ص ٢٣٢ و ٢٩٢.

۱۱. محمد بن عبدالرسول برزنجی، متوفای ۱۱۰۳ ق. (۱).

۱۲. ابو عبدالله محمد بن عبدالباقی زرقانی، متوفای ۱۱۲۲ ق. (۲).

۱۳. شمس الدین محمد بن احمد سفارینی، متوفای ۱۱۸۸ ق. (۳).

۱۴. محمد بن علی شوکانی، صاحب «نیل الأوطار» متوفای ۱۲۵۰ ق. که در این رابطه کتاب مستقلی نوشته و آن را «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر والدجال والمسیح» نامیده است. (۴).

شوکانی که مورد قبول همه علمای اهل سنت، به ویژه وهابی ها می باشد، در این کتاب می نویسد:

احادیث مهدی که در دسترس من بود، پنجاه حدیث می باشد، که در میان آن ها صحیح، حسن و ضعیف منجبر هست، که بدون شک و شبهه متواتر هستند و بر اساس اصطلاح اهل فن به کمتر از آن متواتر صدق می کند.

بسیاری از بزرگان عامه، این متن را از ایشان عیناً نقل کرده اند، که از آن جمله است:

۱۵. مولوی صدیق حسن خان قنوجی، متوفای ۱۳۰۷ ق. (۵).

۱۶. شیخ منصور علی ناصف، متوفای بعد از ۱۳۷۱ ق. (۶).

ص: ۴۲

۱- [۱]. برزنجی، الإشاعة فی أشراف السّاعة، ص ۸۷ و ۱۸۹.

۲- [۲]. زرقانی، شرح المواهب اللّدیة، به نقل کتانی در نظم المتناثر، ص ۱۴۵.

۳- [۳]. سفارینی، لوائح الأنوار البهیة، ج ۲، ص ۸۰ و مختصر لوائح، ص ۳۴۳.

۴- [۴]. شوکانی، البدر الطّالع، ج ۲، ص ۲۲۲.

۵- [۵]. قنوجی، الإذاعة، ص ۱۲۸، ۱۵۳، ۱۵۴ و ۱۶۵.

۶- [۶]. ناصف، غایه المأمول، ج ۵، ص ۳۲۷.

۱۷. شیخ عبدالمحسن العباد، معاصر، استاد دانشگاه مدینه. (۱)

۱۸. شیخ محمد منتصر الکنانی، معاصر، مقیم مکه معظمه. (۲)

۱۹. استاد ناصر الدین الألبانی، معاصر، در «رساله حول المهدي المنتظر». (۳)

۲۰. محمد أنور شاه کشمیری، متوفای ۱۳۵۲ ق. نیز کتابی در این رابطه تألیف کرده، آن را «التصريح بما تواتر فی نزول المسيح» نام نهاده است.

یکی از احادیثی که ایشان در کتاب نقل کرده، حدیث جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که فرمود:

مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛

هر کس خروج مهدی علیه السلام را انکار کند، به آنچه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، کافر شده است. (۴)

۲۱. شیخ محمد بن جعفر فاسی کتانی، متوفای ۱۳۴۵ ق. نیز در کتابی که در این زمینه تألیف کرده می نویسد:

کوتاه سخن این که احادیث وارده پیرامون حضرت مهدی، خروج دجال و نزول حضرت عیسی متواتر می باشد. (۵)

۲۲. شیخ عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، مفتی اعظم عربستان سعودی، با استناد

ص: ۴۳

۱- [۱]. عباد، عقیده أهل السَّيِّئَةِ وَالْأَثَرِ فِي الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ، در ضمن مجله الجامعه الاسلاميه، چاپ دانشگاه مدینه، سال اول، شماره ۳، ۱۳۸۸ ق.

۲- [۲]. کتانی، جزوه رابطه العالم الاسلامی.

۳- [۳]. نسخه خطی این کتاب در کتابخانه دانشگاه ملک سعود، به شماره ۳۹۹۸ موجود است. [کتابنامه حضرت مهدی: ۱/۳۹۴] مجله التمدن الاسلامی، چاپ دمشق، ۱۳۷۱ ق. ص ۶۴۶.

۴- [۴]. انورشاه، التصريح، ص ۲۴۲، ح ۶۰.

۵- [۵]. کتانی، نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر، ص ۲۲۹.

به سخنان بزرگانی چون ابوالحسن آبری، سفارینی و شوکانی می نویسد:

احادیث در مورد خروج مهدی در آخر الزمان و این که جهان را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است، بدون تردید متواتر است با تواتر معنوی و این به منزله اجماع اهل علم می باشد. (۱)

۲۳. حافظ ابو عبدالله، محمد بن یوسف نوفلی، مشهور به «گنجی شافعی» مستشهد ۶۵۸ ق. نیز به صراحت از متواتر و مستفیض بودن احادیث مهدی دفاع و بر آن تأکید کرده است. (۲)

۲۴. ابوزید عبدالرحمن بن عبدالقادر فاسی، متوفای ۱۰۹۲ ق. در کتاب منهج المقاصد، در شرح مراد المعتمد، به تواتر آن تصریح کرده است. (۳)

۲۵. شیخ محمد بن قاسم بن محمد جسوس مالکی، متوفای ۱۱۸۲ ق. نیز در شرح کتاب «الرساله» از عبدالله بن عبدالرحمن شیروانی، بر تواتر آن تصریح کرده است. (۴)

۲۶. شیخ محمد بن علی صبان، متوفای ۱۲۰۶ ق. چندین بار بر آن تصریح کرده است. (۵)

۲۷. محمد خضر حسین مصری، شیخ اسبق الأزهر، متوفای ۱۳۷۷ ق. در مقاله ای تحت عنوان «نظرة فی احادیث المهدی» بر تواتر آن تصریح نموده

ص: ۴۴

۱- [۱]. بن باز، ذیل عقیده اهل السنه والأثر، مجله الجامعه الاسلامیه، چاپ دانشگاه مدینه، شماره اول، سال ۱۲، شماره مسلسل ۴۵، ص ۱۹.

۲- [۲]. گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۲۶، باب یازدهم.

۳- [۳]. به نقل عبدالله بن محمد بن صدیق، در المهدی المنتظر، ص ۱۰.

۴- [۴]. همان، ص ۹ و به نقل کتانی، در نظم المتناثر، ص ۲۲۶.

۵- [۵]. ابن صبان مالکی، اسعاف الزاغیین، ص ۱۴۵، ۱۴۷ و ۱۵۲.

است. (۱).

۲۸. ابویعلی محمد بن عبدالرحمن مبارکفوری، متوفای ۱۳۵۳ ق. در شرح سنن ترمذی بر تواتر احادیث حضرت مهدی تصریح کرده است. (۲).

۲۹. شیخ مؤمن بن حسن شبلنجی، متوفای ۱۲۹۱ ق. بر تواتر احادیث مهدوی پای فشرده است. (۳).

۳۰. سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ق. بر تواتر احادیث حضرت مهدی علیه السلام تأکید کرده است. (۴).

۳۱. احمد بن زینی دحلان، مفتی مکه ی معظمه، متوفای ۱۳۰۴ ق. بر تواتر آن تصریح کرده است. (۵).

۳۲. محمد بلیسی شافعی مصری، متوفای ۱۳۰۸ ق. در شرح «القطر الشهدی» بر آن تأکید کرده است. (۶).

۳۳. ابوالفیض، سید احمد بن محمد بن صدیق غماری، متوفای ۱۳۸۰ ق. در ردیه ی خود بر ابن خلدون، احادیث حضرت مهدی علیه السلام را متواتر و مفید قطع دانسته است. (۷).

۳۴. شیخ صفاء الدین آل شیخ حلقه، احادیث مهدی علیه السلام را فوق تواتر دانسته

ص: ۴۵

۱- [۱]. مجله التمدن الاسلامی، جلد ۱۶، چاپ دمشق، به تاریخ محرم ۱۳۷۰ ق. ص ۸۲۸.

۲- [۲]. مبارکفوری، تحفه الأحوذی، ص ۴۸۴، در شرح حدیث ۲۳۳۱.

۳- [۳]. شبلنجی، نور الأبصار، ص ۲۶۲.

۴- [۴]. قندوزی، ینایع المودّه، ج ۳، ص ۳۴۴، باب ۸۵.

۵- [۵]. زینی دحلان، الفتوحات الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۱۱.

۶- [۶]. بلیسی، العطر الوردی، ص ۴۴.

۷- [۷]. غماری، ابراز الوهم المکنون، من کلام ابن خلدون، ص ۱۵۸.

و گفته: بر اساس همه اصطلاحات، به کمتر از آن تواتر صدق می کند. (۱)

۳۵. ابوالفضل، عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسی _ معاصر _ تواتر احادیث حضرت مهدی را از چندین شخصیت برجسته نقل کرده است. (۲)

۳۶. شیخ حمود بن عبدالله تویجری _ معاصر _ در ردیه ی خود بر کتاب «لا مهدی ینتظر بعد الرّسول خیر البشر» از قاضی قطر بر تواتر آن تصریح کرده است. (۳)

۳۷. دکتر عبدالحلیم نجّار، در مقدمه خود بر کتاب «المهدیه فی الاسلام» بر تواتر احادیث مهدویت تأکید کرده است. (۴)

۳۸. ابوالعلاء، ادریس بن محمد ادریس حسینی عراقی فاسی، متوفای ۱۱۸۳ ق. نیز گفته: احادیث حضرت مهدی متواتر یا نزدیک به متواتر است. (۵)

۳۹. دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی _ معاصر _ از علمای بزرگ و هائیان، از ده ها تن از عالمان فرهیخته نام برده که بر تواتر احادیث مهدویت تأکید کرده اند. (۶)

۴۰. در سال ۱۹۷۶ م. یک نفر به نام الکرّم ابومحمد، از کشور «کنیا» نامه ای به رابطه العالم الاسلامی مکه معظمه نوشته، در پیرامون حضرت مهدی علیه السلامسؤال

ص: ۴۶

۱- [۱]. آل شیخ حلقه، مجله التّریبه الاسلامیه، سال ۱۴، شماره ۷، ص ۳۰.

۲- [۲]. ادریسی، المهدی المنتظر، ص ۱۵ _ ۷.

۳- [۳]. تویجری، الاحتجاج بالأثر علی من انکر المهدی المنتظر، ص ۱۲۱.

۴- [۴]. کتاب «المهدیه فی الاسلام» به قلم سعد محمد حسن مصری، که مغرضانه است و کتاب «الی مشیخه الازهر» در ردّ آن نوشته شده است.

۵- [۵]. به نقل ادریسی در المهدی المنتظر، ص ۸ و کتّانی در نظم المتناثر، ص ۲۲۶.

۶- [۶]. بستوی، المهدی المنتظر، ص ۴۶ _ ۴۰.

کرده، «محمد صالح القزّاز» به عنوان دبیر کل رابطه، پاسخ مفصّلی به او فرستاده و گفته که این پاسخ را شیخ محمد منتصر کنانی نوشته، شیخ صالح بن عثین، شیخ احمد محمد جمال، شیخ احمد علی و شیخ عبدالله خیاط تأیید کرده اند.

در این نامه پس از شرح مبسوط آمده است:

حافظان و محدّثان تصریح کرده اند بر این که در میان احادیث مهدی صحیح و حسن هست و مجموع آنها متواتر هستند، که تواتر و صحّت آنها قطعی است و اعتقاد به خروج مهدی واجب است و آن از اعتقادات اهل سنّت و جماعت می باشد، آن را انکار نمی کند، جز کسی که جاهل به سنّت یا بدعت گذار در عقیده باشد.

این نامه در سطح وسیعی منتشر شده و به چندین زبان ترجمه شده است. (۱)

این بود چهل نمونه از بیانات صریح و شفاف بزرگان اهل سنّت در طول قرون و اعصار، در مورد متواتر بودن احادیث حضرت مهدی علیه السلام، که راه هر گونه شک و تردید را بر همگان بسته اند.

علیرغم این تعبیرهای قاطع و روشن، تعدادی از افراد معاند در این رابطه اظهار شک و تردید کرده اند که خود آن ها پاسخ های دندان شکن داده اند، و اینک اشاره ای کوتاه به مخدوشگران احادیث مهدوی:

۱. علی بن احمد اندلسی، مشهور به: ابن حزم، متوفای ۴۵۶ ق. در کتاب: «الفصل بین أهل الأهواء والتحل» از مسائل مهدویت انتقاد کرده و احادیث حضرت مهدی علیه السلام را تضعیف کرده، شماری از علمای اهل سنّت در ردّ او کتاب مستقل نوشته اند، که از آن جمله است:

ص: ۴۷

۱- [۱]. ترجمه فارسی این نامه به قلم آیت الله ناصر مکارم شیرازی در کتاب «مهدی انقلابی بزرگ» ص ۱۵۵ _ ۱۴۶ آمده است.

۱) احمد بن صدیق بخاری، متوفای ۱۳۸۰ ق. کتابی به نام: «ابراز الوهم من کلام ابن حزم» نوشته، که به سال ۱۳۴۷ ق. در چاپخانه ی ترقی دمشق چاپ شده است.

۲) شیخ کاظم بن شیخ سلمان حلّی، از علمای قرن چهاردهم، کتابی در ردّ او نوشته و آن را «الجزم لفصل ابن حزم» نامیده است. این کتاب در دو مجلد قطور منتشر شده است.

۳) سید مهدی بن صالح کشوان قزوینی نیز، کتابی در ردّ ابن حزم نوشته و آن را «هدی الغافلین الی الدّین المبین» نام نهاده و به سال ۱۳۳۵ ق. از تألیف آن پرداخته است.

۲. عبدالرحمن بن خلدون، متوفای ۸۰۸ ق. در کتاب تاریخ خود احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را تضعیف کرده، کتاب های مستقلّی در ردّ او نوشته شده، که از آن جمله است: «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» از احمد بن صدیق بخاری، چاپ مطبعه ی ترقی در دمشق به سال ۱۳۴۷ ق.

۳. شیخ عبدالله محمود، رییس محکمه ی شرعی قطر، کتاب پوچ و بی محتوایی در نقد احادیث حضرت مهدی نوشته و آن را «لا مهدی ینتظر، بعد الرّسول خیر البشر» نام نهاده است.

ردیه های فراوانی از علمای برجسته اهل سنت در ردّ او نوشته شده که از آن جمله است:

۱) فتح المعبود فی الردّ علی ابن محمود، تألیف: شیخ حمّود بن عبدالله تویجری.

۲) غایه المقصود فی التّنبیه علی أوهام ابن محمود، تألیف: شیخ عبدالله بن

۳) تحذیر النَّاسک مِمَّا أَحَدَثَهُ ابْنُ مَحْمُودٍ، تألیف: شیخ محمد بن ابراهیم آل شیخ، مفتی سابق کشور سعودی.

۴) الرَّدُّ عَلٰی مَنْ كَذَّبَ بِالْأَحَادِيثِ الصَّيْحِحَةِ الْوَارِدَةِ فِي الْمَهْدِيِّ، تألیف: شیخ عبدالمحسن العباد، استاد و نایب رئیس دانشگاه مدینه ی منوره.

این کتاب نخست در مجله ی دانشگاه مدینه، سال دوازدهم، شماره اول و دوم چاپ شد، سپس به سال ۱۴۰۲ ق. به پیوست کتاب «عقیده أهل السنّه والأثر فی المهدی المنتظر» از همین مؤلف در چاپخانه «الرشید» در مدینه ی منوره چاپ و منتشر شد.

این کتاب متن سخنرانی مؤلف در دانشگاه مدینه است، که در مجله دانشگاه که ارگان رسمی دانشگاه است، در ذیقعدہ الحرام ۱۳۸۸ ش، سپس در مجله «الهادی» ارگان دار التبلیغ اسلامی قم، بعداً به صورت مستقل، به پیوست ذیل آن به قلم بن باز چاپ و منتشر شد.

در کتاب «الردّ» و «عقیده أهل السنّه» و «ذیل آن» به شدت از احادیث حضرت مهدی و تواتر آن دفاع شده است.

۳. سعد محمد حسن مصری، در کتاب «المهدیه فی الاسلام» احادیث مهدویت را نشأت گرفته از تفکرات یهود و نصارا قلمداد کرده، ردیه هایی بر او نوشته شده، از جمله کتاب «الی مشیخه الانزهر» به قلم: عبدالله سبیتی، که به سال ۱۳۷۵ ق. در دارالحدیث بغداد چاپ و منتشر شده است.

۴. خاورشناس یهودی مجارستانی «گلدزیهر» متوفای ۱۹۲۱ م. در کتابش که به نام «العقیده والشریعه فی الاسلام» ترجمه شده، احادیث حضرت

مهدی علیه السلام را نشانه رفته است.

۵. خاورشناس دیگری به نام: «دونالدسن» در کتابش که به نام «عقیده الشیعه» ترجمه شده، احادیث حضرت مهدی علیه السلام را نوعی عکس العمل امت اسلامی در برابر مظالم بنی امیه دانسته است.

نگاهی گذرا بر تصریحات شفاف بزرگان اهل حدیث بر تواتر احادیث حضرت مهدی علیه السلام ما را از هر گونه پاسخ گویی به سخنان پوچ و بی پایه ی خاورشناسان و هم رزمان آنها بی نیاز می کند.

چکیده

دو تن از خاورشناسان مغرض: ۱. گلدزیر ۲. دونالدسن و تنی چند از افراد مشهور، ولی نا آشنا با علم حدیث، چون: ابن حزم، ابن خلدون، شیخ عبدالله محمود و سعد بن محمد حسن مصری، پا از گلیم خود بیرون گذاشته، در موضوعی که در آن تخصص ندارند، اظهار نظر نموده، احادیث مهدویت را تضعیف کرده اند.

ما در این درس آنها را نام برده، کتاب هایی را که در رد آنها از سوی عالمان برجسته ی اهل سنت تألیف شده، معرفی کرده، تعداد چهل تن از عالمان فرهیخته ی اهل سنت که به تواتر احادیث مهدویت تصریح کرده اند را معرفی نموده ایم.

برای تحقیق بیشتر:

۱. المهدی المنتظر، تألیف: دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی _ معاصر _

۲. اصالت مهدویت، تألیف: شیخ مهدی فقیه ایمانی _ معاصر _

ص: ۵۰

٣. الردّ على من كذب بالأحاديث الصّحيحه الوارده في المهدي، تأليف: شيخ عبدالمحسن العباد _ معاصر _

٤. الاذاعه لما كان و ما يكون بين يدى السّاعه، تأليف: سيد محمد صدّيق حسن قنوجى بخارى، متوفّى ١٣٠٧ ق.

ص: ٥١

پس از نقل ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام در احادیث اهل سنت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و نقل شماری از احادیث صحیح پیرامون حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اهل سنت و اثبات تواتر احادیث آن حضرت از زبان چهل تن از علمای اهل سنت، سیری گذرا در احادیث معتبر و مستند اهل سنت پیرامون شیوه رفتاری، سلوکی، فضایل، مناقب و دیگر ابعاد زندگی آن حضرت انجام داده، فرازهایی از این احادیث را در این بخش تقدیم می کنیم:

۱. نام نامی و یاد گرامی

(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون نام نامی و القاب گرامی حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي، وَ خُلِقَهُ خُلُقِي؛

مردی از خاندان من خروج می کند که نامش همانم من و خُلق و خویش همانند خُلق و خوی من می باشد. (۱)

ص: ۵۲

۱- [۱]. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۳۷؛ هیشمی، موارد الظّمان، ص ۴۶۴، ح ۱۸۷۹؛ متقی هندی، البرهان، ص ۹۲؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۲۹۲.

شایان دقت است که طبرانی این حدیث را از ۲۰ طریق، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است. (۱)

(۲) و در حدیث دیگری فرمود:

يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ كَاسِمِي، وَكُنْيَتُهُ كَكْنِيَّتِي؛

در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می کند که نامش همانند نام من و کنیه اش همانند کنیه من می باشد. (۲)

۲. نسب گرامی

(۳) رسول گرامی اسلام در مورد نسب والای حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي؛

مهدی از تبار من است. (۳)

(۴) با توضیح بیشتر فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي، مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛

مهدی از عترت من، از تبار فاطمه است. (۴)

(۵) و در حدیث دیگر فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛

ص: ۵۳

۱- [۱]. طبرانی، همان، ص ۱۳۷-۱۳۱، ح ۱۰۲۳۰ _ ۱۰۲۰۸.

۲- [۲]. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۶۳.

۳- [۳]. ابن صبان مصری، اسعاف الراغبین در حاشیه نور الأبصار، ص ۱۳۴.

۴- [۴]. ابوداود، الصحیح من سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۸؛ خطابی، معالم السنن، ج ۴، ص ۳۴۴؛ منذری، مختصر السنن، ج

۶، ص ۱۸۵؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۱۵؛ ابن کثیر، النهایه، ج ۱، ص ۲۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵؛ متقی هندی، البرهان،

ص ۸۹؛ مناوی، فیض القدر، ج ۶، ص ۲۷۷؛ عظیم آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۲۷۳، ح ۴۲۶۴.

مهدی از نسل فاطمه است. (۱).

۶) امیر بیان، مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام در این رابطه فرمود:

الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنَّا، مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛

مهدی مردی از ما، از تبار فاطمه است. (۲).

۷) جناب سلمان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید:

مهدی از کدامین فرزند شماست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست مبارکش را بر شانه امام حسین علیه السلام نهاد و فرمود:

مِنْ وُلْدِي هَذَا؛

از این فرزندم. (۳).

۸) سلطان سریر ارتضاء، حضرت علی بن موسی الرضا، علیه آلاف التحية والثناء، با توضیح بیشتر فرمود:

الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِ أَبِي مُحَمَّدٍ، الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَهُوَ صَاحِبُ الزَّمَانِ، الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ؛

خلف صالح از فرزندان ابومحمد حسن بن علی است، و او صاحب الزمان، قائم و مهدی علیه السلام است. (۴).

در بیش از ۱۰۸ حدیث از طریق اهل بیت عصمت و طهارت تصریح شده که

ص: ۵۴

۱- [۱]. ابن ماجه، السنن، ج ۲، ص ۲۴، ح ۴۰۸۴؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۲۱.

۲- [۲]. سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۷۴.

۳- [۳]. محبّ الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۲۴.

۴- [۴]. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۹۲.

حضرت مهدی علیه السلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است (۱)، در شماری از احادیث اهل سنت نیز به آن تصریح شده، که یک نمونه ی آن حدیث فوق است، که آن را ابن صَبَّاح مالکی و قندوزی حنفی با سلسله اسناد خودشان از امام رضا علیه السلام روایت کرده اند. (۲)

۹) امام صادق علیه السلام با صراحت بیشتر فرمود:

الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِي، وَ هُوَ الْمَهْدِيُّ، اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ كُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ، يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، يُقَالُ لِأُمِّهِ: «نَرْجِسُ»؛

خلف صالح از فرزندان من است، او مهدی است، نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم می باشد، در آخر الزمان خروج می کند، به مادرش «نرجس» گفته می شود. (۳)

۳. جمال بی مثال

در بخش آغازین کتاب احادیث فراوانی در وصف آن خورشید فروزان امامت نقل کردیم، در اینجا به نقل یک حدیث تبرک می جوئیم:

۱۰) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف جمال عظیم المثال فرزند دلبندهش فرمود:

الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛

مهدی طاووس اهل بهشت است. (۴)

۱۱) در بیان دیگری فرمود:

ص: ۵۵

۱- [۱]. آیه الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۰۸ - ۲۰۲.

۲- [۲]. ابن صَبَّاح، همان؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۳۹۲، ح ۳۶.

۳- [۳]. قندوزی، همان، ح ۳۷، به نقل از اربعین ابونعیم اصفهانی.

۴- [۴]. ابن صَبَّاح، همان، ص ۲۹۳.

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، اسْمُهُ اسْمِي، كُنِّيْتُ كُنِّيْتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا؛

مهدی از نسل من است، نام او نام من است، کنیه اش کنیه من و خودش شبیه ترین مردمان است به من در سیرت و صورت. (۱)

۴. مقام عصمت

عصمت چهارده نور پاک از نظر شیعه قطعی، بلکه از ضروریات مذهب می باشد، از نظر اهل سنت نیز در این زمینه احادیث صریح و معتبری وجود دارد، که از آن جمله است:

(۱۲) ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ؛

من، علی، حسن، حسین و نه تن از فرزندان حسین، پاک، پاکیزه و معصوم هستیم. (۲)

(۱۳) پیامبر اکرم در خصوص عصمت آن حضرت فرمود:

يَقْفُو أَثْرِي لَا يُخْطِئُ؛

مهدی قدم در جای قدم من می گذارد و هرگز خطا نمی کند. (۳)

معی الدین عربی، پیشوای اهل عرفان، بر طبق این نص صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به عصمت حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده، در پایان می نویسد:

ص: ۵۶

۱- [۱]. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۵۸۵.

۲- [۲]. همان، ص ۳۱۳، ح ۵۶۳.

۳- [۳]. ابن عربی، الفتوحات المکیه، ج ۳، ص ۳۳۲، باب ۳۶۶.

مهدی علیه السلام حجّت خدا بر اهل زمان است و مقام او در سطح پیامبران عظیم الشان الهی است. (۱)

۵. جایگاه بلند حضرت مهدی علیه السلام

(۱۴) پیامبر عظیم الشان در احادیث فراوان از جایگاه رفیع حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته، از جمله در حدیثی می فرماید:

نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَنَا وَحَمْزُهُ وَجَعْفَرُ، وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمَهْدِيُّ؛

ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم، من، حمزه، جعفر، علی، حسن، حسین و مهدی. (۲)

(۱۵) خداوند منان در شب معراج با خاتم پیامبران، پیرامون خلقت نوری و مقامات رفیع پیشوایان معصوم علیهم السلام به تفصیل سخن گفته، انوار درخشان آنها را در قائمه ی عرش خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارایه داده، نور درخشان حضرت مهدی علیه السلام را چون ستاره ای فروزان، به حال ایستاده، در هاله ای از نور متجلی ساخته، در معرفی آنها فرمود:

هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ، وَهُوَ الثَّائِرُ مِنْ عَثْرَتِكَ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، إِنَّهُ الْحُجَّةُ الْوَاجِبَةُ لِأَوْلِيَائِي، وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي؛

اینان حجّت های من هستند، اما او (آن ایستاده) منتقم عثرت تو می باشد. به عزّت و جلال خود سوگند، که او حجّت واجب من بر دوستانم و دست انتقام

ص: ۵۷

۱- [۱]. همان، ص ۳۳۸.

۲- [۲]. ابن ماجه، السّین، ج ۲، ص ۲۴، ح ۴۰۸۷؛ ابن طلحه، مطالب السّؤل، ص ۳۱۳؛ گنجی شافعی، البیان، ص ۳۴؛ ابن کثیر، النّهایه، ج ۱، ص ۳۱؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمّه، ص ۲۹۴.

من از دشمنانم می باشد. (۱)

۶. مقتدای مسیح

(۱۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید:

عیسی بن مریم به هنگام نماز صبح فرود می آید. حضرت مهدی علیه السلام به ایشان می فرماید:

یا روح الله! جلوتر بیا تا نماز را اقامه کنی.

می گوید: این امت امام یکدیگر هستند.

پس حضرت مهدی جلو می ایستد و نماز را اقامه می کند. (۲)

(۱۷) در حدیث دیگر فرمود: حضرت عیسی علیه السلام عرض می کند:

شما برای نماز شایسته تر هستی.

پس عیسی علیه السلام به آن حضرت اقتدا می کند. (۳)

۷. مقام شفاعت

(۱۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث گسترده ای جایگاه یکایک ائمه علیه السلام را بیان می کند، در پایان می فرماید:

وَالْمَهْدِيُّ شَفِيعُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَيْثُ لَا يَأْذَنُ إِلَّا لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى؛

در روز رستاخیز حضرت مهدی شفاعت کننده ی مؤمنان است، در آن روزی

ص: ۵۸

۱- [۱]. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۵۷۲.

۲- [۲]. احمد حنبل، المسند، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۱۷۹۲۰؛ مسلم، الصحيح، ج ۱، ص ۱۳۷، ب ۷۱، ح ۲۴۷؛ بیهقی، السنن الكبرى، ج ۹، ص ۳۹؛ گنجی شافعی، البیان، ص ۴۸، ح ۲۷؛ حاکم، مستدرک الصّحیحین، ج ۴، ص ۴۷۸؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۴۴؛ ابن قیم، المنار المنيف، ص ۱۴۲ و ۱۴۷؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۱۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۱.

۳- [۳]. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۲۵.

که خداوند اذن شفاعت نمی دهد، جز به کسی که بخواهد و خشنود باشد. (۱)

۸. هنگامه ی ظهور

(۱۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز موفور السُرور ظهور آخرین امام نور را «روز رهایی» نامیده می فرماید:

يُدْعَى ذَٰلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ الْخَلَاصِ؛

آن روز، روز رهایی نامیده می شود. (۲)

(۲۰) بر اساس روایات فراوان، ظهور حضرت مهدی علیه السلام در شب ۲۳ رمضان المبارک و قیام جهانی آن حضرت روز دهم محرم _ عاشورا _ اتفاق خواهد افتاد. چنان که در حدیث شریف می فرماید:

يُظَهِّرُ الْمَهْدِيُّ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَأَنَّيْ بِهٖ يَوْمَ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ، قَائِمٌ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَجَبْرِئِلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ؛

مهدی علیه السلام در روز عاشورا خروج می کند، و آن همان روزی است که حسین بن علی علیه السلام در آن روز به شهادت رسیده است.

گویی او را با چشم خود می بینم که روز دهم محرم که روز شنبه است، در میان رکن و مقام ایستاده است، جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ آن حضرت قرار دارد. (۳)

ص: ۵۹

۱- [۱]. خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۹۵؛ حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۵۷۲.

۲- [۲]. ابن قیّم جوزیه، المنار المنيف، ص ۲۹۲، ح ۳۴۴؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۲؛ ابن حجر عسقلانی، الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۹.

۳- [۳]. سلمی، عقد الدرر، ص ۶۵.

در اینجا لازم است اشاره کنیم که میان ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلامه ماه و ۱۷ روز فاصله است، ظهور شب ۲۳ ماه رمضان و قیام جهانی روز دهم محرم می باشد، روز ظهور، روز جمعه و روز قیام، روز شنبه می باشد.

چکیده

در این درس نام نامی، یاد گرامی، نسب سامی، نام پدر، نام مادر، تاریخ دقیق، روز قیام جهانی، فضایل و مناقب ویژه، سلوک رفتاری، شفاعت گسترده، مقام عصمت، جایگاه رفیع، ویژگی های عصر ظهور، پیشوایی امت، امامت بر حضرت مسیح و دیگر ابعاد زندگی حضرت مهدی علیه السلام را به استناد ۲۰ حدیث، منحصراً از منابع معتبر اهل سنت نقل کرده ایم.

درنگی کوتاه در این احادیث به روشنی اثبات می کند که در احادیث اهل سنت نیز بر همه ی ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام تصریح شده و نقطه ی مبهمی برای حق جویان باقی نمانده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. المعجم الكبير، تألیف: حافظ ابوالقاسم، سلیمان بن احمد طبرانی، متوفای ۳۶۰ ق.
۲. عقد الدرر فی أخبار المنتظر، تألیف: یوسف بن یحیی مقدسی سلمی شافعی _ قرن هفتم _
۳. الفصول المهمه، تألیف: علی بن محمد، مشهور به: ابن صباغ مالکی، متوفای ۸۵۵ ق.

ص: ۶۰

اشاره

در بخش پیشین هشت منقبت از مناقب ویژه حضرت مهدی علیه السلام را بر اساس ۲۰ حدیث معتبر از احادیث موجود در منابع پایه و مرجع اهل سنت نقل کردیم، اینک دیگر مناقب ویژه آن حضرت را منحصراً از منابع آن ها در این بخش می آوریم:

۹. راز بقای جهان هستی

(۲۱) رسول گرامی اسلام در حدیثی از غیبت طولانی حضرت مهدی علیه السلام و آزمون سخت مؤمنان در عصر غیبت به تفصیل سخن گفت، جابر بن عبدالله انصاری پرسید:

آیا دوستانش در عصر غیبت از وجود آن حضرت سود می برند؟!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئونَ نُورَهُ، وَ يَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ، كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ، إِذَا سَتَرَهَا سَحَابٌ؛

سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، آنها از نور وجودش کسب نور

می کنند و از ولایتش سود می برند، همان گونه که مردمان از خورشید سود می برند، هنگامی که در پشت ابر نهران باشد.

سپس فرمود:

يَا جَابِرُ! هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْزُونِ عِلْمِهِ، فَكُتْمُهُ إِلَّا عَنِ أَهْلِهِ؛

ای جابر! این رازی از رازهای پروردگار و گنجی از گنجینه ی دانش خداوند است، آن را مخفی بدار، به جز از اهلس. (۱)

تشبیه حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر بسیار تشبیه جالب و شگفت انگیز است.

زیرا بر اساس هیئت جدید، خورشید در مرکز منظومه ی شمسی و کرات منظومه بر گرداگرد آن در حال گردش هستند.

خورشید با نیروی جاذبه بسیار نیرومندی آن ها را به سوی خود جذب می کند، آن ها نیز با نیروی گریز از مرکز تلاش می کنند که از آن فاصله بگیرند.

تعادل این دو نیروی جاذبه و دافعه کرات منظومه را در مدار خود قرار داده، از ایجاد هر گونه خلل و تباهی محفوظ می دارد.

اگر یک ذره نیروی جاذبه بیشتر بود، این کرات به سوی خورشید جذب شده، با کره ی خورشید برخورد کرده، نابود می شدند و اگر یک ذره نیروی گریز از مرکز آن ها بیشتر بود، از حومه ی مغناطیسی خورشید، دور شده، در فضای لایتناهی پخش و پرت و نابود می شدند. بر اساس هیئت جدید تنها عامل بقای کرات منظومه شمسی، تعادل دو نیروی جاذبه و دافعه می باشد.

ص: ۶۲

۱- [۱]. قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۳۸، ح ۱۱؛ ص ۳۹۹، ح ۵۴.

خورشید برای کرات منظومه، از جمله زمین، نورافشانی می کند، میکروب زدایی می کند، موجودات زنده را پرورش می دهد و آثار فراوان دیگری کریمانه به آن ها می بخشد.

هنگامی که خورشید در پشت ابر نهران باشد، نور، حرارت، میکروب زدایی، پرورش گیاهان و جانداران به صورت ضعیف تر انجام می شود، ولی تنها یک ویژگی آن بدون کم و کاست ادامه دارد و آن جاذبه ی آن است، در جذب کرات و بقای کرات منظومه به برکت تعادل جاذبه و دافعه ی خورشید و کرات منظومه، هیچ تفاوتی بین بودن و نبودن ابر نیست.

روی این بیان هنگامی که خورشید در پشت ابر نهران است، آثار ارزشمند آن به کرات منظومه به طور ضعیف تر می رسد، ولی در جاذبه ی آن هیچ خللی پیش نمی آید.

حجت خدا نیز هنگامی که در پشت پرده ی غیبت نهران است، استفاده انسان ها از او بسیار ضعیف تر از دوران حضور می باشد، ولی به برکت او زمین و آسمان پای برجاست و نظام عالم درهم نمی ریزد، انسان ها و دیگر موجودات زنده به زندگی خود ادامه می دهند، که بر اساس روایات فراوان: «لولا الحجّة لساخت الأرض بأهلها» اگر یک لحظه حجت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می برد. (۱)

از این رهگذر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام را در عصر

ص: ۶۳

۱- [۱]. در این رابطه به منابع زیر مراجعه شود: اصول کافی: ۱/۱۳۹؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۳۹؛ إعلام الوری، ص ۳۶۴؛ کفایه الأثر، ص ۱۶۳؛ بحارالانوار، ۳۶/۲۵۹؛ کمال الدین: ۱/۲۰۲؛ غیبت نعمانی، ص ۱۳۹؛ علل الشرائع، ص ۱۹۸؛ عیون الأخبار، ص ۲۱۲.

غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه فرموده است.

در منابع اهل سنت نیز در این رابطه احادیثی موجود است، از جمله:

(۲۲) امام زین العابدین علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی فرمود:

بِنَا يُمْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَ بِنَا يُنْزِلُ الْعَيْثَ، وَ بِنَا يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ. وَ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛

خداوند به وسیله ی ما مانع می شود که زمین اهل خود را پریشان سازد، خداوند به وسیله ی ما باران می فرستد و به وسیله ی ما رحمتش را می گستراند و به وسیله ی ما برکات زمین را بیرون می فرستد.

اگر نبود امامی از ما در روی زمین، زمین اهل خود را در کام خود فرو می برد. (۱)

(۲۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه های خود که در آخرین روزهای حیات خود ایراد کردند، فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ كَأَنِّي أُدْعَى فَأُجِيبُ، وَ إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي.

مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا.

فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ.

لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْهُمْ، وَ لَوْ خَلَتْ إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛

هان ای مردمان! گویی نزدیک است که فرا خوانده شوم، پس اجابت نمایم. من در میان شما دو امانت گرانها به ودیعت نهادم:

ص: ۶۴

۱- [۱]. حموی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۶؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۱، ص ۷۵ و ج ۳، ص ۳۶۰.

اگر به این دو چنگ بزنید، هرگز گمراه نمی شوید.

از آنها فرا گیرید و هرگز در صدد تعلیم آنها برنیاید، که آنها از شما داناتر هستند.

هرگز روی زمین از آنها خالی نمی شود، و اگر خالی شود، زمین اهل خود را در کام خود فرو می برد. (۱)

۱۰. مشعل فروزان الهی

(۲۴) در ذیل آیه شریفه «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (۲) در احادیث فراوان آمده است که این آیه مربوط به عصر ظهور است، از جمله در حدیثی چنین آمده:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ؛

هنگامی که آن حضرت خروج کند، زمین با نور او روشن می شود. (۳)

در تورات، انجیل، اوستا و قرآن کریم از روشن شدن زمین با نور صاحب زمین سخن رفته، در احادیث فراوان، از جمله حدیث فوق تصریح شده که این معنی در عصر ظهور تحقق پیدا می کند.

در احادیث اهل بیت با توضیح بیشتر آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین با نور صاحبش روشن می گردد، مردم از

ص: ۶۵

۱- [۱]. قندوزی، همان، ج ۱، ص ۷۴.

۲- [۲]. سوره ی زمر، آیه ی ۶۹.

۳- [۳]. حموینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۷، ح ۵۹۰.

نور خورشید بی نیاز می شوند، شب و روز یکسان گردد، تاریکی رخت برمی بندد. (۱)

در تورات در این زمینه با قاطعیت آمده است که:

بار دیگر آفتاب در روز، نور تو نخواهد بود و ماه درخشندگی برای تو نخواهد تابید، زیرا یهوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود. (۲)

از بررسی نویدهای کتب مقدّسه، آیات نورانی قرآن و احادیث وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق اهل تشیع و تسنن روشن می شود که در عصر ظهور دیگر نیازی به خورشید و انرژی خورشیدی نخواهد بود، ولی نمی دانیم که آیا جهان هستی با نور دوازدهمین امام نور، به صورت معجزه آسا روشن خواهد شد، یا به وسیله ی آن علم برتر و دانش مافوق تصوّری که بنابر احادیث آن امام نور خواهد آورد؟

۱۱. پناه امت

(۲۵) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی پیرامون فرزند دلبندهش امام عصر علیه السلام می فرماید:

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي، يَبْعَثُهُ اللَّهُ مُغِيَاثًا لِلنَّاسِ؛

مهدی در امت من خروج می کند، خداوند او را به عنوان پناهگاه برای مردمان برمی انگیزاند. (۳)

(۲۶) و در حدیث دیگری فرمود:

ص: ۶۶

۱- [۱]. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۸۶.

۲- [۲]. کتاب مقدّس، عهد عتیق، کتاب أشعیاء نبی، باب ۶۰، بند ۱۹.

۳- [۳]. سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۰.

يَأْوِي إِلَيْهِ النَّاسُ، كَمَا تَأْوِي النَّحْلُ إِلَى يَعْسُوبِهَا؛

مردمان به آن حضرت پناه می برند، همان گونه که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می برند. (۱)

۱۲. بیعت با خدا

(۲۷) در مراسم بیعت با امام نور، جبرئیل امین فریاد می زند:

أَلْبَيْعَةُ لِلَّهِ؛

بیعت برای خدا. (۲)

(۲۸) مراسم بیعت در میان رکن و مقام (بین حجرالاسود و مقام ابراهیم) انجام می شود، چنان که در حدیث شریف آمده است:

فَيُبَايِعُ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛

در میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت انجام می شود. (۳)

(۲۹) در حدیث دیگری آمده است:

يُبَايِعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛

با مردی در میان رکن و مقام بیعت می شود. (۴)

۱۳. بیعت با ولی خدا

(۳۰) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تشریح ضرورت بیعت با ولی خدا می فرماید:

إِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايِعُوهُ، وَ لَوْ حَبَوًّا عَلَى التَّلَجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ؛

ص: ۶۷

۱- [۱]. برزنجی، الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۹۰.

۲- [۲]. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۳۰۲.

۳- [۳]. سفارینی، لوائح الأنوار البهيه، ج ۳، ص ۷۸.

۴- [۴]. ابن ابی شیبه، المصنّف، ج ۸، ص ۶۱۲.

چون او را مشاهده کردید، با او بیعت کنید که او خلیفه ی خدا، حضرت مهدی است. (۱)

۱۴. محبوب دل ها

(۳۱) رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون محبوبیت آن ولی خدا می فرماید:

يُحِبُّهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛

ساکنان آسمان و ساکنان زمین به او عشق می ورزند. (۲)

(۳۲) امیر بیان، مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام فرمود:

إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ، وَ يُشْرَبُونَ حُبَّهُ، وَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ؛

هنگامی که منادی آسمانی بانگ بر آورد که:

«حق با محمد و آل محمد علیه السلام می باشد»؛

نام مهدی بر سر زبان ها می افتد، دل ها مالا مال از محبت او می شود، آنها دیگر کاری جز عشق بازی با نام و یاد او ندارند. (۳)

از خداوند منان می خواهیم که در فرج آن حضرت تعجیل بفرماید، آن عشق سرشار و ارادت بی شائبه به مولای محبوب را به ما عنایت بفرماید، تفضلاً سعادت دیدار آن کعبه ی مقصود و زندگی در عهد ظهور موفور السیرور آن قبله موعود را به ما نصیب بفرماید، ان شاء الله.

ص: ۶۸

۱- [۱]. سلمی، عقد الدرر، ص ۵۷.

۲- [۲]. همان، ص ۱۷؛ عدوی حمزوی، مشارق الأنوار، ص ۱۱۲.

۳- [۳]. همان، ص ۵۲؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۵؛ برزنجی، الإشاعه، ص ۱۱۷؛ صدیق، إبراز الوهم المکنون، ص ۱۴۸.

بیش از هزار سال پیش از پدید آمدن هیئت جدید، توسط: کپلر، کوپرنیک، نیوتن و گالیله، از نقش خورشید در بقای کرات منظومه سخن رفته، وجود مقدّس امام زمان علیه السلام در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده، به صراحت اعلام شده اگر یک لحظه خورشید فروزان امامت در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می بلعد.

در این درس علّت تشبیه، نقش خورشید در بقای منظومه شمسی، بی نیازی مردم از نور خورشید در عصر ظهور، شگفتی این تشبیه در عصر حکومت هیئت یطلمیوس بر مراکز علمی و دیگر آثار وجودی حضرت مهدی علیه السلام تبیین شده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. العرف الوردی فی أخبار المهدی، تألیف: جلال الدین سیوطی، متوفّای ۹۱۱ ق.

۲. فرائد السمّین، تألیف: حافظ ابراهیم بن مؤید حموی جوینی، متوفّای ۷۳۰ ق.

۳. او خواهد آمد، تألیف: علی اکبر مهدی پور _ معاصر _

۱۵. تعداد اصحاب خاص

بر اساس روایات فراوان در روز ظهور موفور السیرور دوازدهمین امام نور، ده ها هزار نفر در میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند. ولی تعداد اصحاب خاص، که فرماندهان لشکری و کشوری هستند، ۳۱۳ تن می باشد:

(۳۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از یک حدیث طولانی فرمود:

وَإِنَّ الْمَهْدِيَّ يُبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَعِدَّةً مِنْ مَعَهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَبَضْعَةَ عَشَرَ.

در میان رکن و مقام (حجر الاسود و مقام ابراهیم) با مهدی علیه السلام بیعت می شود، تعداد کسانی که با او هستند ۳۱۰ تن و اندی می باشد. (۱)

(۳۴) امیرمؤمنان علیه السلام در همین رابطه فرمود:

عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ بَدْرٍ، لَمْ يَسْبِقْهُمْ الْأَوْلُونَ وَ لَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ طَالُوتَ، الَّذِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ.

ص: ۷۰

به تعداد اصحاب بدر و به تعداد اصحاب طالوت که به همراه او از رودخانه عبور کردند.

در گذشته کسی از آنها سبقت نگرفته و در آینده کسی به جایگاه آنها نخواهد رسید. (۱)

(۳۵) امام باقر علیه السلام با شفافیت بیشتر فرمود:

فَيُظَهَّرُ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشْرٍ، عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرِ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قُرْعًا كَفُزَعِ الْخَرِيفِ، رُهْبَانًا بِاللَّيْلِ، أَسَدًا بِالنَّهَارِ.

با ۳۱۳ تن، به تعداد اصحاب بدر _ بدون وعده ی قبلی _ ظاهر می شود، که چون قطعات ابر پاییزی گرد آیند. آنها راهبان شب و شیران روز هستند. (۲)

۱۶. دیگر یاران

بر اساس روایات فراوان ۳۱۳ تن فرماندهان کشوری و لشکری حضرت مهدی علیه السلام هستند، ولی یاران حضرت به آنها منحصر نمی باشد، بلکه برای هر منطقه ای از اقطار و اکناف جهان یک لشکر متشکل از ۱۰۰۰۰ نفر می فرستد، در رأس هر لشکری یک نفر از اصحاب خاص آن حضرت قرار دارد.

یاران حضرت مهدی علیه السلام به آنها نیز منحصر نمی باشد، بلکه یاران دیگری دارد که در احادیث به آنها اشاره شده است:

(۳۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک گروه از یاران آن حضرت را از فرشته ها معرفی کرده می فرماید:

ص: ۷۱

۱- [۱]. سلمی، عقد الدرر، ص ۵۹ و ۱۳۱.

۲- [۲]. همان، ص ۱۴۶.

يُؤْمِدُهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛

خداوند آن حضرت را با ۳۰۰۰ تن از فرشتگان یاری می رساند. (۱)

و در حدیث دیگری گروه دیگری را معرفی کرده می فرماید:

وَمَعَهُ أَصْحَابُ الْكَهْفِ، أَعْوَانُ لَهُ؛

اصحاب کهف نیز به همراه آن حضرت و یاران او می باشند. (۲)

۱۶. فتوحات

در احادیث از فتوحات فراوان، که به لطف حق تعالی، به دست حضرت بقیه الله ارواحنا فداه و یاران با صفایش انجام می شود، سخن رفته، که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

(۳۸) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در واپسین لحظات عمر خود، برای تسلی قلب شریف حضرت فاطمه علیها السلام فرازهایی از عنایت خداوند مَنان به خاندان عصمت و ظهارت سخن گفته، در پایان می فرماید:

فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَهُ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوبًا غُلْفًا.

در آن هنگام خداوند کسی را بر می انگیزاند که قلعه های ضلالت را می گشاید و دل های بسته شده را باز گشایی می کند. (۳)

گشودن قلعه های محکم و استوار، با بازوان پرتوان و اراده های آهنین امکان پذیر می باشد، ولی گشودن دل های بسته و مهر خورده، نیازمند منطق قوی، استدلال متین، موقعیت شناسی دقیق، و رعایت نکات بسیار ظریف و

ص: ۷۲

۱- [۱]. مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۸۳.

۲- [۲]. سفارینی، لوائح الأنوار البهیة، ج ۲، ص ۷۸.

۳- [۳]. محبّ الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶.

لطیف می باشد.

(۳۹) در حدیث دیگری فرمود:

فَيَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرَكَ؛

گنج ها را استخراج می کند و بلاد را فتح می نماید. (۱)

(۴۰) آنگاه با بیان شفاف تر فرمود:

يَرُدُّ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ، وَيُفْتَحُ لَهُ فُتُوحٌ فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛

خداوند به دست آن حضرت شکوه و عظمت دین را بر می گرداند، فتوحاتی برایش نصیب می شود و در روی زمین تنها کسانی می مانند که می گویند: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (۲).

این حدیث شریف صریح است در این که همه ی بلاد به دست با کفایت آن حضرت گشوده می شود، همه ی مشرکان موحد می شوند و حتی یک نفر غیر موحد در روی زمین نمی ماند.

(۴۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد گستره ی فرمانروایی حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

مَلَكَ الْأَرْضَ أَرْبَعَهُ، مُؤْمِنَانِ وَ كَافِرَانِ.

فَالْمُؤْمِنَانِ: ذَوَا الْقَرْيَتَيْنِ وَ سُلَيْمَانَ

وَ الْكَافِرَانِ: نَمْرُودَ وَ بُخْتِ النَّصْرَ

وَ سَيَمْلِكُهَا خَامِسٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي؛

ص: ۷۳

۱- [۱]. سلمی، عقد الدرر، ص ۲۲۲.

۲- [۲]. همان.

تاکنون دو مؤمن و دو کافر بر همه ی جهان سیطره یافته اند:

اما آن دو مؤمن عبارتند از: ذوالقرنین و حضرت سلیمان.

و آن دو کافر عبارتند از نمرود و بخت النصر.

به زودی فرد پنجمی از خاندان من نیز بر آن سیطره پیدا خواهد نمود. (۱)

۱۷. امدادهای غیبی

برای فتح بلاد و گشودن دل ها و نفوذ در اعماق اندیشه ها، تنها ادوات و ابزار جنگی کافی نیست، بلکه در بسیاری از موارد کاری از آنها بر نمی آید، برای این کار ابزار و ادوات دیگری لازم است که ما از آنها امدادهای غیبی تعبیر می کنیم، که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

(۴۱) شماری از امدادهای غیبی را امام باقر علیه السلام در حدیثی بر می شمارد:

الْمَهْدِيُّ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالظَّفَرِ، تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ، وَ يُظْهِرُ اللَّهُ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

مهدی ما به وسیله ی القای رعب او در دل ها نصرت یافته، با نویدهای پیروزی مؤید گشته، زمین زیر پایش درنوردیده می شود، گنج ها برایش ظاهر می گردد، دامنه ی حکومتش ظاهر می شود. (۲)

(۴۲) امام صادق علیه السلام برخی دیگر از عوامل غیبی را این گونه بیان می کند:

يُظْهِرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ مَعَهُ رَأْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَمِيصُهُ وَ سَيْفُهُ

ص: ۷۴

۱- [۱]. همان، ص ۱۹؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۶؛ ابن حجر، الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۹.

۲- [۲]. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۳۰۲.

مهدی علیه السلام شامگاهان در مکه ظاهر می شود، در حالی که پرچم، پیراهن و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله را همراه دارد، او با نشانه ها، چهره ی نورانی و بیان گیرا مؤید است. (۱)

(۴۳) در حدیث دیگر از مهم ترین عامل مؤثر در موفقیت پرده برداشته می فرماید:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ، فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ

منادی از آسمان به نام مهدی علیه السلام ندا می کند، هرکسی که در شرق و غرب باشد، آن را می شنود.

آن گاه ویژگی مهم این ندای آسمانی را چنین بیان می کند:

يَسْمَعُ أَهْلُ كُلِّ لُغَةٍ بِلُغَاتِهِمْ؛

اهل هر زبانی آن را به زبان مادری خود می شنود. (۲)

(۴۴) از دیگر تأییدات ربّانی حضرت مهدی علیه السلام نشانه هایی است که همراه خورشید ظاهر می شود. از طریق ابن عباس روایت شده است که گفت:

لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى تَطْلُعَ مَعَ الشَّمْسِ آيَةٌ؛

مهدی علیه السلام خروج نمی کند، جز هنگامی که همراه خورشید نشانه ای ظاهر شود. (۳)

ص: ۷۵

۱- [۱]. ابن حجر، الفتاوى الحديثية، ص ۴۲.

۲- [۲]. برزنجی، الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۹۱.

۳- [۳]. عبد الرزاق، المصنّف، ج ۱۰، ص ۳۱۷، ح ۲۰۹۴۰؛ سيوطي، الحاوي للفتاوى، ج ۲، ص ۶۲.

(۴۵) از عوامل موفقیت حضرت مهدی علیه السلام در هدایت اهل کتاب دسترسی ایشان به تورات واقعی و انجیل واقعی است، که در حدیث آمده است:

وَيَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ أَرْضٍ يُقَالُ لَهَا: أَنْطَاكِيَه؛

تورات و انجیل را از سرزمینی به نام انطاکیه بیرون می آورد. (۱) (۴۶) از دیگر عوامل موفقیت آن حضرت در جذب دل ها وجود فرشته ای بر فراز سر آن حضرت است، که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید:

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي :

«إِنَّ هَذَا الْمَهْدِيُّ، فَاتَّبِعُوهُ»؛

حضرت مهدی خروج می کند، در حالی که بالای سرش فرشته ای فریاد می زند که:

«این مهدی است، از او پیروی کنید.» (۲)

(۴۷) یکی دیگر از عوامل پیروزی حضرت، بروز عوامل جوی بر خلاف آنچه از آغاز خلقت تا آن روز اتفاق افتاده است. امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید:

إِنَّ لَمَهْدِيْنَا آيَاتِيْنَ لَمْ يَكُنَا مُنْذُ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَنْكَسِفُ الْقَمَرُ لِأَوَّلِ لَيْلِهِ مِنْ رَمَضَانَ وَتَنْكَسِفُ الشَّمْسُ فِي النَّصِيفِ مِنْهُ.

برای مهدی ما دو تا نشانه است که از نخستین روزی که خداوند آسمان ها و زمین را آفریده، چنین چیزی رخ نداده است:

ص: ۷۶

۱- [۱]. همان، ح ۲۰۹۳۷.

۲- [۲]. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۵۶۹؛ سیوطی، همان، ص ۵۸؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۳۱.

۱. ماه در شب اول ماه رمضان می گیرد.

۲. خورشید در شب نیمه ی آن می گیرد. (۱)

در طول تاریخ بشری همواره ماه در اواسط ماه قمری و خورشید در اواخر آن گرفته است، هرگز خسوفی در اواسط ماه و کسوفی در اواخر ماه رخ نداده است، ولی در ماه رضانی که مهدی موعود ظاهر می شود، ماه در شب اول و خورشید در شب نیمه ی آن گرفته می شود.

۱۸. خشنودی همگانی

از نخستین روزی که حضرت آدم ابوالبشر قدم در گره خاکی نهاده، تا به امروز هزاران زمامدار صالح و غیر صالح به قدرت رسیده، در گوشه ای از این پهندشت گیتی به رتق و فتق امور پرداخته، ولی هرگز هیچ حکومتی بر سر کار نیامده که همگان از او راضی و خشنود باشند، برای اولین بار در تاریخ آفرینش حکومتی بر سریر قدرت خواهد نشست که همگان از او راضی و خشنود باشند و آن حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و اینک تعدادی از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه:

(۴۸) حضرت ختمی مرتبت در این رابطه می فرماید:

يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ، وَالطَّيْرُ فِي الْجَوِّ

در خلافت او اهل آسمان و اهل زمین، حتی پرندگان هوا خشنود می شوند. (۲)

(۴۹) در حدیث دیگر با توضیح بیشتر فرمود:

ص: ۷۷

۱- [۱]. قرطبی، التذکره، ج ۲، ص ۱۹.

۲- [۲]. سلمی، عقد الدرر، ص ۳۴.

يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوِّ، وَ الْوَحْشُ فِي الْقَفْرِ وَ الْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ؛

ساکنان آسمان، ساکنان زمین، پرنده‌گان هوا، درندگان صحرا و ماهیان دریا از او خشنود می شوند. (۱)

(۵۰) در حدیث دیگر با اشاره به برخی از عوامل خشنودی همگانی می فرماید:

يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَبَتْهُ مِثْرَارًا، وَ لَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ مَائِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ حَتَّى تَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ؛

ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنود می شوند، آسمان چیزی از بارانش را نگه نمی دارد، سیل آسا آن را فرو می ریزد، زمین چیزی از آبش را نگه نمی دارد، آن را بیرون می فرستد. تا جایی که زنده‌ها مردگان خود را آرزو می کنند. (۲)

چکیده

در این درس تبیین شده که یاران حضرت ولی عصر ارواحنا فداه ده‌ها هزار نفر می باشند، تعداد ۳۱۳ نفر فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت می باشند. آنگاه جایگاه رفیع آنها بیان شده، عوامل پیروزی حضرت، امدادهای غیبی، نقش بانگ آسمانی، نزول فرشتگان، نزول برکات آسمانی، بروز گنج‌های

ص: ۷۸

۱- [۱]. برزنجی، الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۸۹؛ سفارینی، لوائح الأنوار البهية، ج ۲ ص ۷۸.

۲- [۲]. عبدالرزاق، المصنّف، ج ۱۰، ص ۳۱۶، ح ۲۰۹۳۵؛ مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۴؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۴۳ و ۶۰؛ خطیب تبریزی، مشکات المصابیح، ج ۳، ص ۱۸۴، ح ۵۴۵۷.

زیرزمینی، همراه داشتن ودایع نبوت، پدید آمدن آثار جوی، خشنودی ساکنان زمین و آسمان، خرسندی پرندگان هوا و ماهیان دریا، به استناد احادیث اهل سنت از منابع معتبر تقدیم گشته است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الاشاعه لاشراط الساعه، تألیف: محمد بن عبد الرسول حسینی شهرزوری برزنجی، متوفای ۱۰۱۳ ق.
۲. فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر، تألیف: مرعی بن یوسف کرمی حنبلی، متوفای ۱۰۳۳ ق.
۳. ینابیع الموده، تألیف: سلیمان بن محمد قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ق.

ص: ۷۹

اشاره

گفت و گو از سیره ی حمیده ی آن الگوی جهان و اسوه ی خلقت، به نگارش چندین مجلد مستقل نیاز دارد، ولی به جهت محدود بودن صفحات کتاب، فقط به چند نکته در این رابطه بسنده می کنیم:

۱۹. سیره ی حمیده ی حضرت مهدی علیه السلام

(۵۱) حضرت ام سلمه پیرامون شیوه ی حکومتی حضرت مهدی علیه السلام و سیمای عصر ظهور در پرتو سیره ی حمیده ی آن امام نور، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود:

يَعْمَلُ فِي النَّاسِ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ، وَيُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجَرَانِهِ فِي الْأَرْضِ؛

در میان مردم با سنت و سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتار می کند و همه ی احکام اسلام در زمان او پیاده می شود. (۱)

(۵۲) در حدیث دیگری فرمود:

ص: ۸۰

۱- [۱]. ملا علی قاری، مرقات المفاتیح، ج ۵، ص ۱۸۲؛ مختصر سنن ابی داود، ص ۱۶۱، ح ۴۱۱۷.

و يُظْهِرُ مِنَ الْعَدْلِ مَا يَتَمَنَّى لَهُ الْأَحْيَاءُ أَمْوَاتَهُمْ؛

آن مقدار از عدالت خود را ظاهر می کند که زنده ها آرزو می کنند که ای کاش مرده هایشان زنده بودند. (۱)

(۵۳) پیامبر اکرم وضع روحی مردمان را در عصر ظهور این گونه ترسیم می کند:

يَذْهَبُ الْبَغْضَاءُ وَالشَّخْنَاءُ وَالشَّخْنَاءُ وَالتَّحَاسُدُ؛

بغض، حسد و کینه از میان مردم رخت بر می بندد. (۲)

(۵۴) امام باقر علیه السلام آبادانی جهان را چنین ترسیم می کنند:

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عَمَّرَهُ؛

بر فراز کره ی خاکی، هیچ ویرانه ای نمی ماند، جز این که آباد سازد. (۳)

(۵۵) و در یک تعبیر جامع فرمود:

إِنَّ الْمُهْدِيَّ إِذَا كَانَ، زَيْدَ الْمُحْسِنِ فِي إِحْسَانِهِ، وَتَيْبَ عَلَى الْمُسَىءِ مِنْ إِسَاتِهِ وَهُوَ يَبْذُلُ الْمَالَ وَيَسْتَدُّ عَلَى الْعَمَالِ وَيَرْحَمُ الْمَسَاكِينَ

چون عصر مهدی فرا رسد، بر نیکی اشخاص نیکوکار افزوده می شود، افراد تبهکار از گناه خود توبه داده می شوند.

او ثروت را بی محابا می بخشد، بر کار گزاران سخت می گیرد، بر بینوایان ترحم می کند. (۴)

ص: ۸۱

۱- [۱]. سیوطی، الحاوی، ج ۲ ص ۵۸.

۲- [۲]. ابن الوردی، خریده العجائب، ص ۲۰۱.

۳- [۳]. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۳۰۲.

۴- [۴]. ابن ابی شیبه، المصنف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۸.

همه ی پیشوایان معصوم علیهم السلام مظهر جود خدا بوده، همواره دیگران را بر خود ایثار می کردند و بهترین ها را در راه خدا انفاق می نمودند، ولی در مورد جود و بخشش آخرین اندوخته ی پروردگار، تعبیرهای جالبی در احادیث آمده، که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

(۵۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست بخشنده و سیره ی فیض آثار فرزند دلبندهش را این گونه به تصویر می کشد:

يُفِيضُ الْمَالَ فَيَضًا؛

ثروت رات سیل آسا فرو می ریزد. (۱)

(۵۷) در مورد کیفیت تقسیم ثروت فرمود:

يُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا؛

ثروت را «صحاحا» تقسیم می کند

پرسیدند: «صحاحاً» یعنی چه؟ فرمود: یعنی: به طور مساوی. (۲)

(۵۸) امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمود:

إِذَا قَامَ مَهْدِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ

هنگامی که مهدی ما اهل بیت قیام کند، ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند و عدالت را میان رعیت اجرا می نماید. (۳)

(۵۹) حضرت خاتم النبیا در مورد بذل و بخشش خاتم الأوصیاء فرمود:

ص: ۸۲

۱- [۱]. سلمی، عقد الدرر، ص ۱۶ و ۳۴.

۲- [۲]. سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵.

۳- [۳]. مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۵۲.

يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةً يُحِثِي الْمَالَ حَثِيًّا وَلَا يُعْطُهُ عَدًّا

در آخر امت من خلیفه ای خواهد بود که مال را مشت مشت بریزد، بدون این که آن را بشمارد. (۱)

در برخی از منابع حدیثی، در این حدیث به جای «آخر امتی» تعبیر: «آخر الزمان» آمده است. (۲)

(۶۰) در بیان دیگری فرمود:

يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةً يُعْطَى الْمَالَ، وَلَا يُعْطُهُ عَدًّا

در آخر الزمان خلیفه ای خواهد بود که ثروت را _ بدون این که آن را بشمارد _ عطا می کند. (۳)

(۶۱) در حدیث دیگری در مورد گوارا بودن عطایای آن حضرت فرمود:

يَكُونُ عِنْدَ انْقِطَاعِ الزَّمَانِ وَ ظُهُورِ مِنَ الْفِتَنِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: «الْمَهْدِيُّ» يَكُونُ عَطَاؤُهُ هَنِيئًا.

در آن روزگار ناسازگار و در آن دوران بروز فتنه ها، مردی خواهد بود که به آن «مهدی» گویند، دهش ها و بخشش هایش

گوارا خواهد بود. (۴)

(۶۲) رسول عالمیان دهش های آن مظهر جود خدا را این گونه ترسیم می کند:

چون کسی از آن حضرت تقاضای کمک کند، به مقداری که توان بردنش را

ص: ۸۳

۱- [۱]. بغوی، مصابیح السینه ص ۱۹۲؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳، ح ۳۸۶۵۹؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۳۲.

۲- [۲]. سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۰.

۳- [۳]. احمد حنبل، المسند، ج ۴، ص ۱۱، ح ۱۱۰۱۲؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۹۷.

۴- [۴]. سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۰.

دارد، پول در اختیارش می گذارد. (۱)

۶۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری به این نکته نیز اشاره می کنند که به هنگام ظهور آخرین امام نور علاوه بر غنای مادی، مردم از نظر معنوی نیز غنی می شوند، حرص و آرزوی دل مردم رخت بر می بندد.

يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا وَ يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّه مُحَمَّدٍ غِنًى وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ

ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنود می شوند، ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند، خداوند دل های امت محمد صلی الله علیه و آله را از روح بی نیازی و بزرگواری آکنده می سازد و عدالتش همگان را فرا می گیرد. (۲)

۲۱. منبع برکات

هیچ نقاش چیره دستی قادر به تصویر سیمای جهان در دوران ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) نمی باشد، ولی شماری از احادیث مربوط به برکات وجودی آن حضرت را از باب تیمن و تبرک در اینجا می آوریم:

۶۴) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید:

يُنزِلُ لَهُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنَ السَّمَاءِ، وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا؛

خداوند برکات آسمان را برای او فرو می فرستد، زمین نیز برکاتش را برای او ظاهر می سازد. (۳)

ص: ۸۴

۱- [۱]. خطیب تبریزی، مشکات المصابیح، ج ۳، ب ۲۷، ح ۵۴۵۵.

۲- [۲]. احمد حنبل، المسند، ج ۴، ص ۷۵، ح ۱۱۳۲۶؛ حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۰، ح ۵۶۱؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۹۷؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۲۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۲، ح ۳۸۶۵۳؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵.

۳- [۳]. سلمی، عقد الدرر، ص ۱۵۶.

(۶۵) در همین رابطه در حدیث آمده است که:

و تَزِيدُ الْمِيَاءَ، وَ تَمْتُدُّ الْأَنْهَارَ، وَ تُضْعِفُ الْأَرْضَ أَكْلَهَا؛

آب ها فراوان می شود، رودخانه ها گسترش می یابد و زمین میوه هایش را چندین برابر می کند. (۱)

(۶۶) و در حدیث دیگری فرمود:

يَسْقِيهِ اللَّهُ الْعَيْثَ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَ يُعْطِي الْمَالَ صِحاحاً وَ تَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ وَ تَعْظُمُ الْأُمَّةُ

خداوند او را با باران رحمتش سیراب می کند، زمین گیاهش را بیرون می فرستد، او ثروت را به طور مساوی بخشش می کند، دام ها فراوان شوند و امت شکوهمند گردد. (۲)

(۶۷) و در حدیث دیگر فرمود:

تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ، أَلْبَرُ وَ الْفَاجِرُ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدَخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا

امت من در زمان او آن چنان در ناز و نعمت غوطه ور می شوند که هرگز چنین رفاه و گشایشی نبوده است. هر شخص نیکوکار و تبهکار از این نعمت ها برخوردار می شوند.

آسمان بارانش را سیل آسا برای آنها فرو می ریزد و زمین چیزی از گیاهش را

ص: ۸۵

۱- [۱]. سفارینی، لوائح الأنوار البهية، ج ۲، ص ۷۸؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۷۸؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۴۱.

۲- [۲]. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۳، ح ۳۸۷۰۰؛ ذهبی، تلخیص المستدرک، ج ۴، ص ۵۵۸.

ذخیره نمی کند. (۱)

۶۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیش از دو قرن و نیم پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام در مورد آثار و برکات شب میلاد آن حضرت فرمود:

لَيْلَةُ النُّصْفِ مِنَ شَعْبَانَ، يَغْفِرُ اللَّهُ لِعِبَادِهِ، إِلَّا لِمُشْرِكٍ أَوْ لِعَبْدٍ مُشَاحِنٍ؛

در شب نیمه ی شعبان، خداوند مَنان همه ی بندگانش را می آمرزد به جز افراد مشرک و بدعتگزار. (۲)

۶۹) رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام به نوعی دیگر از برکات وجودی آن حضرت پرده برداشته و می فرماید:

تَطْوِيلُ لَهُ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِينِهِ بِمِقْدَارِ عَشْرِ سِنِينَ؛

شب ها و روزها در عهد او طولانی می شود، تا جایی که یک سال از سال های زمان او به مقدار ۱۰ سال می شود. (۳)

۲۲. خوشبخت ترین

با توجه به این همه برکات که در عصر موفور السرور آن امام نور رخ می دهد، هر انسان معتقد آرزو می کند که ای کاش یک گوشه ی چشمی از یوسف زهرا به او معطوف شود، آنگاه آرزو می کند که آن عصر مشعشع طلایی را درک کند، برای رسیدن به این سعادت در تهذیب نفس و خودسازی خود تلاش می کند.

ص: ۸۶

-
- ۱- [۱]. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۵۶۶؛ ابن کثیر، النّهایه، ج ۱، ص ۳۰؛ ابن صبّاح مالکی، الفصول المهمّه، ص ۲۹۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۳، ح ۳۸۷۰۶.
 - ۲- [۲]. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۸۵.
 - ۳- [۳]. قرمانی، اخبار الدّول و آثار الأوّل، ص ۱۱۸.

در احادیث فراوان به این نکته اشاره شده، از جمله حدیث زیر

(۷۰) امام باقر علیه السلام فرمود:

يَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ؛

خوشا به حال کسی که آن حضرت را درک کند و در زمره یاران حضرتش قرار بگیرد. (۱)

(۷۱) در حدیث دیگری خطاب به اهل کوفه آمده است:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، أَنْتُمْ أَسْعَدُ النَّاسِ بِالْمَهْدِيِّ؛

ای اهل کوفه! شما به برکت حضرت مهدی خوشبخت ترین انسان ها می باشید. (۲)

آری! پس از انتخاب کوفه به عنوان پایتخت حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، اهل کوفه این سعادت را دارند که همه ی نمازهای یومیه ی خود را پشت سر آن حضرت اقامه کنند و همه خطبه های حیات بخش آن امام همام را با گوش جان استماع نمایند.

نیک بختانی که سعادت درک عصر آکنده از شادکامی ها را پیدا کنند، طبعاً آرزو می کنند که ای کاش پدران، نیاکان و دیگر عزیزانشان زنده بودند و آن روزها مبارک و میمون را درک می کردند.

در احادیث فراوان به این نکته اشاره شده، از جمله حدیث زیر:

(۷۲) پیامبر رحمت فرمود:

ص: ۸۷

۱- [۱]. سلمی، عقد الدرر، ص ۶۴.

۲- [۲]. ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۸۹.

تَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرٍ؛

در اثر آن همه خیر که خداوند متعال به اهل زمین عنایت می کند، زنده ها مردگان خود را آرزو می کنند. (۱)

۲۳. معیار شناخت

(۷۳) از سالار شهیدان پرسیدند: حضرت مهدی علیه السلام را چگونه می توان شناسایی کرد؟ فرمود:

بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ؛

با متانت و وقار

پرسیدند: دیگر با چه نشانی؟ فرمود:

بِمَعْرِفَةِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَبِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَلا يَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ.

با شناخت و آگاهی کامل آن حضرت به احکام حلال و حرام و نیاز همگان به ایشان و بی نیازی ایشان از همگان. (۲)

۲۴. از تبار سالار شهیدان

در احادیث فراوان تصریح شده که حضرت مهدی علیه السلام از تبار امام حسین علیه السلام و نهمین فرزند آن حضرت می باشد، از جمله حدیث زیر:

(۷۴) جناب سلمان می فرماید:

به محضر مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم، دیدم که امام حسین علیه السلام را

ص: ۸۸

۱- [۱]. حاکم، مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۴۶۵؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۴۴؛ مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۸۵، ملاً

علی قاری، مرقات المفاتیح، ج ۵، ص ۱۸۴؛ عدوی حمزاوی، مشارق الأنوار، ص ۱۱۲.

۲- [۲]. سلمی، عقد الدرر، ص ۴۱؛ مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۵۰.

روی زانوی مبارکش نهاده، دهانش را بوسه باران کرده، بر میان دو دیده نور دیده اش بوسه می زند و می فرماید:

أَنْتَ سَيِّدٌ، ابْنُ سَيِّدٍ وَ أَنْتَ الْإِمَامُ، ابْنُ الْإِمَامِ، وَأَنْتَ حُجَّهٌ، ابْنُ حُجَّهٍ، وَأَنْتَ أَبُو حُجَّجٍ تَسَعَهُ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ؛

تو آقا، پسر آقا، امام، پسر امام، حجت، پسر حجت و پدر نه حجت هستی که نهمین آن ها قائم آن ها می باشد. (۱)

۲۵. وظیفه ی ما

پس از اشاره ای کوتاه به آثار و برکات وجودی حضرت ولی عصر، امام زمان علیه السلام به یکی از وظایف خود در عصر غیبت اشاره می کنیم:

(۷۵) رسول اکرم صلی الله علیه و آله مهم ترین وظیفه ی ما را در عصر غیبت انتظار فرج بیان کرده، می فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

برترین عبادت ها انتظار فرج می باشد. (۲)

(۷۶) در حدیث دیگر به سختی آن اشاره کرده، می فرماید:

إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةٌ؛

انتظار فرج، اگر همراه با شکیبایی باشد، عبادت است. (۳)

در کتاب درسنامه مهدویت که سال گذشته توسط «ستاد مردمی شعبائیه»

ص: ۸۹

۱- [۱]. قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۹۰۹.

۲- [۲]. حموی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۵؛ ترمذی، الجامع الصّحیح، ج ۵، ص ۵۶۵، ح ۳۵۷۱.

۳- [۳]. متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۲۷۲، ح ۶۵۰۷.

منتشر شد، به تفصیل در این زمینه سخن گفتیم. (۱) به کتاب های ذکر شده در آخر درس نیز مراجعه شود:

چکیده

در این درس از آبادانی جهان در عصر ظهور، بذل و بخشش بی حساب حضرت مهدی، اجرای عدالت، اصلاح تبهکاران، بی نیازی همگان، وفور نعمت، فراوانی دام ها، گسترش رودخانه ها، نزول بارش های رحمت، تقسیم مساوی ثروت، از بین رفتن کینه و حسد، اجرای کامل عدالت، انتخاب کوفه به عنوان پایتخت دولت کریمه، تجلی برکت در ساعات شبانه روز، آسایش و آرامش و امتیّت، تاجایی که مردمان مردگان خود را آرزو کنند. فضیلت انتظار فرج، نوید جایگاه شب نیمه ی شعبان در احادیث اهل سنت و دیگر آثار حکومت حقّه و سیره ی حکومتی آن حضرت، سخن رفته است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. تکالیف الانام، تألیف: صدر الاسلام علی اکبر همدانی، متوفای ۱۳۲۵ ق.

۲. تنها ره رهایی، تألیف: علی اکبر مهدی پور، _ معاصر _

۳. کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، تألیف: سید محمد تقی موسوی اصفهانی، متوفای ۱۳۴۸ ق.

۴. مکیال المکارم، تألیف ایشان.

۵. وظیفه الانام فی زمن غیبه الامام، تألیف ایشان. (۲)

ص: ۹۰

۱- [۱]. ستاد مردمی شعبانیه، درسنامه مهدویت، ص ۱۳۹ _ ۱۵۸.

۲- [۲]. برای کتابشناسی توصیفی آثار فوق مراجعه فرمایید به: کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ص ۲۴۸، ۶۰۶، ۶۶۹،

اشاره

در درس های گذشته احادیث مربوط به سیره ی حمیده ی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در منابع اهل تسنن تقدیم گردید، در این درس سیره ی حمیده ی آن حضرت را از منابع شیعه تقدیم می کنیم:

۱. شمیم رحمت

همه ی امامان، مظهر رحمت خداوند منان هستند، ولی حضرت مهدی علیه السلام رحمت واسعه ی پروردگار است و در احادیث فراوان جلوه هایی از مراتب رحمت و شفقت آن شمیم رحمت ترسیم شده، که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

(۱) در حدیث قدسی مشهور به: «لوح فاطمی» که از سوی حضرت پروردگار به محضر پیامبر رحمت اعطا شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را به تنها یادگار خود حضرت فاطمه علیها السلام اهدا فرموده است، اسامی دوازده امام نور و ویژگی های آن ها آمده، پس از نام مقدّس امام حسن عسکری علیه السلام آمده است:

ثُمَّ أَكْمِلُ ذَلِكَ بِإِيَّهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ

عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ

سپس آن سلسله امامت را با فرزندش (فرزند امام حسن عسکری) تکمیل می‌کنم، که رحمت است برای جهانیان، کمالات حضرت موسی، شکوه و جلالت حضرت عیسی، صبر و شکیبایی حضرت ایوب با اوست. (۱)

(۲) در فرازی از زیارت «آل یاسین» که از ناحیه ی مقدّسه صادر شده، خطاب به آن حضرت آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَالْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ

درود بر شما ای پرچم برافراشته، ای دانش در حال ریزش، هان ای پناهگاه و رحمت گسترده! (۲)

(۳) امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان، در فرازی از یک حدیث گسترده، در وصف آن خورشید تابان می‌فرماید:

أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا وَ أَوْصَلُكُمْ رَحِمًا

از نظر پناه دهی از همه وسیع‌تر، از نظر دانش از همه بیشتر و از نظر دل‌رحم بودن از همه افزون‌تر. (۳)

(۴) حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، در سخنان خود در مکه ی معظّمه به هنگام ظهور، از رحمت گسترده خداوند سخن می‌گوید، سپس می‌فرماید:

وَ أَنَا تِلْكَ الرَّحْمَةُ

ص: ۹۲

۱- [۱]. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۱۲.

۲- [۲]. طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳.

۳- [۳]. شیخ حرّ عاملی، إثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۳۸.

آن رحمت گسترده الهی من هستم. (۱)

(۵) در فرازی از پیام آن امام مهربانی ها که توسط نفس زکیه، در مسجد الحرام در میان رکن و مقام قرائت می شود، چنین اعلام می شود: ای اهل مکه، من فرستاده فلانی هستم، او می فرماید:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ الْخِلَافَةِ

ما اهل بیت رحمت، معدن رسالت و کان خلافت هستیم. (۲)

(۶) امام جواد علیه السلام در مورد محبت و شفقت آن امام همام، خطاب به جناب عبدالعظیم می فرماید:

يُلْقِي فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ

از سوی پروردگار، رحمت بر قلب شریفش القا می شود. (۳)

در این احادیث که فرازهایی از آن ها تقدیم گردید، از آن حضرت به عنوان: رحمت برای جهانیان، رحمت گسترده پروردگار، دل رحم، مظهر رحمت خداوند، از سلاله ی اهل بیت رحمت و محل ریزش رحمت پروردگار تعبیر شده است.

۲. بخشنامه ی جنگی

(۷) در فرازی از بخشنامه ای که در صحنه ی نبرد با سپاه سفیانی از آن حضرت صادر می شود، خطاب به سپاهیان خود می فرماید:

أَلَا لَا تُتَّبِعُوا مُدْبِرًا وَلَا تُجْهَرُوا عَلَى جَرِيحٍ

ص: ۹۳

۱- [۱]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲- [۲]. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۳- [۳]. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸.

آگاه باشید، هرگز فراری را دنبال نکنید و افراد زخمی را نکشید.

سپس فرمان می دهد که با آن ها همانند شیوه امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ جمل رفتار کنند.^(۱)

شیوه ی امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ ها با خطوط زرّین بر تارک تاریخ بشری نوشته شده و بر همگان روشن است.

ابن ابی الحدید می نویسد:

هنگامی که صف ها بسته می شد، امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای ایراد می کرد و در ضمن آن می فرمود:

شما هرگز اقدام به جنگ نکنید...

هرگز زخمی ها را نکشید.

اگر دشمن را شکست دادید، هرگز فراری ها را دنبال نکنید.^(۲)

مولای متقیان در جنگ صفین به سپاهیان خود فرمود:

شما آغازگر جنگ نباشید.

اگر خدا خواست که پیروز شوید، فراری ها را دنبال نکنید.

به افراد بی دفاع متعرض نشوید.

زخمی ها را نکشید.

به هیچ زنی آسیب نرسانید، اگرچه به شما دشنام دهند یا به امیر شما ناسزا گویند.^(۳)

ص: ۹۴

۱- [۱]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۹.

۲- [۲]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۲۸.

۳- [۳]. سید رضی، نهج البلاغه، بخش نامه ها، نامه ی ۱۴.

۳. سیره حمیده حضرت مهدی علیه السلام

در روایات فراوان تأکید شده که سیره ی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، همان سیره ی پیامبر رحمت می باشد، اینک فرازهایی از روایات در این باب:

۸) محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام پرسید: هنگامی که قائم علیه السلام قیام می کند، با چه شیوه ای رفتار می کند؟ فرمود:

بِسِيرِهِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ

با همان سیره و روشی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار نمود.

پرسید: سیره پیامبر چگونه بود؟ فرمود:

أَبْطَلَ مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ

بر آن چه در عهد جاهلی بود، مهر بطلان زد و با مردمان بر اساس عدالت رفتار نمود. (۱)

۹) عبدالله بن عطا نیز همین پرسش را از محضر امام صادق علیه السلام نمود، حضرت در پاسخ فرمود:

يُصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ .

همان گونه انجام می دهد که رسول خدا انجام می داد. (۲)

۱۰) در حدیث دیگری شباهت های حضرت مهدی علیه السلام را با پیامبران عظیم الشان می شمارد، در پایان می فرماید:

ص: ۹۵

۱- [۱]. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام. ج ۶، ص ۱۵۴.

۲- [۲]. نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۱.

وَأَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَهْتَدِي بِهَدَاهُ وَيَسِيرُ بِسِيرَتِهِ.

اما شیوه ای از حضرت محمد صلی الله علیه و آله دارد، این است که از شیوه ی هدایت آن حضرت هدایت یافته و با سیره ی آن حضرت رفتار می کند(۱).

(۱) و در حدیث دیگری فرمود: هنگامی که خداوند به قائم علیه السلام اذن خروج دهد، بر فراز منبر قرار گرفته، آن ها را به خدا سوگند می دهد و به سوی خود فرا می خواند و می فرماید:

أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَعْمَلَ فِيهِمْ بِعِلْمِهِ

__ متعهد می شود که __ در میان آنها با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار کند و چون شیوه آن حضرت عمل نماید.(۲)

(۱۲) حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در مورد حضرت خاتم الاوصیاء فرمود:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي

قائم علیه السلام از فرزندان من است، نامش نام من، کنیه اش کنیه ی من، شمایلش شمایل من و سیره اش همان سیره من است.(۳)

(۱۳) امام باقر علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی، متن خطبه ای را که امام مهربانی ها در هنگامه ی ظهور در کنار خانه ی خدا ایراد خواهد نمود، نقل کرده، در فرازی از آن می فرماید:

ص: ۹۶

۱- [۱]. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲- [۲]. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳- [۳]. شیخ صدوق، همان، ص ۴۱۱.

أَلَا وَمَنْ حَاجَّني فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ

هر کس با سنت پیامبر خدا با من محاجّه کند، من برای اجرای سنت رسول خدا از هر شخص دیگری شایسته تر هستم. (۱)

همین مضمون در ده ها حدیث دیگر با تعبیرهای مختلف به صراحت آمده است. (۲)

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ و صلح، با دوست و دشمن، برای همگان روشن است و به نصّ قرآن برای همگان اُسوه و الگو می باشد. (۳)

حضرت مهدی علیه السلام به بیان خودش، برای تأسی و تبعیت از پیامبر اکرم، از همه شایسته تر است.

بر اساس تعبیرهای صریح و شفاف احادیث فراوان، که شماری از آن ها تقدیم گردید، سیره و شیوه حضرت مهدی علیه السلام، همان سیره رسول عالمیان می باشد.

۴. قله ی شرافت

در مورد جایگاه رفیع و مقام منیع حضرت مهدی علیه السلام روایات فراوان از پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است که به شماری از آن ها اشاره می کنیم:

۱۴) امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان، شرح گسترده ای پیرامون مقام والای

ص: ۹۷

۱- [۱]. نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۰.

۲- [۲]. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴؛ حرّاز، کفایه الأثر. ص ۱۱؛ سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ی ۱۳۸؛ راوندی، الدّعات، ص ۲۹۶؛ اربلی، کشف الغمّه، ج ۳ ص ۵۲۱؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳ ص ۴۶۰؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳ و ۱۶۱.

۳- [۳]. سوره ی احزاب، آیه ی ۲۱.

فرزند برومندش امام زمان علیه السلام ایراد فرموده که ترجمه‌ی فرازهایی از آن را تقدیم می‌کنیم:

او از بنی هاشم، از برترین نژاد عرب، از قلّه‌ی شرف، از اقیانوس بی‌کران فضیلت، که همه‌ی نهرهای فضیلت‌ها به سوی آن سرازیر می‌شود، پناه همه‌ی پناهجویان، کان صفا، هنگامی که همه‌ی بی‌صفا می‌شوند.

چون مرگ چنگ و دندان نشان دهد، او هراسی به دل راه ندهد.

هنگامی که عرصه‌ی نبرد، تنگ تر شود، ضعف و زبونی بر او عارض نشود.

هنگامی که پهلوان‌ها نقش بر زمین شوند، او عقب‌نشینی نمی‌کند.

همواره آماده نبرد، همیشه پیروز، دشمن شکن، شیربیشه‌ی شجاعت، درهم‌کوبنده ریشه‌ی ستمگران، ویرانگر کاخ‌های ظلم و استبداد، قهرمانی شجاع و بزرگوار، شمشیری برنده از شمشیرهای خداوند، دست‌بخشنده‌ای از مظاهر جود و بخشش خداوند، اوج قلّه‌ی شرف انسانی، که در اعماق اصیل‌ترین فضیلت‌ها ریشه‌دوانیده است.

آن گاه امیرمؤمنان به توصیف دانش گسترده و صفات برجسته‌ی آن حضرت پرداخته، در پایان دست مبارکش را بر روی سینه نهاده فرمود:

هَاهُ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ.

آه، من چقدر مشتاق دیدار او هستم. (۱)

(۱۵) در بیان دیگری در مورد یاران خاص آن حضرت سخن گفته، در پایان

ص: ۹۸

۱- [۱]. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

وَيَا شَوْقًا إِلَىٰ رُؤْيَيْهِمْ فِي حَالِ حُضُورِ دَوْلَتِهِمْ؛

آه، من علی، چقدر مشتاق هستم که آن ها را به هنگام ظهور و استقرار دولتشان مشاهده نمایم. (۱)

۵. خشنودی همگان

در این رابطه چندین حدیث در بخش های قبلی از منابع عامه نقل کردیم، اینک چند حدیث از احادیث اهل بیت علیهم السلام

(۱۶) رسول عالمیان در مورد رضایت جهانیان از حکومت حقّه ی حضرت صاحب الزمان علیه السلام می فرماید:

يَرْضَىٰ عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛

ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنود می شوند. (۲)

(۱۷) در فرازی از یک حدیث طولانی آمده است:

يَرْضَىٰ عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوِّ وَ الْحَيَاتَانُ فِي الْبِحَارِ؛

ساکنان آسمان، مرغان هوا و ماهیان دریا از او خشنود می شوند. (۳)

خشنودی آسمانیان و آدمیان بسیار طبیعی است، اما مرغان و ماهیان چرا از حکومت آن حضرت خشنود می شوند؟

ص: ۹۹

۱- [۱]. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۰.

۲- [۲]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۷۸.

۳- [۳]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۱۹.

یک احتمال این است که آن ها نیز هوشمند هستند و به همین دلیل از برقراری حکومت حقه خشنود و خوشحال می باشند.

احتمال دیگر این که در عصر موفور السرور ظهور دیگر آب و هوا آلوده نمی شوند. از این رهگذر پرنندگان و آبزی ها نفس راحتی می کشند و احساس آرامش و آسایش می کنند.

(۱۸) امیر بیان، مولای متقیان علی علیه السلام در بیان جامع تر از خشنودی اهل برزخ پرده بر می دارد و در ضمن یک حدیث طولانی می فرماید:

لَا يَبْقَى مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرْحَةُ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ وَ هُمْ يَتَرَاوِرُونَ فِي قُبُورِهِمْ وَ يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ؛

هیچ مرده مسلمانی نمی ماند، جز این که این مسرت و شادمانی، در قبر به او می رسد، مردگان در قبرها به دیدار یک دیگر می روند و قیام قائم علیه السلام را به یکدیگر تبریک می گویند. (۱)

(۱۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام گفت و گوا از بانگ آسمانی می فرماید:

إِذَا كَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَيُّهَا النَّاسُ قَطَعَ عَنْكُمْ مَدَّةَ الْجَبَّارِينَ وَ وُلِيَ الْأَمْرَ خَيْرُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ فَالْحَقُّوا بِمَكَّةَ؛

هنگامی که هنگامه خروج قائم علیه السلام فرا رسد، منادی آسمانی فریاد برمی آورد:

هان ای مردمان! دیگر دوران ستمگران سپری شد، زمام امور را بهترین فرد امت محمد صلی الله علیه و آله در دست گرفت، پس به مکه معظمه پیوندد. (۲)

ص: ۱۰۰

۱- [۱]. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳.

۲- [۲]. شیخ مفید، الإختصاص، ص ۲۰۸.

دشمنان اهل بیت تلاش کرده اند که حکومت حضرت مهدی علیه السلام را حکومتی مستبد، خشن و مبتنی بر خشونت معرفی کنند.

در این درس سیمای ملکوتی آن شمیم رحمت، بر اساس احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بیان شد، فزازهایی از بخشنامه‌ی جنگی آن حضرت در میدان جنگ نقل شده، احادیث صریح و شفاف در مورد این که سیره‌ی آن حضرت همان سیره‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد، از پیشوایان معصوم آمده، از خشنودی پرندگان هوا، ماهیان دریا و درندگان صحرا در حکومت آن حضرت سخن رفته، ابراز سرور و شادمانی ارواح مؤمنان در عالم برزخ بیان شده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. کتاب الغیبه، تألیف: ابو جعفر محمد بن ابراهیم نعمانی _ قرن چهارم _

۲. کتاب الغیبه، تألیف: شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ق

۳. کمال الدین، تألیف: شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱.

ص: ۱۰۱

مرزهای جغرافیایی در هم ریزد، شالوده حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی در سرتاسر گیتی استوار گردد. در سطح جهان فقط یک حکومت و آن حکومت حضرت مهدی، فقط یک فرمانروا و آن یوسف زهرا، تنها یک قانون اساسی و آن قرآن کریم، فقط یک پرچم و آن پرچم توحید، تنها یک آیین و آن دین مقدس اسلام به رسمیت شناخته می شود. مهم ترین شاخصه ی حکومت حضرت مهدی علیه السلام عدل فراگیر است که در ۱۴۸ حدیث به این تعبیر آمده است:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا.

زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از جور و ستم شده باشد. (۱)

۶. عدل فراگیر

(۲۰) رئیس مذهب، امام به حق ناطق، حضرت جعفر صادق علیه السلامی فرماید:

ص: ۱۰۲

أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُّ.

به خدا سوگند! عدالت آن حضرت در داخل خانه هایشان به آن ها می رسد، همان گونه که گرما و سرما به داخل خانه ها راه پیدا می کند. (۱)

(۲۱) خداوند منان در قرآن کریم می فرماید:

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛

بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند. (۲)

امام صادق در تفسیر آن فرمود:

أَيُّ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أُمَّهِ الضَّلَالِ؛

یعنی خداوند آن را زنده می کند با عدالت قائم علیه السلام به هنگام ظهورش، پس از آن که با ستم پیشوایان ضلالت، مرده باشد. (۳)

(۲۲) هنگامی که حضرت نرجس خاتون به محضر امام هادی علیه السلام مشرفیاب شد، امام علیه السلام فرمود: می خواهم به تو جایزه ای بدهم، آیا ۱۰۰۰۰ دینار طلا برای تو خوشتر است یا بشارتی که در آن شرف جاودانه است؟

عرضه داشت: مژده فرزند برای من. فرمود:

أَبْشِرِي بِوَلَدٍ يَمْلِكُ الدُّنْيَا شَرْقًا وَغَرْبًا، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛

تو را بشارت باد به فرزندی که شرق و غرب گیتی را تحت سیطره خود در می آورد، جهان را آکنده از عدل و داد می سازد، همان گونه که پر از جور و

ص: ۱۰۳

۱- [۱]. نعمانی، الغیبه، ص ۲۹۷.

۲- [۲]. سوره ی حدید، آیه ی ۱۷.

۳- [۳]. نعمانی، الغیبه، ص ۲۴؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۳۱.

ستم شده باشد. (۱)

۷. آشتی فرا ملی

در عصر موفور السرور ظهور مصلح جهانی، نه تنها در میان همه ی توده ها صلح و صفا حاکم می شود، بلکه بر اساس روایات فروان، حتی در میان دیگر جانداران نیز صلح و آشتی برقرار می شود:

(۲۳) امام حسن مجتبی علیه السلام در یکی از احتجاج های خود می فرماید:

و تَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ؛

در حکومت آن حضرت حتی درندگان نیز آشتی می کنند. (۲)

(۲۴) امیرمؤمنان علیه السلام در این رابطه فرمود:

لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اضْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ؛

در آن روزگار، کینه و حسد از دل بندگان خدا رخت بر می بندد، درندگان و چارپایان با یکدیگر آشتی می کنند. (۳)

جالب توجه است که در کتب عهدین نیز در این رابطه گفتگو شده است. (۴)

و شایان دقت است که در منابع زرتشتیان نیز از آشتی حیوانات در عصر ظهور سخن رفته است. (۵)

۸. آگاهی گسترده

ص: ۱۰۴

-
- ۱- [۱]. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۳؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۱۴؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۶۷، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۷۴.
 - ۲- [۲]. طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.
 - ۳- [۳]. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۱۹.
 - ۴- [۴]. عهد قدیم، کتاب اشعیاء نبی، فصل ۱۱، فرازهای ۱ - ۱۰.
 - ۵- [۵]. ر. ک: او خواهد آمد، ص ۱۳۲.

آگاهی امامان معصوم علیهم السلام از گذشته و آینده جهان، از اعماق دل انسان ها و از هر چیزی که نسبت به دیگران غیب محسوب می شود، از اعتقادات قطعی و مسلم ما می باشد، در این جا نیاز به بسط سخن نیست، تنها به نقل یک حدیث بسنده می کنیم.

(۲۵) امام صادق علیه السلام در یک بیان جامع فرمودند:

إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَحَفَّضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يُبْصِرْهَا؛

هنگامی که زمام امور به دست صاحب این امر منتهی شود، خداوند متعال، همه ی پستی ها و بلندی های روی زمین را برای او صاف و هموار سازد، پس همه دنیا در برابر او همانند کف دست او می شود. آیا اگر در کف دست یکی از شما مویی باشد، آن را نمی بینید؟(۱)

۹. اندوخته الهی

قرآن کریم در آیات فراوانی برای تنها بازمانده از حجج الهی اطلاع رسانی کرده و در یک مورد از او به «بقیه الله» تعبیر کرده و فرمود:

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛

بازمانده خدا برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید.(۲)

علاوه بر کتب تفسیر، در شماری از احادیث نیز عنوان «بقیه الله» بر حضرت مهدی علیه السلام اطلاق شده است که به شماری از آن ها اشاره می کنیم:

ص: ۱۰۵

۱- [۱]. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۴.

۲- [۲]. سوره ی هود، آیه ی ۸۶.

۲۶) امام باقر علیه السلام در فرازی از یک حدیث گسترده فرمود:

فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ؛

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱)

ثُمَّ يَقُولُ:

أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ

فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛

هنگامی که آن حضرت خروج می کند، پشتش را به کعبه تکیه می دهد، ۳۱۳ تن مرد در اطراف او گرد آیند.

نخستین چیزی که بر زبان جاری کند، این آیه ی شریفه است:

«اندوخته خدا برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید».

آنگاه می فرماید:

من «بقیه الله» هستم، من حجت و خلیفه خدا بر شما هستم.

پس هر کس به او سلام کند، می گوید:

درود بر تو ای اندوخته خدا در روی زمین. (۲)

۲۷) از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا می توان به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان

ص: ۱۰۶

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. فضل بن شاذان، اثبات الرجعه _ مخطوط _ ؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲؛ میرلوحی، کفایه المهتدی، ص ۶۶۱؛ همو، گزیده آن، ص ۲۸۰؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۸۲، اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۴.

«امیرالمؤمنین» سلام است؟ فرمود: نه.

پرسیدند: پس چگونه به ایشان سلام بگوییم؟ فرمود: بگویید:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ؛

دروود بر تو ای بازمانده خدا.

آن گاه امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود:

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۱)

(۲۸) امام هادی علیه السلام ایام هفته را در میان ۱۴ نور پاک تقسیم نمود، در مورد روز جمعه فرمود:

آن نیز از آن پسر امام حسن عسکری علیه السلام است، که اُمت اسلامی بر او گرد آیند.

آنگاه آیه شریفه را تلاوت نمود، سپس فرمود:

نَحْنُ بَقِيَّةُ اللَّهِ؛

ما بازماندگان خداوند هستیم. (۲)

۱۰. رمز بقای جهان هستی

بر اساس اعتقاد قطعی ما، اگر یک لحظه روی زمین خالی از حجت باشد، زمین ساکنانش را در کام خود فرو می برد.

در درس های پیشین شماری از احادیث عامه را در این رابطه آوردیم و این

ص: ۱۰۷

۱- [۱]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱؛ فرات الکوفی، تفسیر فرات، ج ۱، ص ۱۹۳؛ شیخ حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص

۴۴۷؛ علامه مجلسی، مرآت العقول، ج ۴، ص ۳۷۰.

۲- [۲]. مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۳.

یک حدیث از پیشوایان معصوم علیهم السلام

(۲۹) امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِلَا إِمَامٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛

اگر یک روز زمین بدون امامی از ما بماند، اهل خود را در کام خود فرو می برد. (۱)

۱۱. خورشید پنهان

در ضمن چهار حدیث از چهار معصوم، وجود مقدس حضرت بقیه الله در ایام غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است.

حدیثی در درسهای پیشین از کتب عامه نقل کردیم و اینک حدیث دیگری از شخص حضرت مهدی علیه السلام:

(۳۰) در توقیع شریفی که از ناحیه مقدسه توسط دوّمین نایب خاص آن حضرت به افتخار اسحاق بن یعقوب صادر شده، آمده است:

وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ

اما کیفیت بهره مند شدن از من در دوران غیبت، همانند بهره مند شدن مردم از خورشید است، هنگامی که در پشت ابر نماند. (۲)

علامه مجلسی هشت وجه تشبیه برای این حدیث بیان کرده، (۳) ما وجه

ص: ۱۰۸

۱- [۱]. کلینی، ج ۱، ص ۱۷۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲- [۲]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۹۲؛ طبرسی، الاحتجاج، ص ۴۷۱؛ همو، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ اربلی، کشف الغمه، ج

۳، ص ۳۲۲؛ فیض کاشانی، النوادر، ص ۱۶۴؛ شیرازی، کلمه الامام المهدی، ص ۲۲۵؛ غروی، المختار من کلمات الامام

المهدی، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳- [۳]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲ _ ۹۳.

(۱۲) تنها عامل دفع بلا

در احادیث فراوان تصریح شده که همه دوستان و شیعیان در عصر غیبت به برکت وجود مقدس امام زمان علیه السلام از بلاها در امان هستند، اینک به دو حدیث از شخص حضرت بقیه الله اشاره می کنیم:

(۳۱) حضرت مهدی علیه السلام در نخستین روز ولادتش در گهواره به ابونصر خادم فرمود:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي

من پایان بخش اوصیا هستم، خداوند به وسیله ی من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می کند. (۲)

(۳۲) و در نامه اش خطاب به شیخ مفید می نویسد:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمَرَاغَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ

ما هرگز در رعایت و حراست شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را به دست فراموشی نمی سپاریم و گرنه بلاها بر شما سرازیر می شد و دشمنان، شما را نابود می کردند. (۳)

علیرغم اهتمام شدید ابرقدرتها برای برچیدن طومار عمر شیعیان، نزدیک

ص: ۱۰۹

۱- [۱]. ر.ک: او خواهد آمد، ص ۱۶۹ _ ۱۸۷.

۲- [۲]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱؛ شیخ حر عاملی، إثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۹۴، ح ۱۱۵.

۳- [۳]. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

به نیمی از مسلمانان جهان را شیعیان تشکیل می دهند (۱) و این دلیلی جز عنایت و حمایت ویژه حضرت ولی عصر و دعای خیر آن حضرت ندارد.

۱۲. پناه عالمیان

در احادیث فراوان از آن حضرت به عنوان پناهگاه تعبیر شده، از جمله:

(۳۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از حدیثی می فرماید:

تَوَوَّبُ إِلَيْهِ أُمَّتِي كَمَا تَوَوَّبُ الطَّيْرُ إِلَى أَوْكَارِهَا،

امت من به او پناه می برند، همان گونه که پرندگان به آشیانه های خود پناه می برند. (۲)

(۳۴) امام باقر علیه السلام در مقام ترسیم توان جسمی اصحاب خاص حضرت از زبان آن ها نقل می کند که در آستانه ظهور می گویند:

وَ اللَّهُ لَوْ يَأْوِي بِنَا الْجِبَالُ لَا وَئِنَّا هَا

به خدا سوگند! اگر کوه ها به ما پناهنده شوند، آن ها را پناه می دهیم. (۳)

(۳۵) قطب راوندی از ابوالوفای شیرازی نقل کرده که در کرمان به اسارت رفته، به امام سجّاد علیه السلام متوسل شده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در عالم رؤیا دیده، حضرت به او رهنمون شده که در هر مشکلی به کدامین امام متوسل شود، در پایان فرموده:

وَ أَمَّا الْحُجْبَةُ فَإِذَا بَلَغَ مِنْكَ السَّيْفُ الْمَذْبَحَ فَاسْتَعِثْ بِهِ فَإِنَّهُ يُغِيثُكَ وَ هُوَ

ص: ۱۱۰

۱- [۱]. بر اساس آمار ۲۰۰۱ میلادی، آمار مسلمانان جهان یک میلیارد و ششصد و شصت میلیون نفر می باشد و بر اساس مصاحبه ی انور سادات، رئیس جمهور سابق مصر، نیمی از امت اسلامی را شیعیان تشکیل می دهند. [ر.ک: معتمدی،

عزاداری سنتی شیعیان، ج ۳، ص ۷۸۹]

۲- [۲]. طبری، دلائل الامامه، ص ۴۴۵.

۳- [۳]. عیاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۱۹۳؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

غِيَاثٌ وَ كَهْفٌ لِمَنِ اسْتَعَاثَ بِهِ

و اما حضرت حجّت، پس هنگامی که کارد به استخوان رسید، به او متوسّل شو که البته فریادرسی می کند، که او پناهگاه و فریادرس کسی است که به او استغاثه کند. (۱)

۱۳. بیان نافذ

تا روزی که ذوالفقار علی علیه السلام در نیام و زبان حضرت مهدی در کام باشد، شب پره ها بازیگر میدان هستند، ولی هنگامی که به آن حضرت فرمان سخن گفتن داده شود، باطل جویان، با ذلّت و خواری از صحنه بیرون می روند و حق به حق دار می رسد.

(۳۶) حجّت یزدان در یکی از توقیعات شریف خود می فرماید:

وَ إِذَا أَدَانَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ اضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ وَ انْحَسَرَ عَنْكُمْ

چون به ما اذن سخن گفتن داده شود، حق آشکار می گردد، باطل از ریشه و بن کنده می شود و باطل جویان رخت بر می بندند. (۲)

۱۴. احیای قرآن و سنت

بر اساس روایات فراوان، در عصر غیبت آن قدر مفاهیم کتاب و سنت دستخوش تغییر و تحریف می شود که به هنگام ظهور، هنگامی که آن امام نور آنها را بر اساس صحیح، تفسیر و تبیین می کند، مردم می گویند: کتاب جدید و آیین جدید آورده است و لذا در احادیث فراوان از ایشان به عنوان احیای قرآن و سنت تعبیر شده است:

ص: ۱۱۱

۱- [۱]. قطب راوندی، الدّعات، ص ۱۹۲.

۲- [۲]. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۹، طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۹.

(۳۷) امیر بیان در یکی از خطبه های نهج البلاغه می فرماید:

يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؛

او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را احیا می کند. (۱)

(۳۸) و در فراز دیگری از همین خطبه می فرماید:

يُعْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛

او امیال را به قرآن بر می گرداند، هنگامی که دیگران قرآن را با امیال خود تفسیر می کنند. او اندیشه ها را به قرآن بر می گرداند، هنگامی که دیگران قرآن را با اندیشه های خود تأویل می کنند. (۲)

ابن ابی الحدید در شرح این خطبه می نویسد:

این سخن اشاره است به امامی که خداوند او را در آخر الزمان پدید می آورد و او همان امام موعود است که در اخبار و احادیث بشارت داده شده است. (۳)

(۱۵) جایگاه بس رفیع

مقام رفیع و جایگاه منبع حجت خدا به قدری بلند است که طایر اندیشه هیچ دانشمندی قدرت پرواز در آن محدوده را ندارد، ولی از باب «ما لایدرک کله، لا یترک کله» به دو حدیث از رئیس مذهب اشاره می کنیم:

(۳۹) از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت قائم علیه السلام متولد شده است؟

ص: ۱۱۲

۱- [۱]. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ی ۱۳۸.

۲- [۲]. همان؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۱.

۳- [۳]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۴۰.

لَا، وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛

نه، اگر من زمان او را درک می کردم، همه عمر به خدمت او می پرداختم. (۱)

(۴۰) چهارتن از اصحاب امام صادق علیه السلام به محضر آن حضرت مشرف شدند، آن حضرت را مشاهده کردند که روی خاک ها نشسته، همانند مادر داغ فرزند دیده، اشک می ریزد و با خود زمزمه می کند:

سَيِّدِي عَيْبَتُكَ نَفْتُ رُقَادِي وَ ضَيِّقْتُ عَلَيَّ مَهَادِي وَ ابْتَرَّتْ مِنِّي رَاحَةُ قَوَادِي سَيِّدِي عَيْبَتُكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ

ای سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، عرصه را بر من تنگ نموده، آرامش را از دلم سلب کرده است.

سرور من! غیبت تو مصیبتی جانکاه بر سراسر وجودم فروریخته. (۲)

امام صادق علیه السلام بیش از یک قرن، پیش از میلاد امام زمان علیه السلام برای طولانی شدن غیبت آن حضرت و پریشانی شیعیان در عصر غیبت اشک می ریزد و بی تاب می کند و او را «سرور من» خطاب می کند!

ما دورافتادگان و محرومان از فیض حضور، در این روزگار ناسازگار تعبیری پیدا نمی کنیم که بیچارگی و بی نوایی خود را بیان کند!

به همراه شیفتگان و دلباختگان آستان مولا از اعماق دل عرضه می داریم:

«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ، مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ، وَ جِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُزْجَاهٍ، فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا، إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»؛

ص: ۱۱۳

۱- [۱]. نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۲- [۲]. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۳.

هان ای عزیز!

[ای عزیز فاطمه!]

دردی جانکاه بر ما و کسان ما فروریخته،

با متاعی اندک به سویت آمده ایم،

پیمانۀ ات را بر ما سر ریز و بر ما تصدّق نما،

که خداوند تصدّق کنندگان را پاداش می دهد. (۱)

چکیده

در ۱۴۸ حدیث عدالت فراگیر حضرت مهدی علیه السلام به این تعبیر آمده است که:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛

زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از جور و ستم شده باشد.

در این درس پیرامون عدل مهدوی، به عنوان بزرگ ترین شاخصه ی عصر ظهور سخن گفتیم، آشتی انسان ها، توده ها، حتی چهارپایان را با درندگان بر اساس روایات اسلامی و دیگر ادیان ابراهیمی بیان کردیم، پیرامون آگاهی گسترده ی حضرت، قدرت بیان، نفوذ کلمه، جایگاه رفیع و پناهدهی گسترده ی حضرت مهدی علیه السلام، گلوآژه ی «بقیة الله» و احیاگری قرآن و سنت، مطالبی تقدیم نمودیم.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الاحتجاج، تألیف: احمد بن علی طبرسی _ قرن ششم _

۲. منتخب الاثر، تألیف: آیه الله صافی گلپایگانی _ معاصر _

۳. او خواهد آمد، تألیف: علی اکبر مهدی پور

ص: ۱۱۴

درس یازدهم: کتابنامه غیبت، پیش از وقوع غیبت

احادیث وارد شده از پیشوایان معصوم علیهم السلام پیرامون ولادت، زندگی، غیبت، ظهور و دیگر مسائل مربوط به حضرت بقیه الله ارواحنا فدا، پیشینه ای بس دراز دارد و به عصر رسالت مربوط می شود.

هزاران حدیث معتبر و مستند که در طول دو قرن و نیم، از عهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا عصر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده و در آن ها از ولادت امام زمان، نسب آن حضرت، پدر بزرگوار و مادر مکرمه ی ایشان سخن رفته، ویژگی های جسمانی، به ویژه در مورد غیبت آن حضرت گفتگو شده است، هر یک از آن ها یک معجزه به شمار می آید، زیرا در آن ها از حوادث مربوط به آینده سخن رفته، پس از قرن ها مطابق آن رخ داده است.

از این رهگذر سیره نویسان و تراجم نگاران، این احادیث را در کتب مربوط به دلایل نبوت ثبت کرده اند. (۱)

شیخ مفید این احادیث را دلیل قاطع و روشنی بر حقیقت شیعه و استواری

ص: ۱۱۵

۱- [۱]. ابونعیم اصفهانی، دلائل النبوه، ص ۵۵۰، ح ۴۸۷ _ ۴۸۵.

اعتقادات امامیه دانسته است. (۱)

در طول چهارده قرن، از عصر پیامبر اکرم تا زمان ما، هزاران کتاب پیرامون حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده، که در برخی از کتابخانه های تخصصی قم، بیش از ۴۰۰۰ مجلد کتاب مستقل پیرامون آن حضرت موجود است.

ما در اینجا منحصراً از کتاب هایی نام می بریم که پیش از میلاد مسعود حضرت مهدی علیه السلام به رشته تحریر درآمده است:

۱- کتاب الغیبه

تألیف: ابو اسحاق، ابراهیم بن صالح انماطی، از اصحاب امام باقر علیه السلام. (۲)

انماطی از شیعیان امامی _ اثنا عشری _ می باشد (۳) و این کتاب را بیش از یکصد سال پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام تألیف کرده است.

۲- کتاب الغیبه

تألیف: ابوالحسن، علی بن حسن بن محمد طائی جرمی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام. (۴)

۳- کتاب الغیبه

تألیف: ابوعلی، حسن بن محمد بن سماعه، از اصحاب امام کاظم علیه السلام. (۵)

۴- کتاب الغیبه

ص: ۱۱۶

-
- ۱- [۱]. شیخ مفید، الفصول العشره در ضمن مصنفات الشیخ المفید، ص ۸۲.
 - ۲- [۲]. نجاشی، الرجال، ص ۱۵، رقم ۱۳؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴، رقم ۲.
 - ۳- [۳]. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۴، ص ۸۴، رقم ۳۲۱.
 - ۴- [۴]. نجاشی، الرجال، ص ۲۵۵، رقم ۶۶۷.
 - ۵- [۵]. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۰۳، رقم ۱۹۳.

تألیف: حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام. (۱) او علاوه بر کتاب «الغیبه» آثار دیگری در حوزه ی مهدویت نوشته، که از آن جمله است:

(۱) کتاب الرّجعه

(۲) کتاب الملاحم

(۳) کتاب القائم _ الصّغیر _ (۲)

۵- کتاب الغیبه

تألیف: ابوالفضل، عباس بن هاشم ناشری، مشهور به «عَبَّیْس» از اصحاب امام رضا علیه السلام. (۳)

با توجّه به تاریخ درگذشت وی به سال ۲۲۰ ق. این کتاب حداقل ۳۵ سال پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده است.

۶- کتاب الغیبه

تألیف: ابوالحسن، علی بن محمد بن علی سَوّاق، معاصر امام رضا علیه السلام. (۴)

۷- کتاب الغیبه

تألیف: ابوالحسن علی بن عمر اعرج، معاصر امام رضا علیه السلام. (۵)

۸- کتاب الغیبه

ص: ۱۱۷

۱- [۱]. نجاشی، الرّجال، ص ۳۷، رقم ۷۳.

۲- [۲]. از قید «الصّغیر» معلوم می شود که وی دو کتاب به نام «القائم» نوشته، یکی بزرگ و دیگری کوچک، که فقط کوچک آن به دست نجاشی رسیده است.

۳- [۳]. نجاشی، الرّجال، ص ۲۸۰، رقم ۷۴۱.

۴- [۴]. همان، ص ۲۶۰، رقم ۶۷۹.

۵- [۵]. همان، ص ۲۵۶، رقم ۶۷۰.

تألیف: علی بن حسن فضال، از اصحاب امام هادی علیه السلام. (۱)

۹- کتاب الغیبه

تألیف: ابراهیم بن اسحاق احمری، معاصر امام حسن عسکری علیه السلام. (۲)

۱۰- کتاب الغیبه

تألیف: ابوالعباس، عبدالله بن جعفر حمیری، از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام. (۳)

حمیری آثار دیگری در رابطه با حضرت بقیه الله دارد، که از آن جمله است:

(۱) الغیبه والحیره

(۲) الفتره والحیره (۴)

(۳) التّویعات (۵)

(۴) قرب الإسناد الی صاحب الأمر علیه السلام (۶)

این ها ده مورد از ده ها کتاب های مستقل تألیف شده پیرامون غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می باشد، که پیش از وقوع غیبت پیرامون غیبت و به عنوان «کتاب الغیبه» نگارش یافته و به دست پیشتاز علمای رجال، مرحوم نجاشی رسیده و گزارش آن در کتاب گرانسنگ «رجال نجاشی» ثبت شده است.

اگر بخواهیم همه ی کتاب های تألیف شده در حوزه ی مهدویت را که توسط

ص: ۱۱۸

۱- [۱]. همان، ص ۲۵۸، رقم ۶۷۷.

۲- [۲]. همان، ص ۱۹، رقم ۲۱؛ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۸۳.

۳- [۳]. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۶۸، رقم ۴۳۹.

۴- [۴]. همان.

۵- [۵]. جلالی، فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۱۰.

۶- [۶]. نجاشی، الرجال، ص ۲۲۰، رقم ۵۷۳.

اصحاب ائمه و پیش از ولادت حضرت بقیه الله، تألیف شده اند را بشماریم به درازا می کشد.

در اینجا لازم است اشاره کنیم که برخی از مؤلفان این آثار از فرقه ی واقفیه هستند و آن ها در امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام متوقف می باشند و آن حضرت را همان مهدی موعود پنداشته اند! ولی ما به دو جهت عناوین آثار آن ها را در اینجا یادآور شدیم:

۱- در متن این کتاب ها انحراف و لغزشی وجود ندارد، لذا شیخ طوسی و دیگر بزرگان از این کتاب ها نقل کرده اند.

۲- صدور این کتاب ها به وفور از فرقه های مختلف، دلیل رسوخ اعتقاد به غیبت موعود در طول قرون و اعصار بوده و بیانگر این حقیقت است که احادیث مربوط به مهدی موعود از نظر کثرت و شهرت و تواتر در میان امت اسلامی در سطحی بوده که ده ها تن از اصحاب ائمه علیهم السلام در طول قرن های اول، دوم و سوم، ده ها کتاب مستقل در این رابطه تألیف نموده و آن ها را «کتاب الغیبه» نام نهاده اند.

تعدد این کتاب ها در عصر امامان، مشت محکمی است بر دهان دشمنان اهل بیت علیهم السلام که عمداً شبهه افکنی می کنند و به دروغ ادعا می کنند که احادیث مربوط به غیبت موعود، بعد از غیبت آن حضرت گردآوری شده است.

تعدادی از آثار معرفی شده، بیش از یک قرن پیش از ولادت حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تألیف شده و مؤلفین آنها در نیمه اول قرن دوم در گذشته اند، در حالی که حضرت ولی عصر علیه السلام در نیمه دوم قرن سوم متولد شده اند.

پدیدآوردگان آثار یاد شده عموماً از شیعیان اهل بیت یا از فرقه های وابسته

به این خاندان بودند، در اینجا به معرفی یک اثر مستقل از یک مؤلف پرآوازه، پیرامون حضرت ولی عصر می پردازیم که پیش از تولد موعود، کتاب ارزشمندی را در حوزه ی مهدویت تألیف کرده و خود از رجال معروف اهل سنت می باشد.

او «عَبَاد بن یعقوب رواجنی» متوفای ۲۵۰ ق. می باشد. (۱)

او که پنج سال پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام دیده از جهان فرو بسته، کتاب ارزشمندی به نام «اخبار المهدی» از خود به یادگار نهاده است. (۲)

مؤلف از بزرگان اهل سنت می باشد، بخاری، ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، بزاز و دیگر محدثان عامه از او روایت کرده، بر وثاقت و صداقت او تأکید کرده اند.

ذهبی پس از نقل وثاقت او از حاکم و ابوحاتم، از ابوجریر نقل می کند که می گفت: من از رواجنی شنیدم که می گفت:

هرکس همه روزه در نماز خود از دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله بیزاری نجوید، با آنها محشور خواهد شد. (۳)

سمعانی پس از آن که تصریح می کند که رواجنی از مشایخ بخاری بود، از او انتقاد می کند که چرا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ عَلَى مِثْبَرِي فَاقْتُلُوهُ؛

ص: ۱۲۰

۱- [۱]. بخاری، التّاریخ الکبیر، ج ۶، ص ۴۴، رقم ۱۶۴۵.

۲- [۲]. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴۳، رقم ۵۴۲.

۳- [۳]. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۷.

هنگامی که معاویه را بر فراز منبر من دیدید، او را به قتل برسانید. (۱)

و چرا از ابوبکر نقل کرده که به خالد بن ولید دستور داده بود که مولای متقیان را به قتل برساند، بعد پشیمان شد و گفت:

لَا تَفْعَلْ يَا خَالِدُ مَا أَمَرْتُكَ؛

ای خالد، آنچه را که به تو دستور داده بودم انجام مده. (۲)

ذهبی از راویان مورد اعتماد روایت کرده که گفت: از عباد شنیدم که می گفت:

خداوند، عادل تر از آن است که طلحه و زبیر را به بهشت راه دهد که با علی علیه السلام بیعت کردند، سپس بیعت خود را

شکسته، با آن حضرت جنگیدند. (۳)

آنگاه از شاگردان وی روایت کرده که دیدم رواجی شمشیری بالای سرش آویخته است، از او پرسیدم که این شمشیر از آن

کیست؟ گفت:

أَعَدَدْتُهُ لِأَقَاتِلَ بِهِ مَعَ الْمَهْدِيِّ؛

من آن را مهیا کرده ام که با آن در رکاب مهدی علیه السلام شمشیر بزنم. (۴)

همه رجالیون بر وثاقت و صداقت او اتفاق نظر دارند، جز این که به جهت محبت شدیدش به اهل بیت علیهم السلام و ابراز

برائت و بیزاری اش از دشمنان اهل بیت، برخی از علمای رجال او را به تشیع متهم کرده اند (۵) ولی بزرگان شیعه تصریح

ص: ۱۲۱

۱- [۱]. سمعانی، الأنساب، ج ۶، ص ۱۷۰.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۷۹.

۴- [۴]. همان.

۵- [۵]. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التّهذیب، ج ۳، ص ۷۵.

کرده اند که او اهل تس(۱)ن می باشد.

شیخ طوسی از کتاب او به عنوان «أخبار المهدي» نام برده، ولی زرکلی از آن به عنوان «أخبار المهدي المنتظر» یاد کرده است. (۲)

چکیده

برخی از معاندان برای کم رنگ کردن احادیث مهدویت، ادعا کرده اند که تا سال ۲۶۰ هجری، مطلقاً نامی از غیبت نبود، پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام روایاتی جعل کرده، از غیبت امام دوازدهم سخن گفته اند، ما برای دفع این شبهه از ریشه و بن، ده کتاب از اصحاب ائمه علیهم السلام معرفی کردیم، که همه ی آنها در عصر ائمه و پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده و همه ی آنها به نام: «کتاب الغیبه» تألیف شده اند. از این رهگذر احادیث مهدویت از عصر نبوت تا پیش از آغاز غیبت، در منابع حدیثی، تاریخی، رجالی و کلامی مطرح بوده است و چنین ادعایی موجب شرمساری مدعیان می باشد.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الأنساب، تألیف: سمعانی، متوفای ۵۶۲ ق.

۲. رجال نجاشی، تألیف: احمد بن علی نجاشی، متوفای ۴۵۰ ق.

۳. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، تألیف: علی اکبر مهدی پور

۴. مرجع مهدویت، نشر: اطلاع رسانی پارسا، ج ۱۴

۵. میزان الاعتدال، تألیف: ذهبی، متوفای ۷۴۸ ق.، جلد دوم

ص: ۱۲۲

۱- [۱]. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴۳؛ ابن داود، الرجال، ص ۲۹۲؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۸۸.

۲- [۲]. زرکلی، الأعلام، ج ۳، ص ۲۵۸.

درس دوازدهم: نصّ صریح بر غیبت صغری و کبری

در احادیث فراوان از خاتم پیامبران و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام، تأکید شده بر این که برای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی.

در دوران غیبت کوتاه که به «غیبت صغری» مشهور شده، شیعیان توسط نوّاب خاصّ با آن حضرت در ارتباط بودند، ولی در دوران غیبت طولانی که به «غیبت کبری» شهرت یافته، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، نایب خاص و وکیل شناخته شده ای در میان مردم نداشتند و امکان ارتباط مستقیم و مستمرّ برای احدی وجود نداشت.

ولادت حضرت ولی عصر علیه السلام شب نیمه شعبان ۲۵۵ ق. در سامرا اتفاق افتاد و از لحظه تولّد به دور از دسترس مردمان زندگی می کرد.

روز هشتم ربیع الاوّل ۲۶۰ ق. پدر بزرگوارشان، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید و منصب امامت بر عهده ی آن حضرت قرار گرفت.

از آن تاریخ تا روز نیمه شعبان ۳۲۹ ق. که تاریخ ارتحال آخرین سفیر از سفیران چهارگانه می باشد (۱) شیعیان به وسیله ی نواب خاصّ چهارگانه با آن حضرت در ارتباط بودند.

این دوران به نام «غیبت صغری» نامیده شده است.

اگر مبدأ غیبت صغری را از روز ولادت آن حضرت حساب کنیم، مدّت غیبت صغری دقیقاً ۷۴ سال خواهد بود. (۲)

ولی اگر آن را از روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام محاسبه کنیم، مدّت غیبت صغری ۶۹ سال و پنج ماه و یک هفته خواهد بود. (۳)

با ارتحال علی بن محمد سمّری درب سفارت برای همیشه بسته شد، دوران غیبت صغری پایان یافت و اینک بیش از ۱۱ قرن از آغاز غیبت کبری می گذرد.

برخی از دشمنان قسم خورده ی اهل بیت، برای ایجاد شبهه در اذهان جوانان می گویند: داستان دو غیبت و تقسیم آن به صغری و کبری، پس از درگذشت نایب چهارم و آغاز غیبت کبری جعل شده است!!

برای رفع شبهه از ریشه و بن، حدیثی از تفسیر ابو حمزه ثمالی، متوفای

ص: ۱۲۴

۱- [۱]. شیخ طوسی تاریخ وفات علی بن محمد سمّری _ آخرین نایب خاص امام زمان علیه السلام _ را روز ۱۵ شعبان ۳۲۹ ق. ثبت کرده [الغیبه، ص ۳۹۴] ولی شیخ صدوق، راوندی و مرحوم بحرانی آن را در ۱۵ شعبان ۳۲۸ ق. نوشته اند [کمال الدین: ۲/۵۰۳؛ الخرائج والجرائج: ۳/۱۱۲۸؛ مدینه المعاجز: ۸/۱۴۵] بدون تردید قول شیخ طوسی اصحّ می باشد.

۲- [۲]. شیخ مفید آغاز غیبت صغری را از روز ولادت امام زمان علیه السلام ثبت کرده است [الارشاد: ۲/۲۵۹]

۳- [۳]. علامه مجلسی محاسبه ی آغاز غیبت صغری را از روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام مناسب تر می داند. [بحار الأنوار: ۵۱/۳۶۶]

۱۴۸ ق. و حدیثی از مشیخه حسن بن محبوب، متوفای ۲۲۴ ق. و سه حدیث از کتاب شریف اصول کافی، که مؤلف آن در عهد غیبت صغری می زیست و پیش از آغاز غیبت کبری وفات کرده است، نقل می کنیم:

۱. ابو حمزه ثمالی، از اصحاب امام سجّاد، امام باقر و امام صادق علیه السلام که به سال ۱۴۸ ق. (۱) یا ۱۵۰ ق. (۲) دیده از جهان فرو بسته، در تفسیر خود، در ذیل آیه شریفه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» (۳) از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که فرمود:

این آیه در حقّ ما نازل شده و آن کلمه پایدار امامت است، که تا روز رستاخیز در پشت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام قرار گرفته است.

سپس فرمود:

وَ أَنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ، إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى؛

برای قائم ما دو غیبت است، که یکی از آنها از دیگری طولانی تر است. (۴)

ابو حمزه ثمالی شخصیت بسیار ممتاز و برجسته ای می باشد که امام صادق علیه السلام در حقّ او فرمود:

ابو حمزه همانند سلمان زمان خود می باشد. (۵)

این حدیث شریف را که در آن به دو غیبت تصریح شده است، ابو حمزه

ص: ۱۲۵

۱- [۱]. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۸، ص ۸۵.

۲- [۲]. نجاشی، الرجال، ص ۱۱۵، رقم ۲۹۶.

۳- [۳]. سوره ی زخرف، آیه ی ۲۸.

۴- [۴]. ابو حمزه ثمالی، تفسیر القرآن الکریم، ص ۲۹۸؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳.

۵- [۵]. نجاشی، الرجال، ص ۱۱۵.

ثمالی در تفسیر خود از امام سجّاد علیه السلام روایت کرده است.

ابوحمزّه بیش از یک قرن پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام و نزدیک دو قرن پیش از آغاز غیبت کبری در گذشته است.

۲. حسن بن محبوب، متوفای ۲۲۴ ق. در کتاب مشیخه خود از ابراهیم بن اسحاق خارقى، از ابوبصیر، روایت کرده که گفت:

به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم که امام باقر علیه السلام می فرمود:

لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ - غَيْبَتَانِ، وَاحِدَةٌ طَوِيلَةٌ وَ الْأُخْرَى قَصِيرَةٌ؛

برای قائم آل محمد علیه السلام دو غیبت است: یکی طولانی و دیگری کوتاه.

فرمود:

نَعَمْ يَا أَيُّهَا بَصِيرٌ! إِخْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى، ثُمَّ لَمَا يَكُونُ ذَلِكَ يَعْغِي ظُهُورَهُ حَتَّى يَخْتَلِفَ وُلْدُ فُلَانٍ وَ تَضَيِّقَ الْحَلْفَةَ، وَ يَظْهَرَ السُّفْيَانِيَّ وَ يَشْتَدَّ الْبَلَاءُ وَ يَشْمَلَ النَّاسَ مَوْتٌ وَ قَتْلٌ وَ يَلْجَأُونَ مِنْهُ إِلَى حَرَمِ اللَّهِ تَعَالَى وَ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛

آری، ای ابوبصیر! یکی از آنها طولانی تر از دیگری است.

لکن آن تحقق پیدا نمی کند تا هنگامی که فرزندان فلانی اختلاف کنند، حلقه تنگ تر شود، سفیانی خروج کند، گرفتاری ها شدت یابد، کشت و کشتار فراگیر شود و مردم به حرم خدا و حرم پیامبر خدا پناه ببرند.

این حدیث را حسن بن محبوب با ده ها حدیث دیگر در مشیخه خود آورده

است.

حسن بن محبوب از اصحاب اجماع و از یاران امام هشتم بود.^(۱)

او مقام بسیار والایی داشت و یکی از ارکان اربعه زمان خود بود.^(۲)

کتاب مشیخه حسن بن محبوب را گروهی تبویب کرده اند، که از آن جمله است:

(۱) ابوسلیمان، داود بن کوره^(۳)

(۲) ابوجعفر، احمد بن حسین بن عبدالملک^(۴)

شهید ثانی نیز آن را انتخاب کرده، در حدود ۱۰۰۰ حدیث از آن برگزیده و شیخ حرّ عاملی آن را به خطّ شهید دیده است.^(۵)

کتاب مشیخه اگرچه به دست ما نرسیده، ولی سعد بن عبدالله اشعری، این حدیث را به نقل از کتاب مشیخه در «بصائر الدرجات» آورده است.

اهمیت کتاب سعد بن عبدالله در این است که مؤلف از شخصیت های برجسته شیعه در قرن سوم بود و خود به سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق. در گذشته است.^(۶)

روی این بیان حدیث یاد شده را حسن بن محبوب بیش از یکصد سال پیش از آغاز غیبت کبری در کتاب مشیخه و اشعری بیش از سی سال پیش از آغاز

ص: ۱۲۷

۱- [۱]. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرّجال، ص ۵۵۶، رقم ۱۰۵۰.

۲- [۲]. همو، الفهرست، ص ۹۶، رقم ۱۶۲.

۳- [۳]. نجاشی، الرّجال، ص ۱۵۸، رقم ۴۱۶.

۴- [۴]. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۶۷، رقم ۷۱.

۵- [۵]. شیخ حرّ عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۸۷.

۶- [۶]. نجاشی، الرّجال، ص ۱۷۸، رقم ۴۶۷.

غیبت کبری در بصائر الدّرجات نقل کرده است.

حسن بن سلیمان حلّی، شاگرد برجسته شهید اول، کتاب اشعری را تلخیص کرده و حدیث فوق را در آن درج نموده است. (۱)

این حدیث را نعمانی با سلسله اسنادش از حسن بن محبوب روایت کرده است. (۲)

امین الاسلام طبرسی نیز این حدیث را از کتاب حسن بن سلیمان روایت کرده می فرماید:

حسن بن محبوب زرّاد (سرّاد) از محدّثان و مؤلّفان مورد اعتماد و استناد شیعه، کتابی به نام «مشیخه» تألیف کرده، که از کتاب های پایه و مرجع می باشد و بیش از کتاب «مزنی» و امثال آن شهرت دارد.

وی این کتاب را بیش از یکصد سال پیش از غیبت (غیبت کبری) تألیف کرده است. (۳)

آنگاه متن حدیث یاد شده را به عنوان نمونه نقل کرده در مقام تحلیل آن فرموده است:

اینک بین چگونگی دو غیبت برای حضرت صاحب الامر علیه السلام اتّفاق افتاده است و مضمون احادیثی که پیش از تولّد آن حضرت از پدران و نیاکانش روایت شده، دقیقاً به همان شکل رخ داده است. (۴)

ص: ۱۲۸

۱- [۱]. حلّی، مختصر بصائر الدّرجات، ص ۱۹۵ چاپ جدید، ص ۴۳۴، ح ۵۲۱.

۲- [۲]. نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۲، ب ۱۰، ح ۷.

۳- [۳]. زیرا او به سال ۲۲۴ ق. وفات کرده و غیبت کبری به سال ۳۲۹ ق. آغاز شده است.

۴- [۴]. طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۶۰ - ۲۵۸.

اربلی نیز همین متن را به نقل از طبرسی آورده است. (۱)

شیخ مفید در این رابطه می فرماید:

روایات فراوان از پیشوایان پیشین از آل محمد علیه السلام رسیده است که حضرت قائم منتظر علیه السلام را دو غیبت است که یکی از آنها طولانی تر از دیگری است، در غیبت کوتاه خواصّ شیعه از اخبار او مطلع هستند، ولی در غیبت طولانی محلّ استقرارش از عموم مردم، به جز نزدیکانش که متصدّی خدمت او هستند، پوشیده می باشد.

پیش از ولادت امام حسن عسکری و پدران بزرگوارش، اخبار فراوان در این رابطه رسیده است.

هنگامی که وکلا و سفیران یاد شده در گذشتند، نویدهای مربوط به غیبت کبری تحقّق یافت. و این، یکی از دلایل روشن بر حقّانیت شیعه و اعتقادات راسخ آنان می باشد. (۲)

۳. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، با سلسله اسناد خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ، يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمَ، يَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرَوْنَهُ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است که در یکی از آنها در موسم حج شرکت می کند، او مردمان را می بیند، ولی مردم او را نمی بینند. (۳)

ص: ۱۲۹

۱- [۱]. اربلی، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۹.

۲- [۲]. شیخ مفید، الفصول العشره، ص ۱۸، (مصنّفات الشّیخ المفید، ج ۳، الفصول العشره، ص ۸۲).

۳- [۳]. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹، کتاب الحجّه، باب نادر فی الغیبه، ح ۱۲.

۴. در حدیث دیگری از آن حضرت روایت می کند که فرمود:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ، إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ، الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ؛ وَ الْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ، وَ الْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی.

در غیبت اولی به جز خواص شیعیان کسی از محل اقامت او خبر ندارد.

در غیبت دیگری فقط خواص نزدیکانش از جایگاه او مطلع هستند. (۱)

۵. در حدیث دیگری از آن حضرت روایت کرده که فرمود:

لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَانِ، إِحْدَاهُمَا يَرْجِعُ مِنْهَا إِلَى أَهْلِهِ، وَ الْأُخْرَى يُقَالُ: هَلَكُكَ، فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ؛

برای صاحب این امر دو غیبت است، در یکی از آنها به نزدیکانش مراجعه می کند، ولی در دیگری گفته می شود که هلاک شده، یا در کدامین وادی گام نهاده است!

راوی پرسید: اگر چنین وضعی پیش آید ما چه کنیم؟ فرمود:

إِذَا ادَّعَاها مُدَّعٍ، فَاسْأَلُوهُ عَنْ أَشْيَاءٍ يُجِيبُ فِيهَا مِثْلَهُ؛

اگر کسی آن را ادعا کند، از او در مورد مطالبی پرسش کنید که فقط امثال او می تواند پاسخ بگوید. (۲)

ص: ۱۳۰

۱- [۱]. همان، ص ۳۴۰، ح ۱۹.

۲- [۲]. همان، ح ۲۰.

محمد بن یعقوب کلینی، برجسته ترین، استوارترین و مورد اعتمادترین محدث شیعه در عصر غیبت صغری می باشد که پیش از آغاز غیبت کبری، به سال ۳۲۹ ق. دیده از جهان فرو بسته است.

از این رهگذر وجود این احادیث در کتاب شریف کافی با این صراحت و شفافیت، هرگونه تردید را از بین می برد و جای شک و ابهامی برای احدی باقی نمی گذارد.

چکیده

دشمنان قسم خورده ی اهل بیت علیهم السلام در مورد همه ی مطالب مربوط به اهل بیت، به ویژه مطالب مربوط به حضرت بقیه الله ارواحنا فدا، سخنان پوچ و بی پایه در سایت ها و دیگر رسانه ها منتشر کرده، القای شبهه نموده اند، از جمله ادعا کرده اند که پیش از ۳۲۹ هجری، که سال وفات نایب چهارم، بسته شدن در سفارت و آغاز غیبت کبری می باشد، در هیچ منبعی حدیثی نبوده که از دو غیبت به عنوان غیبت صغری و غیبت کبری نام برده باشد، پس از وفات نایب چهارم، چون وکیل و نایب خاصی در میان مردم نبود، این احادیث جعل شده است.

در این درس ما حدیثی از تفسیر ابوحزمه ثمالی نقل کردیم که در آن از دو غیبت کوتاه (صغری) و بلند (کبری) بحث شده است.

ابوحزمه به سال ۱۴۸ یا ۱۵۰ وفات کرده، یعنی بیش از یکصد سال پیش از ولادت حضرت ولی عصر ارواحنا فدا و در حدود ۲۰۰ سال پیش از آغاز غیبت کبری در گذشته است.

سپس حدیثی از حسن بن محبوب نقل کردیم که سال ۲۲۴ وفات کرده،

یعنی بیش از یکصد سال قبل از آغاز غیبت کبری.

سپس سه حدیث از اصول کافی نقل کرده ایم، که مؤلف آن در زمان غیبت صغری زندگی می کرد و پیش از آغاز غیبت کبری در گذشته است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. اصول کافی، جلد اول، تألیف: محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ ق.

۲. اختیار معرفه الرجال، گزینش شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق.

۳. مختصر بصائر الدرجات، گزینش حسن بن سلیمان حلّی _ قرن هشتم _

۴. الذریعه الی تصانیف الشیعه، تألیف شیخ آغا بزرگ تهرانی، متوفای ۱۳۹۰

ص: ۱۳۲

۱. إبراز الوهم المكنون، صدیق، من كلام ابن حزم، احمد بن صدیق بخاری، متوفای ۱۳۸۰ ق، چ ۱۳۴۷ ق. دمشق
۲. إبراز الوهم المكنون، من كلام ابن خلدون، احمد بن صدیق، متوفای ۱۳۸۰، چ ۱۳۴۷ ق. دمشق
۳. اثبات الرجعه، فضل بن شاذان، متوفای ۲۶۰ ق. _ مخطوط _
۴. اثبات الوصیه، مسعودی، علی بن الحسین، متوفای ۳۴۹ ق. چ نجف اشرف
۵. اثبات الهداه، شیخ حرّ عاملی، متوفای ۱۱۰۴ ق. چ ۱۳۹۹ ق. قم
۶. اختیار معرفه الرّجال، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰. چ دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۷. اسعاف الرّاعیین (در حاشیه نور الأبصار) ابن صبّان مصری، متوفای ۱۲۰۶ ق، چ بیروت
۸. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ ق. چ بیروت
۹. إعلام الوری بأعلام الهدی، امین الاسلام طبرسی _ قرن ششم _ چ ۱۳۹۹ ق. بیروت
۱۰. الاحتجاج بالأثر علی من انکر المهدی المنتظر، شیخ حمود بن عبد الله تویجری _ معاصر _ چ ۱۴۰۶ ق. سعودی
۱۱. الإحتجاج، طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، _ قرن ششم _ چاپ ۱۰۴۱ ق. بیروت
۱۲. الاختصاص، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ ق. چ ۱۴۱۳ ق.
۱۳. الإذاعه لما کان و ما یكون بین یدی السّاعه، سید محمد صدیق فنوچی، متوفای ۱۳۰۷ ق، چ ۱۴۲۴ ق. بیروت.
۱۴. الارشاد، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ ق. چاپ ۱۴۱۳ ق. قم
۱۵. الأعلام، خیرالدین زرکلی، متوفای ۱۳۹۶ ق. چ ۱۹۸۰ م. بیروت
۱۶. الأنساب، سمعانی، عبدالکریم بن محمد بن منصور، متوفای ۵۶۲ ق. چ ۱۴۰۰ ق. بیروت
۱۷. الايمان، ابن منده، اسحاق بن محمد بن یحیی، متوفای ۳۹۵ ق.

۱۸. البدر الطالع، شوکانی، محمد بن علی خولانی، متوفای ۱۲۵۰ ق. چ بیروت.
۱۹. البدء والتاریخ، مقدسی، احمد بنسهل نوبختی، متوفای ۳۲۲ ق، چ ۱۹۱۶ م. بغداد
۲۰. البرهان، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ ق. چ ۱۴۱۹ ق. بیروت
۲۱. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ق. چ ۱۳۹۹ ق. قم
۲۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی، محمد بن یوسف، متوفای ۶۵۸ ق. چ بیروت
۲۳. التاریخ الکبیر، بخاری، متوفای ۲۵۶ ق. چ ۱۴۰۷ ق. بیروت
۲۴. التذکره، قرطبی، شمس الدین محمد بن احمد، متوفای ۶۷۱ ق. چ ۱۴۰۵ ق. بیروت
۲۵. التصریح بما تواتر فی نزول المسیح، شیخ محمد انور شاه کشمیری، متوفای ۱۳۵۲ ق. چ ۱۴۲۶ ق. بیروت
۲۶. التفسیر، عیاشی، محمد بن مسعود، _ قرن سوم _ چ ۱۴۲۰ ق. قم
۲۷. الجامع الصّحیح، ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، متوفای ۲۷۹ ق. چ بیروت
۲۸. الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، متوفای ۶۷۱ ق. چ ۱۹۷۳ م. بیروت
۲۹. الحاوی للفتاوی، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. چ ۱۴۲۱ ق. بیروت
۳۰. الخرائج والجوارح، قطب الدین راوندی، متوفای ۵۷۳ ق. چ ۱۴۰۹ ق. قم.
۳۱. الخصائص الکبری، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق، چ ۱۴۲۴ ق. بیروت
۳۲. الخصال، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. چ ۱۴۰۳ ق. قم
۳۳. الدّعوات، قطب راوندی، سعید بن عبد الله، متوفای ۵۷۳ ق. چ ۱۴۰۷ ق. قم.
۳۴. الرّجال، ابن داود، متوفای ۷۰۷ ق، چ ۱۳۹۲ ق. نجف اشرف.
۳۵. الرّجال، نجاشی، احمد بن علی، متوفای ۴۵۰ ق، چ ۱۴۱۳ ق. بیروت
۳۶. الرد علی من کذب بالاحادیث الصّحیحه الوارده فی المهدی، شیخ عبدالحمسن العباد _ معاصر _ چ مدینه منوره.
۳۷. الزام النّاصب، حائری، شیخ علی یزدی، متوفای ۱۳۴۳ ق، چ بیروت

۳۸. السنن، ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوینی، متوفای ۲۷۵ ق، چ بروت
۳۹. السنن، ابو عمرو دانی، عثمان بن سعید قرطبی، متوفای ۴۴۴ ق.
۴۰. السنن الکبری، بیهقی، متوفای ۴۵۸ ق، چ بیروت
۴۱. السیر والمغازی، ابن اسحاق، محمد بن اسحاق بن یسار، متوفای ۱۵۱ ق. چ ۱۳۹۸ ق. بیروت
۴۲. السیره الحلبیه، حلبی، علی بن برهان الدین حلبی شافعی، متوفای ۱۰۴۴ ق. چ بیروت
۴۳. الصافی، فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ ق، چ ۱۴۱۹ ق. تهران
۴۴. الصّحیح، مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ ق. چ ۱۳۷۴ ق. مصر
۴۵. الصّحیح من سنن المصطفی، سلیمان بن اشعث سجستانی، متوفای ۲۷۵ ق، چ ۱۴۲۷ بیروت
۴۶. الصّراط المستقیم، بیاضی، علی بن یونس نباطی، متوفای ۸۷۷ ق. چ ۱۳۸۴ ق. تهران
۴۷. الصّواعق المحرّقه، احمد بن حجر هیتمی مکی، متوفای ۹۷۴ ق، چ ۱۳۸۵ ق. مصر
۴۸. العرف الوردی، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. چ ۱۴۲۷ ق. تهران
۴۹. العطر الوردی، بلیسی، احمد بن احمد حلوانی شافعی، متوفای ۱۳۰۸ ق. چ ۱۳۰۸ ق. بولاق
۵۰. الغیبه، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰، چ ۱۳۹۷ ق. تهران
۵۱. الغیبه، نعمانی، متوفای بعد از ۳۴۲ ق. چ ۱۳۹۷ ق. تهران
۵۲. الفتاوی الحدیثیه، ابن حجر، احمد بن محمد مکی هیتمی، متوفای ۹۷۴، چ بیروت
۵۳. الفتن، نعیم بن حماد مروزی، متوفای ۲۲۹، چ ۱۴۱۲ ق. قاهره
۵۴. الفتوحات الاسلامیه، زینی دحلان، متوفای ۱۳۰۴ ق، چ ۱۳۲۳ ق، مصر.
۵۵. الفتوحات المکیه، محی الدین ابن عربی، متوفای ۶۳۸ ق، چ ۱۴۲۴ ق. بیروت
۵۶. الفردوس بمأثور الخطاب، سیرویه بن شهریار دیلمی، متوفای ۵۰۹ ق، چ ۱۴۰۷ بیروت
۵۷. الفصول العشره (در ضمن مصنّفات الشّیخ المفید)، متوفای ۴۱۳ ق. چ ۱۴۱۳ ق، قم.

۵۸. الفصول المهمه، ابن صبّاغ مالکی، متوفای ۸۵۵ ق، چ نجف اشرف

۵۹. الفهرست، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق، چ ۱۴۲۰ ق. قم

ص: ۱۳۵

۶۰. القطر الشَّهَدِي فِي أَوْصَافِ الْمَهْدِي، شَهَابُ الدِّينِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ اسْمَاعِيلِ حُلَوَانِي شَافِعِي، مِتُوفَاي ١٠٣٨، ج ١٣٠٨ ق. بولاق.

۶۱. الْقَوْلُ الْمَخْتَصِرُ فِي عِلَامَاتِ الْمَهْدِي الْمُنْتَظَرِ، ابْنُ حَجْرٍ هَيْتَمِي مَكِّي، مِتُوفَاي ٩٧٤ ق. ج قاهره.

۶۲. الْكُشْفُ وَالْبَيَانُ، ثَعْلَبِي، ابُو اسْحَاقَ، مِتُوفَاي ٤٢٧ ق. ج ١٤٢٢ ق. بيروت.

۶۳. الْمَخْتَارُ مِنْ كَلِمَاتِ الْإِمَامِ الْمَهْدِي، شَيْخُ مُحَمَّدِ غُرُوبِي، مِتُوفَاي ١٤٣٢ ق. ج ١٤١٤، قم.

۶۴. الْمُسْتَدْرَكُ لِلصَّحِيحِينَ، حَاكِمُ نِيْشَابُورِي، مِتُوفَاي ٤٠٥ ق. ج بيروت.

۶۵. الْمُسْنَدُ، ابُو يَعْطَى، أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مِثْنَى، مِتُوفَاي ٣٠٧ ق. ج ١٤٠٤ ق. بيروت.

۶۶. الْمُسْنَدُ، أَحْمَدُ حَنْبَلِي، مِتُوفَاي ٢٤١ ق. ج ١٤١٤ ق، بيروت.

۶۷. الْمَصْنَفُ، ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ، عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، مِتُوفَاي ٢٣٥ ق، ج ١٤٠٩ ق. بيروت.

۶۸. الْمَصْنَفُ، عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ هَمَّامٍ صَنْعَانِي، مِتُوفَاي ٢١١ ج ١٤٢١ ق. بيروت.

۶۹. الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ، طَبْرَانِي، سَلِيمَانَ بْنِ أَحْمَدَ، مِتُوفَاي ٣٦٠ ق. ج ١٤٠٤ ق. بيروت.

۷۰. الْمَلَا حَمَّ، ابْنُ الْمُنَادِي، أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرٍ، مِتُوفَاي ٣٣٦ ق، ج ١٤١٨ ق. قم.

۷۱. الْمَنَارُ الْمَنِيْفُ، ابْنُ قَيْمٍ جُوزِيَه، مِتُوفَاي ٧٥١، ج ١٤٠٨ ق. بيروت.

۷۲. الْمَهْدِي الْمُنْتَظَرُ، عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ صَدِيقِ حَسَنِي اِدْرِيْسِي، مِتُوفَاي ١٣٨٠ ق، ج ١٤٠٥ ق. بيروت.

۷۳. الْمَهْدِي الْمُنْتَظَرُ، بَسْتَوِي، عَبْدِ الْعَظِيمِ _ مَعَاصِر _ ج ١٤٢٠ ق. مکه معظمه.

۷۴. الْمَهْدِيَه فِي الْإِسْلَامِ مِنْذُ أَقْدَمِ الْعُصُورِ حَتَّى الْيَوْمِ، سَعْدُ مُحَمَّدِ حَسَنِ أَزْهَرِي، ج ١٣٧٣ ق. مصر.

۷۵. النَّوَادِرُ، فَيْضُ كَاشَانِي، مُحَمَّدُ بْنُ مَرْتَضَى، مِتُوفَاي ١٠٩١ ق. ج سنگي تهران.

۷۶. النَّهْيَاهِ، ابْنُ كَثِيرٍ، ابُو الْفَدَاءِ اسْمَاعِيلُ بْنُ كَثِيرٍ، مِتُوفَاي ٧٧٤ ق. ج ١٩٦٨ م، رياض.

۷۷. اَمَلُ الْآمَلِ، شَيْخُ حَزْرٍ عَامَلِي، مِتُوفَاي ١١٠٤ ق. ژ ١٣٨٥ ق. نجف الاشرف.

۷۸. او خواهد آمد، علي اکبر مهدي پور، چاپ دوازدهم، قم.

۷۹. أخبار الدُّول و آثار الأوَّل، قرمانی، احمد بن یوسف دمشقی، متوفای ۱۰۱۹ ق. چ قاهره

۸۰. بحار الانوار، علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ ق، چ بیروت

ص: ۱۳۶

۸۱. تاریخ الاسلام، ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، متوفای ۷۴۸ ق، چ ۱۴۱۰ ق. بیروت
۸۲. تاریخ الخمیس، دیار بکری، حسین بن محمد، متوفای ۹۶۶ ق، چ ۱۳۰۲ ق. مصر
۸۳. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، احمد بن علی، متوفای ۴۶۳ ق. چ بیروت
۸۴. تاریخ دمشق، ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه الله، متوفای ۵۷۱ ق. چ ۱۴۲۱ ق، بیروت
۸۵. تحفه الأحمذی، مبار کفوری، ابوعلی محمد بن عبدالرحمن، متوفای ۱۳۵۳ ق، چ بیروت
۸۶. تذکره الحفاظ، ذهبی، متوفای ۷۴۸ ق، چ ۱۳۷۶ ق، حیدرآباد دکن.
۸۷. تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، متوفای ۶۵۴ ق. چ ۱۳۸۳ ق. بیروت
۸۸. تفسیر القرآن الکریم، ابوحمزه ثمالی، متوفای ۱۴۸ ق. چ ۱۳۷۸ ش. قم
۸۹. تفسیر فرات، فرات الکوفی _ قرن سوم _ چ ۱۴۱۲ ق. بیروت
۹۰. تلخیص المستدرک، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، متوفای ۷۴۸ ق. چ ۱۴۱۰ ق. بیروت
۹۱. تنقیح المقال، مامقانی، شیخ عبدالله، متوفای ۱۳۵۱ ق. چ ۱۴۳۱ ق. قم
۹۲. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق، چ ۱۴۰۶ ق. بیروت
۹۳. تهذیب الکمال، مزی، یوسف، متوفای ۷۴۲ ق، چ ۱۴۱۳ ق. بیروت
۹۴. جامع الاصول، ابن اثیر ابوالسعادات مبارک بن محمد جزری، متوفای ۶۰۶ ق، چ ۱۴۰۰ ق، بیروت
۹۵. جزوه رابطه العالم الاسلامی. کتانی،
۹۶. حلیه الأبرار، محدث بحرانی، سید هاشم، متوفای ۱۱۰۹، چ ۱۳۵ ش. قم
۹۷. حلیه الأولیاء، ابو نعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ ق، چ ۱۳۵۷ ق، بیروت
۹۸. خریده العجائب، ابن الوردی، سراج الدین ابوالحفص، متوفای ۷۴۹ ق، چ بیروت
۹۹. دلائل الامامه، محمد بن جریر بن رستم طبری امامی _ قرن پنجم _ چ ۱۴۱۳ ق، قم.
۱۰۰. دلائل النبوه، ابو نعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ ق، چ ۱۴۱۹ ق. بیروت.

١٠١. ذيل عقيدته اهل السنه والاثر، مجله الجامعه الاسلاميه، چ دانشگاه مدينه، شماره اول، سال

ص: ١٣٧

۱۰۲. رساله المهدی من آل الرسول، ملا علی قاری، متوفای ۱۰۱۴ ق. _ مخطوط _
۱۰۳. روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چ سوم، ۱۳۷۶ ق، قم
۱۰۴. روضه الواعظین، ابن فتال نیشابوری، مستشهد ۵۰۸ق، چ ۱۴۲۳ ق. قم
۱۰۵. سیر أعلام النبلاء، ذهبی، شمس الدین محمد، متوفای ۷۴۸ ق، چ ۱۴۰۱ ق. بیروت
۱۰۶. شرح المواهب اللدنیه، محمد بن عبدالباقی، متوفای ۱۱۲۲ ق.
۱۰۷. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، متوفای ۶۵۶ق، چ قاهره.
۱۰۸. عباد، عقیده أهل السینه والأثر فی المهدی المنتظر، در ضمن مجله الجامعه الاسلامیه، چ دانشگاه مدینه، سال اول، شماره ۳، ۱۳۸۸ ق.
۱۰۹. عقد الدرر، سلمی، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، _ قرن هفتم _ چ ۱۳۹۹ ق. قاهره
۱۱۰. علل الشرائع، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ق، چ ۱۳۸۵ ق. نجف اشرف
۱۱۱. عون المعبود، عظیم آبادی، محمد شمس الحق، چاپ ۲۰۰۲ م. بیروت
۱۱۲. عهد قدیم، کتاب اشعیاء نبی، کتاب مقدس، چ ۱۹۰۴ م. لندن.
۱۱۳. عیون الأخبار، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. چ ۱۳۹۰ ق، نجف اشرف
۱۱۴. غایه المواعظ، آلوسی، خیرالدین ابوالبرکات، متوفای ۱۳۱۷ ق، چ بیروت
۱۱۵. غایه المأمول، ناصف، شیخ منصور علی، متوفای بعد از ۱۳۷۱ ق، چ ۱۴۰۶ ق. بیروت
۱۱۶. غایه المرام، محدث بحرانی، سید هاشم، متوفای ۱۱۰۹، چ ۱۴۲۲، بیروت
۱۱۷. فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۱، چ ۱۳۷۹ ق. ریاض.
۱۱۸. فتح المغیث، سخاوی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن، متوفای ۹۰۲ ق. چ قاهره.
۱۱۹. فرائد السّمطین، حموینی، ابراهیم بن محمد جوینی، متوفای ۷۳۰، چ ۱۳۹۸ ق. بیروت

۱۲۰. فرائد فوائد الفكر في الامام المهدي المنتظر، مرعي بن يوسف مقدسي كرمي، متوفاي ۱۰۳۳ ق. ج ۱۴۲۴ ق. قم

ص: ۱۳۸

۱۲۱. فهرس التراث، جلالی، سید محمد حسینی، چ ۱۴۲۲ ق. قم.
۱۲۲. فیض القدیر، مناوی، محمد عبد الرؤوف، متوفای ۱۰۳۰ ق. چ ۱۴۲۲ ق. بیروت
۱۲۳. کتاب النبوه، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. چ ۱۳۸۱، تهران
۱۲۴. کتاب مقدس، چ ۱۹۰۴ م. لندن
۱۲۵. کشف الحق، خاتون آبادی، میر محمد صادق، متوفای ۱۲۷۲ ق. چ ۱۳۶۱ ش، تهران
۱۲۶. کشف الغمه، اربلی، علی بن عیسی، متوفای ۶۹۳ ق، چ بیروت
۱۲۷. کفایه الاثر، خزاز، ابوالقاسم علی بن محمد، _ قرن چهارم _ چ ۱۴۰۱ ق. قم
۱۲۸. کفایه المهتدی، میرلوحی، سید محمد، _ قرن دوازدهم _ چ ۱۴۲۶ ق. قم
۱۲۹. کلمه الامام المهدی، شیرازی، شهید سید حسن، مستشهد ۱۴۰۰ ق. چ ۱۴۰۴ ق. بیروت
۱۳۰. کمال الدین، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق، چ ۱۳۹۵ ق. تهران
۱۳۱. کنز العمال، متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ق، چ ۱۳۹۹ ق، بیروت
۱۳۲. لسان العرب، ابن منظور، متوفای ۷۱۱ ق، چ ۱۴۰۸ ق. بیروت
۱۳۳. لوائح الأنوار البهیه، فارینی، شمس الدین محمد بن احمد سفارینی، متوفای ۱۱۸۸ ق، چ ۱۳۰۸ ق. بولاق.
۱۳۴. مجله التریه الاسلامیه، آل شیخ حلقه،
۱۳۵. مجله التمدن الاسلامی، جلد ۱۶، چاپ دمشق، ۱۳۷۰ ق.
۱۳۶. مختصر بصائر الدرجات، حلّی، حسن بن سلیمان _ قرن هشتم _ چ ۱۴۲۳ ق، بیروت
۱۳۷. مختصر سنن ابی داود، عبدالعظیم منذری شافعی، متوفای ۶۵۶ ق، چ بیروت
۱۳۸. مدینه المعجز، محدث بحرانی، سید هاشم، متوفای ۱۱۰۹، چ ۱۴۱۳ ق. قم
۱۳۹. مرآت العقول، علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ ق، چ ۱۴۰۸ ق. تهران
۱۴۰. مرقات المفاتیح، ملا علی قاری، متوفای ۱۰۱۴ ق. چ مصر.

۱۴۱. مشارق الأنوار، حمزاوی، حسن عدوی، متوفای ۱۳۰۳، چ مصر

ص: ۱۳۹

۱۴۲. مشکات المصابیح، خطیب تبریزی، متوفای بعد از ۷۴۱ ق. چ ۱۴۱۱ ق. بیروت
۱۴۳. مصابیح السنه، بغوی، حسین بن مسعود بن محمد الفراء، متوفای ۵۱۰ یا ۵۱۶ ق. چ ۱۴۰۷ ق. بیروت
۱۴۴. مطالب السؤل، محمد بن طلحه، متوفای ۶۵۲ ق، چ ۱۴۱۹ ق بیروت
۱۴۵. معالم السنن، الخطابی، حمد بن محمد، متوفای ۳۸۸ ق.
۱۴۶. معالم العلماء، ابن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ ق، چ ۱۳۸۰ ق. نجف اشرف
۱۴۷. معجم البلدان، یاقوت حموی، متوفای ۶۵۶ ق، چ بیروت
۱۴۸. مقتل الحسین، خوارزمی، موفق بن احمد مکی، متوفای ۵۶۸ ق، چ ۱۳۷۶ ق، نجف اشرف
۱۴۹. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ ق، چ ۱۴۱ ق. بیروت
۱۵۰. منتخب الأثر، آیه الله حاج شیخ لطف الله صافی، چ ۱۴ ق. قم
۱۵۱. منتخب الأنوار المضيئه، نیلی، سید علی، متوفای ۷۹۰، چاپ ۱۴۰۱ ق. قم
۱۵۲. میزان الاعتدال، ذهبی، احمد بن عثمان، متوفای ۷۴۸ ق. چ بیروت
۱۵۳. نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر، کتانی، محمد بن جعفر فاسی، متوفای ۱۳۴۵ ق.
۱۵۴. نور الأبصار، شبلنجی، سید مؤمن، متوفای بعد از ۱۳۰۸ ق. چ بیروت
۱۵۵. ینایع المودّه، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم بلخی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ق. چ ۱۳۸۵ ش، قم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

